



پیام فدائی

مرکب برای ما میسر است
و سگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

بها: ۱۰۰۰ ریال

اسفند ۶۸ - ۵۰ صفحه

سال چهارم شماره ۳۱

گزارش هیئت تحقیق در خدمت خط مبارک

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی



نتایج کار این هیات در یک گزارش جمعی ۲۶ صفحه‌ای انتشار یافت و محتای دیگری را بنمایند گذارد.

گزارش "هیات تحقیق" به طرز ناایمانانه‌ای کوشید تا چهره "رسوای جلادان حاکم بر ایران را حتی الامکان بیپوشاند." گزارش کوشید تا نشان تا مرفق در خون نوحیمان جمهوری اسلامی را در قتل عام

نصفه ۷

سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل به ایران و نتایج آن واکنشهای متفاوتی را در بین نیروها و جریانها ابوزیسون برانگخت.

اگر چه "هیات تحقیق" با سفر به ایران مدعی بررسی مسئله نقض متعادی بدیهیترین حقوق بشر در ایران توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده اما سر آخر آنچه که تحت عنوان

پیرامون جنگ ایران و عراق (وضعیت نه جنگ و نه صلح)

نزدیک به دو سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری آتش بس در جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق میگذرد ولی علیرغم گذشت این مدت طولانی هنوز صلح فیما بین دو دولت قطعیت نیافته است و حتی گاه طرفین جنگ با اصرار و تاکید بر مواضع و شروط متضاد خویش در رابطه با برقراری صلح به تهدید یکدیگر پرداخته و از احتمال آغاز مجدد جنگ نیز سخن گفته‌اند.

طی مدت زمان یاد شده بارها نمایندگان دو کشور از کانال دبیر کل سازمان ملل، تحت عنوان انجام

نصفه ۲

تظاهرات دلیرانه توده‌های مبارز ایران و واکنشهای رژیم در قبال آن

نصفه ۱۶

در این شماره

- ۱۷ - گنگنه و نکته‌ها
- ۱۸ - اعلامیه کمیته موقت ...
- ۳۲ - اخبار و گزارشهای خبری
- ۴۵ - کمکهای مالی
- ۴۶ - ایران از سرجه آمار
- شبه‌های اسفند ماه چریکهای فدائی
- ۴۹ - خلق ایران و روز عمار

گزیده‌هایی از صدای چریکها

نصفه ۱۹

"بیاد شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند"

نصفه ۲۹

در گرامیداشت روز جهانی زن

نصفه ۳۳

نگاهی به اوضاع مشقت بار کارگران در "تولید ارو"

نصفه ۴۷

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیرامون جنگ ایران و عراق (وضعیت نه جنگ و نه صلح)

از صفحه ۱

کوفتهایی برای دستیابی به صلح و رفع موانع موجود بر سر راه این امر به مذاکره پرداخته و در دوره‌های مختلف بر سر مسائل تفریط ساعتها و روزها گفتگو نموده‌اند. در همین حال نمایندگان از سازمان ملل نیز بدفتمات با ادعای ایجاد زمینه‌های برقراری صلح دائم فیما بین دو دولت ایران و عراق و رفع موانع سدکننده راه بهررفت مذاکرات به تهران و بغداد سفر کرده‌اند. لیکن نه آن مذاکرات و گفتگوها به‌اخذ نتیجه مثبتی انجامیده و نه سودی از آن سفرها و از آن باصطلاح تلافی‌های ظاهرا صلح - خواهانه عاید گشته است. ماحصل آنکه پروسه آتش بس طولانی شده و دو دولت نه در حالت جنگ یا صلح بلکه در حالت نه جنگ و نه صلح بسر می‌برند.

عمده موارد اختلافات که ظاهرا تاکید سرسختانه طرفین بر مواضع خویش در آن موارد هر بار باصطلاح تلافی‌های "صلح خواهانه" سازمان ملل را با بن بست مواجه می‌سازد به‌گونه‌ای که همواره در رسانه‌های خبری عنوان شده و مورد تبلیغ قرار می‌گیرد، شامل مواردی نظیر اختلاف بر سر حق مالکیت براروند رود (خط العرب) و اختلاف طرفین به موکول کردن یا نکردن انجام مذاکرات مستقیم به خروج نیروهای عراقی از خاک ایران و

چگونگی استرداد اسرا و غیره می‌باشد. علیرغم شکست تاکنونی مذاکرات صلح و "تلافی" در این زمینه همچنان ادامه دارد و اخیرا نیز دور جدیدی از گفتگوها و اقدامات به منظور ادعائی برقراری صلح فیما بین دو دولت ایران و عراق از طرف محافل مختلف تفریط با این موضوع به جریان افتاده است. در نزدین دور گفتگوها و اقدامات مسئله‌ای که بطور بارز جلب توجه می‌کند اینست که چه ایران و چه عراق بهیچ‌از گذشته نسبت به برقراری صلح ابرسراز تمایل نموده و خود را برای این منظور آماده نمان می‌دهند. در این دور جدید آنها قبل از اینکه بر روی موارد اختلافات خویش تاکید نمایند، بهیچ‌از ضرورت دستیابی به صلح و یافتن راه حل‌هایی جهت حل اختلافات سخن می‌رانند. هر دو دولت به پیشنهاد میانجیگری رویزیهونستهای شوروی که از آنها برای انجام مذاکراتی در مسکو دعوت بعمل آوردند، جواب مثبت دادند و اخیرا نیز به پیشنهاد پرزدوکوتیار دبیر کل سازمان ملل مثبتی بر انجام مذاکراتی در نیویورک بر اساس طرح ۸ ماده‌ای جدید اراکه شده از طرف سازمان ملل به پاسخ رد نمانده و اظهار نظر منفی نموده‌اند. مجموع این مسائل و فاکتورها باعث شده است که توجه بسیاری از

توده‌های آگاه و مبارز ما به مسئله صلح در جنگ ایران و عراق جلب شده و این سؤال اساسی که در ورای دلائل ظاهری برای طولانی شدن پروسه آتش بس چه دلائل واقعی و کدام منافع اقتصادی نهفته است و با بعبارت دیگر برقراری حالت نه جنگ و نه صلح فیما بین دو دولت متعارب بدفع چه کسی است در میان آنان با برجستگی هر چه بیشتری مطرح گردد. براین مبنا جا دارد در اینجا به این موضوع بپردازیم.

اگر این واقعیتی است که جنگ ادامه سیاست منتها در شکل دیگریست و جنگ ایران و عراق نیز در ادامه سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی مشخص و معینی بوجود آمده باید دانست که وضعیت کنونی با بعبارت دیگر برقراری حالت نه صلح و نه جنگ در روابط دو کشور نیز مبین سیاستی است که بالطبع نمیتواند منفک از سیاست حاکم بر جنگ و آن سیاستی باشد که جنگ ایران و عراق از آن نفاذ گرفت. بنا براین برای توضیح وضعیت کنونی و ترک سیاستی که موجب هر چه طولانی‌تر شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق گردیده است، باید بهرور مجدد "جنگ" پرداخت و با تاکید بر الزامات و دلائل موجد "جنگ" و بخصوص و مؤکدا با تفهیم منافی که پیگیری

سياست مذکور نصب سازماندهندگان جنگ ايران و عراق نمود، نتايج لازم را در اين زمينه اخذ کرد.

تاکنون در مورد جنگ ايران و عراق تحليلهای گوناگونی از طرف نیروهای سياسي مختلف ارائه شده. در اين تحليلها اغلب علت جنگ بدلائي نظير خواست رژيم جمهوری اسلامي به صدور " انقلاب اسلامي " تمایل او به اجراز " مقام " زاندارمی در منطقه و یا بدليل کوشش رژيم جمهوری اسلامي جهت " تثبیت " و حفظ موقعیت خویش و غيره ارجاع شده است ولی این تحليلها در حالیکه بلحاظ صوری متفاوت از یکدیگر میباشد، همواره از يك نقص بزرگ بطور مشترک رنج برده اند. وجه اشتراك همه این تحليلها، غیرعلمی و غیر مارکسیستی بودن آنهاست. اگر مارکسیسم بر آنست که در پشت هر سیاستی باید منافع مادی و در تحليل نهائی منافع اقتصادی مشخص پیش بردگان آن سیاست را تشخیص داده در این تحليلها درست همین آموزی مارکسیسم از نظر دور داشته میشود. در باصطلاح پیچیدهترین (!!) آنها تحليلگران جنگ ايران و عراق راه جنگ آلترنا تيوها نامیده و تأمین منافع متضاد دو بورژوازی (۹۱) که آلترنا تيو یکی بان - اسلام و دیگری بان عربیسم بوده و هر يك برای استیلای آلترنا تيو خویش میکوشند را " دليل جنگ " قلمداد مینمایند، بدون آنکه قادر به معرفی چهره آن دو بورژوازی و منافع اقتصادی همین و متضاد آنان بوده باشند (۹۲). تنها تحليل (۹۲) - بعنوان مثال رجوع شود به مقاله

مارکسیستی از جنگ ايران و عراق تحليلی است که با تشخیص ماهیت امپریالیستی این جنگ، جنگی که توسط امپریالیستها و با همیاری رویزیونیستها پی ریزی گردیده به توضیح چگونگی تأمین منافع عظیمی که " جنگ " نصیب گردانندگان و سازماندهندگان خود میسازد، پرداخته و نقاب از چهره " خونخوار دهنمان واقعی طبقه کارگر و متحذنان او یعنی توده های تحت سلطه برمیدارد.

واقعیست این است که جنگ ايران و عراق در ادامه سیاست امپریالیستی سرشکن کردن بار بحران سیستم جهانی امپریالیسم بر توده خلیقهای تحت سلطه و مهملتاریزه کردن منطقه و سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی خلیقهای خاورمیانه، از طرف امپریالیستها و با توافق رویزیونیستها سازمان داده شد. در رابطه با این جنگ و از قبل آن میباشد درآمد و ثروت های موجود در منطقه بخصوص در دو کشور ايران و عراق بمنابۀ طرفین درگیر جنگ، بطرق گوناگون و طی مکانیسمهای مختلف به قیمت قرار دادن بار درد و مصائب بی شمار برگردانده شده. این منطقه، به قیمت خانه خرابی، آوارگی و گرسنگی و به قیمت به زمین ریختن خون جوانان و نوجوانان دو کشور از دست آنان خارج و تر خدمت غلبه بر رکود اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری بدیگ سرمایه جهانی سرازیر گردد. در طی این جنگ و به بهانه آن، ارتشهای محلی جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی

در منطقه بر علیه خلیقها هر چه بیشتر تقویت شده و خاورمیانه به نژی نظامی تبدیل میگفت. در عین حال توسط این جنگ و در طی آن بود که یکی از مهمترین مقاصد جنگ ايران و عراق یعنی سرکوب انقلاب توده ها - در شرایطی که فشارهای ناشی از بحران اقتصادی باعث اوجگیری اعتراضات و مبارزات آنان میشد - عملی میگردد. جنگ امپریالیستی ايران و عراق در طی ۸ سال خونین و فزاینده هشت سالی که خلیقهای تحت ستم در هر دو کشور مصائبی را متحمل شدند که زبان از توصیف آنها عاجز است و جنایات و فجایع دهشتناکی که طی آن ترحق توده ها اعمال شده، ناخ فنگ بزرگ دیگری بر بدشانی امپریالیسم و سگان زنجیریش کوبید، در خدمت تحقق همه این اهداف ضد انقلابی قرار گرفت.

در طی جنگ ايران و عراق بود که صنایع نظامی امپریالیستها و رویزیونیستها با شدت هر چه تمامتر بکار افتاد و در حالیکه از این طریق انواع سلاحهای مرگبار، به جبهه های خون و جنایت این جنگ ارتجاعی ریخته میشد و یا زرادخانه ها را انباشته تر میکرد، سونهای نجومی را نصیب آنان ساخت.

در شرایط اشباع بازارهای جهانی از نفت و پائین آمدن قیمت آن، در حالیکه امپریالیستها خواهان عرضه کمتر نفت به بازار و افزایش قیمت آن بودند، این جنگ ايران و عراق بود که بطرق مختلف امکان چنین امری را به قیمت کاهش درآمد ارزی کشورهای نفت خیز منطقه و بسود شرکتهای

جنگ، " آلترنا تيو " ها، جنگ آلترنا تيوها مندرج در نشریه " کمونیست " سال دوم شماره ۲۲

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

امپریالیستی فراهم کرد و دیدیم که چگونه در مرحله‌ای از جنگ اسکله‌های نفتی و پالایشگاهها و غیره آماج اصلی حملات نظامی قرار گرفتند. در این زمینه لازم است یادآوری شود که تنها در حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس که طی ماههای آخر قبل از آتش بس صورت گرفت، ایران روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت از دست داد.

همچنین در طی جنگ جنایت بار ایران و عراق بود که با توجه به تفتنج - آفرینی‌های مختلف در آبهای خلیج فارس و در رابطه با مورد حمله قرار گرفتن نفتکشهای کویت و عربستان بوسیله ایران، تاکتیک نصب پرچم آمریکا و انگلیس و... بر روی این نفتکشها و نیز اسکورت آنها اتخاذ شد و به این ترتیب با افزایش هزینه صدور نفت از آبهای خلیج، امپریالیستها در حین نفعی که از این طریق میبردند، عملاً موفق به کنترل قیمت نفت پسود خود در بازارهای جهانی شدند. تفتنج آفرینی در خلیج فارس و مورد حمله قرار گرفتن کشتیها در این آبها، در عین حال باعث شد تا هم صنایع کشتی سازی امپریالیستها رونق جدیدی بخود بگیرد و هم نرخ بیمه کشتیرانی پسود شرکتیهای بیمه افزایش یابد.

در رابطه با دیگر اهداف ضد خلقی جنگ ایران و عراق و فوائد آن برای امپریالیستها و همپالگنها و مزدورانشان کافیت تنها به نمونه‌ها و فاکتھائی اشاره نمائیم. منجمله در رابطه با امر تقویت ارتشهای محلی و دیگر ارگانهای سرکوب میتوان تنها مورد پای گیری و هر چه بیشتر قدرتمند شدن " سپاه پاسداران " را یادآوری نمود که بنا به

اعتراف خود سردمناران رژیم قبل از جنگ ایران و عراق تنها دارای يك گردان " رزمی " بود که آنهم در کردستان در رابطه با سرکوب جنبش مسلحانه خلق کرد به انجام وظایف ضد خلقی میپرداخت. ۹۰٪ این ارگان سرکوب که اکنون دارای نیروهای گسترده زمینی، هوایی و دریائی گردیده است، در جریان همین جنگ ساخته شد.

سرکوب خواستهای برحق توده‌ها به بهانه شرایط جنگی و افزایش باج و خراج و اخانیهای گوناگون از آنان بدلیل کمک به جیبه‌ها و بعدوان دفاع در مقابل دشمن، مقابله با جنبشهای اعتراضی و مبارزات ضد امپریالیستی خلق از طریق به هرز بردن نیروهای انقلاب و کشتار و سلاحی جوانان در جیبه‌های جنایتبار این جنگ و غیره جنبه‌های دیگری از سودمندی جنگ را برای دشمنان خلق به نمایش میگذارد.

مسئله تشریح و توضیح همه جوانب مفید جنگ ایران و عراق برای امپریالیستها و همپالگنهای رویز پوتنیست آنان، امری نیست که بتوان در اینجا بدانها پرداخت. ولی موضوعی که در همین جا باید مورد تاکید قرار بگیرد، آنست که علیرغم همه فواید این جنگ برای دشمنان خلق با لاکه پس از ۸ سال، آتش بس در جیبه‌های آن برقرار شد بدون آنکه موجبات جنگ و فاکتورهای اساسی که سازمان دادن این جنگ را برای امپریالیستها الزام آور نموده بود، مرتفع شده باشند (۲).

(۲) - دلایل قطع جنگ ایران و عراق را اساساً باید در عدم کفایت ماشین جنگی دو کشور برای پیشبرد جنگ در ابعاد بسیار عظیمی که جریان داشت و همچنین در بدت پایبی مخالفت توده‌های تحت ستم با جنگ که مانع از ادامه خود بیمه شاهد آن بودیم، جستجو کرد.

این موضوع با عواقب و نتایج تبیی خود آن نکتته در خور توجه و قابل تأملی است که با تکیه بر آن میتوان به توضیح وضعیت کنونی و سئوالات مربوطه در این زمینه پرداخت.

اگر این واقعیتی است که جنگ ایران و عراق در خدمت تأمین منافع امپریالیستها يك ضرورت بوده است برقراری آتش بس در جیبه‌های این جنگ در شرایط با برجائی فاکتورها و الزامات موجب آن، نمیتوانست و نمیبایست راه را بر بهره‌وریهای باز هم بیشتر امپریالیستها از جنگ، علیرغم قطع شدن آن ببندد. لذا میبایست شرایطی پدید آید که امر غارت و استثمار خلقهای ما را کماکان برای آنان میسر و منافعشان را بگونه‌ای تأمین نماید. این شرایط همان شرایط نه جنگ و نه صلح حاکم در منطقه میباشد که با طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق برای امپریالیستها حاصل گشته است.

درست است که با توجه به شرایطیهای کثیر ناشی از جنگ و ایجاد زمینه‌های کاملاً مساعد برای جولان سرمایه‌ها، حرکتیهای مختلف امپریالیستی که خود را در فریاد خاتمه جنگ برای آغاز دور جدیدی از غارت و استثمار خلقهای دو کشور آماده ساخته بودند، هم اکنون بمقتد قرار دانهای پر منفعت و معامله‌های اقتصادی سودآور پرداخته و در شرایط قطع جنگ به این امر مشغول شده‌اند، باری علاوه بر این تحت شرایط جدید، منافع امپریالیستها بگونه‌ای دیگر نیز تأمین میشود.

اگر علیرغم آتش بس در جیبه‌ها، جنگ هنوز قطعاً پایان نیافته و " صلح و آرامش " در منطقه حاکم نیست و اگر

شرایط هنوز جنگی است، پس همه اعمال و اقداماتی که تا دیروز در حین جریان جنگ در مسیر برآورده ساختن مصالح و منافع امپریالیستها صورت میگرفت، امروز نیز میتواند و "باید" عملی گردد.

اگر تا دیروز حضور نظامی امپریالیستها در آبهای خلیج فارس با جنگ ایران و عراق توجیه میشد، "شرایط جنگی" امروز نیز این حضور را توجیه و آنرا ضروری و منطقی جلوه میدهد.

اگر اسکورت نفتکشها را دیروز با مصلحت عدم امنیت در آبهای خلیج، الزامی ساخته بود، امروز نیز در شرایط عدم برقراری صلح در منطقه، چنین امری کماکان باید با صرف هزینههای بسیاره تداوم یابد.

بیموده نبود که ژاپن تنها یکماه قبل از اعلام رسمی آتش بس در جنگ ایران و عراق، با ادعای "کمک به ایالات متحده برای حراست از کشتیرانی در خلیج فارس" (فقط کمک !!!) برای بهبود سیستمهای مخابراتی هدایت کننده کشتیها در خلیج فارس یک بودجه ۱۰ میلیون دلاری به این امر اختصاص داد و بر این اساس خرید دستگاها و پیشرفته مخابرات هدایت کننده کشتی را به عربستان (به مبلغ ۳ میلیون دلار) و کویت (به مبلغ ۲ میلیون دلار) تحمیل نمود.

شرایط جنگی و عدم امنیت در منطقه اگر دیروز توجیه گر خریدهای نظامی کلاشی بود که اگرچه موجب رونق صنایع نظامی امپریالیستی میگفت ولیکن به ورشکستگی اقتصادی کشورهای تحت سلطه خریدارانها

دامنه بیشتری میداد، امروز نیز درست با همین عنوان و با اظهار نگرانی از وضع منطقه، اقدام به بستن قراردادهای نظامی میشود. معامله بیسابقه عربستان سعودی با بریتانیا در تیر ماه سال پیش که طی آن عربستان به خرید تسلیحاتی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار مبادرت ورزید که به بزرگترین معامله اسلحه قرن مشهور شد (۲) تحت همان توجیه و بهانه‌ای صورت گرفت که امروز دلیل معامله‌های تسلیحاتی گوناگون و در سطحی پیشرفته‌تر از قبل، شمرده میشود. در همین ماه گذشته بود که معلوم شد یک شرکت هلندی تحت عنوان ارسال تجهیزات برای انجام پژوهشهای زیست شناسی، وسایلی برای تولید سلاحهای بیولوژیک در اختیار رژیم مزدور جمهوری اسلامی قرار داده است و در مورد این امر نیز که آیا در قرارداد بزرگ اخیر اسلحه با چین، این کشور تکنولوژی پیشرفته تولید بمب اتمی و موشکهای بالستیک را نیز به ایران داده است یا نه طبق اطلاع خبرگزاریها ظاهراً تردید وجود ندارد. همه این قبیل معاملات اسلحه تحت شرایط نه صلح و نه جنگ با عنوان ضرورت بالابردن تکنولوژی با توجه به عدم امنیت منطقه صورت

(۲) - تحمیل چنین قراردادهای سنگینی به عربستان و عقد قراردادهای اسارتبار دیگر در شرایط کاهن قیمت نفت در بازارهای جهانی، باعث گردیده است که این کشور که همواره بمثابه یکی از کشورهای شروتمند منطقه از او یاد میشد، اکنون با کسری بودجه ۸۹ میلیارد دلاری مواجه گشته و برای جبران این کسری دست به انتشار میلیاردها دلار اوراق قرضه بزند.

میگیرد. اگر دیروز به بهانه جنگ ایران و عراق بودجه عظیمی صرف تقویت نیروهای نظامی میگفت، امروز نیز بدلیل منتفی نبودن جنگ و عدم "آرامش و صلح" در منطقه ضرورت صرف بودجه هرچه عظیم‌تری برای قدرتمندتر ساختن این نیروها تبلیغ و در این جهت اقدامات عملی صورت میگیرد. در این زمینه جالب است به استدلالات رفسنجانی مکار در رابطه با اختصاص ۱۰ میلیارد دلار در برنامه ۵ ساله برای نوسازی نیروهای مسلح رژیم اشاره کنیم. او که در تاریخ ۱۳ ماه جاری در دیدار با فرماندهان مزدور نیروی زمینی ارتش سخن میگفت، با تأکید بر این امر که "کشوری میتواند از حق خود دفاع کند که دارای قدرت باشد" اظهار داشت که "تجربیات گذشته به ایران ثابت کرد که آموزش و سازماندهی، اطلاعات و بکارگیری ابزار الکترونی و سلاحهای پیشرفته مطابق با زمان، ضروری است و به مدرن بودن جنگ افزار باید بیش از پیش توجه نمود".

با طرح چنان استدلالی و درست تحت شرایط صلح و نه جنگ میباشد که عراق اقدام به پرتاب ماهواره "صناعی" به فضا میکند و بعد از آن ولایتی وزیر امور خارجه با اظهار نگرانی (۱) از اینکه عراق به "برنامه جاه طلبانه تولید و نخبه سلاحهای شیمیایی و میکروبی" خود ادامه میدهد، مبادرت رژیم متبوع خویش به تقویت سلاحهای شیمیایی را موجه جلوه داده و بدلیل "تجدید خصومتها از سوی عراق" از "ناچاری" جمهوری

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

برقراری صلح بین ایران و عراق با توجه به ماهیت آنان و وابستگیشان به امپریالیسم بی برد و فهمید که چرا همه آن "کوششها" تاکنون به نتیجه مثبتی نماندند و نمیتوانسته است بیانها مدعیه در این چارچوب همچنین روشن میشود که تکیه بر موارد اختلافات نو دولت ایران و عراق و آنها را دلائل واقعی عدم برقراری صلح بین طرفین قلمداد نمودن، جز در خدمت فریب توده‌ها و لایروائی چهره جنایتکار امپریالیسم بمثابه عامل اصلی تمام ادبایر خلقهای منطقه نمیباشد. با این حال این موضوع دارای جنبه دیگری نیز هست، حقیقتی که همواره باید مد نظر قرار بگیرد و آن اینکه برخورد نو دولت ایران و عراق به موارد اختلافات خود و چگونگی پیشرفت روند مذاکرات صلح و اقدامات مربوطه، همگی میتوانند حقایقی از چگونگی روند پیشرفت سیاست امپریالیستی را در خود منعکس کرده و نموداری را در این زمینه که آیا سیاست امپریالیستی مذکور حکم بر تداوم وضعیت کنونی (وضعیت نه جنگ و نه صلح) میدهد و یا پایان دادن به این وضعیت بنا به مصالحی را ایجاب مینماید، بدست دهند. از این نقطه نظر توجه به دلائل ظاهری و نمونهائی که از طرف مدعیان نیرویین در صفحه ۳۲

براین اساس باید با قاطعیت اعلام کرد که وضعیت نه جنگ و نه صلح بمثابه سیاست امپریالیستی بوده و در ادامه سیاست غارت و استثمار و سرکوب خلقهای منطقه توسط امپریالیستها و مزدورانشان یعنی همان سیاستی که مبین اسباب و دلائل جنگ ایران و عراق میباشد، بوجود آمده است. بنا براین طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق و وضعیت کنونی حاکم بر منطقه یعنی وضعیت نه جنگ و نه صلح تداوم سیاست موجد جنگ ایران و عراق با ویژگیهای خاص خود است. سیاستی که منافع کاملاً مادی یعنی برندگانش در آن، تماماً مشخص بوده و با برجستگی هر چه بهشتی خود را آشکار می‌بازند.

این است آن توضیح درست و علمی از علل و دلائل طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق. و با چنین تعلیلی است که میتوان سیاست حاکم بر دوران نه جنگ و نه صلح و منافی که از این سیاست، نصب پیشبرندگانش می‌گردد را تشخیص داد و دریافت برقراری چنین وضعیتی بنبغ کیست و چرا؟

در ضمن در چنین چهارچوبی است که میتوان به کذب ادعاهای گروانندگان سازمان ملل و یا مقامات ذیربط دیگر مبنی بر انجام کوشش و تلاشهایی برای

اسلامی برای حفظ "توانائی بازدارندگی" خود سخن می‌گویند و جالب است بدانیم که درست در همین رابطه دولت ترکیه ضرورت تقویت نیروهای نظامی و مجهز کردن خویش به سلاحهای هر چه پیشرفته‌تر، بدلیل "نگرانی" از مدرنیزه شدن سلاحهای کشورهای منطقه را مطرح نمود.

در این شرایط است که صنایع نظامی ایران از تولید موشکهای کاتوشکا بنام فجر ۳ با برد ۲۵۰ کیلومتر خبر میدهد و بالخره تحت شرایط نه جنگ و نه صلح فرمانده نیروی دریائی سپاه پاسداران اعلام میکند که پایگاه دریائی سپاه پاسداران در بندر جاسک "بمنظور حفاظت بهشتی از برزهای جنوبی و پاسداری از امنیت آبهای جنوب کشور" (۹۱) افتتاح شد و این موجب تقویت آمادگی رزمی - نظامی جمهوری اسلامی میباشد....

اینها بمثابه نمونهائی از سودآوری شرایط نه صلح و نه جنگ برای دشمنان خلق در اوضاع و احوالی است که امکان "تداوم جنگ" و بهره‌وری از فواید بهشتی و منافع عظیمی که این جنگ نصب گردانندگان و سازماندهندگان خود مینمونه، دیگر وجود نداشته و مصالح عمومی امپریالیسم حکم بر قطع آن داده است. همه‌ای از موارد و نمونهائی که مبین این حقیقت روشن میباشدند که اگر

سرشکن کردن بحرانهای امپریالیستی به دوش خلقهای ستمدیده منطقه و امرتدبید غارت و استثمار آنها برای امپریالیستها، دیگر از طریق جنگ امکانپذیر نبود، با طولانی شدن پروسه آتش بس و ایجاد وضعیت نه جنگ و نه صلح، شرایطی حاصل گشت که امپریالیستها و همبالیگهیانشان کماکان و تاجائی که مقدور است، منافع خود را از قبل آن تأمین مینمایند (۹۲).

(۹۲) - موارد و نمونه‌های دیگر از سودمندی

مانند دوره جنگ بنام ضرورت دفاع در مقابل دشمن توده‌های ستمدیده مورد اخاذی قرار می‌گیرند و شرایط و خامت بار اوضاع اقتصادی کشوره بیکاری، فقر و فلاکت توده‌ها نیز همچون گذشته با عنوان الزام صرف بوجه برای امور دفاعی با توجه به عدم برقراری "صلحی دائم" بین دو کشور توجیه میشود و ...

به این نکته نیز باید توجه داشت که بالطبع تأمین منافع امپریالیستی در شرایط نه جنگ و نه صلح در تمام اجزا خود نمیتواند بهمانگونه زمان جنگ باعد.

شرایط نه صلح و نه جنگ برای امپریالیستها و همبالیگهیانشان نیز قابل ذکر است. در وضعیت نه صلح و نه جنگ اگر صلح قطعی نیافته اما در هر حال این وضعیت با قطع جریان جنگ مفهوم یافته است. لذا شرایطی که جنگ مظهر تنفر شدید توده‌ها بوده و جنبشهای اعتراضی بر علیه جنگ بطور روزافزون رشد مینموند، این وضع در خدمت کاستن از پلر شرایط انفجار آمیز ناشی از جنگ در بین توده‌ها و خنثی سازی قدرت بسیجی عمازهای ضد جنگ قرار ناهفته است. در دوره نه جنگ و نه صلح نیز

گزارش هیات تحقیق در خدمت تطهیر

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

رژیم دمنش و ناقص بدیهی ترین حقوق شناخته شده انسانی، همواره در صدر لیست سیاه وحشی ترین حکومتها ی نیکتاتور موجود در جهان قرار داشته و اتفاقاً در اجلاسهای سالانه مجمع سازمان ملل حول بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران نیز، این رژیم کرا را و شدیدا محکوم شده بود.

بنابراین در شرایطی که کوس رسوائی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شکنجه و سلاخی کردن زندانیان سیاسی قهرمان و نقض ابتدائی ترین حقوق توده ها، بیش از هر زمان دیگر در افکار عمومی نواخته شده بود، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل خواستار بازدید مامورین این سازمان از شکنجه گاههای رژیم شد و بدین ترتیب به درخواستهای متوالی پیشین سازمان ملل در این زمینه پاسخ مثبت داد. سران رژیم جمهوری اسلامی با این تاکتیک، چنانکه کوشیدند از تصویب دوباره قطعنامه ای بر علیه جنایات جمهوری اسلامی در این مجمع مانعت بعمل آورند، اینگونه جلوه دادند که گویا دیگر از رویه جنایتکارانه پیشین دست کشیده اند.

از جانب دیگر همین مأمور و شگرد فریبکارانه جمهوری اسلامی کافی بود تا بسیاری از عناصر و جریانات کوتاه بین و سازشکار به پایکوبی در مورد "عقب نشینی رژیم"، "پایان دوران نیکتاتوری" و بروز "نفاذهائی" از سر فصل آزادی و دمکراسی و تقلیل فشار بر زندانیان سیاسی و اباطیل دیگری از این زمره بپردازند.

مخافا اینکه از مدتها پیش کوران تبلیغات مسموم امپریالیستی با نشر گسترده این اکاذیب در اسکال مختلف، همواره در حال زمیخت چینی و ساختن جو مسموم و دروغینی حول این مسئله در جامعه و در سطح بین المللی بود. اما برغم جو فریبکارانه غالبی که از بابت قبول سفر این هیات به ایران، از سوی جمهوری اسلامی، تبلیغات رسانه های امپریالیستی و دوستان نادان خلق بوجود آمده بود، در حقیقت توطئه و حقایق دیگری در حال تکوین بود. جریکهای فدائی خلق در رابطه با این حقایق از ابتدا

و حدیانه زندانیان سیاسی، در شکنجه و قما بی انقلابیون و مبارزین، در "تعزیر" و اعدام و تجاوز به زنان باردار و کودکان بیگناه، در اعدام دمنشانه اسرای دربند تحت عنوان قاچاقچی و غیره و در يك کلام در سلاخی توده های دربند مپهتمان حتی الامکان پنهان سازد. به اعتبار همین تلافی مذبحخانه هم بود که گزارش کنشائی این هیات با بوزخند توده های دربند و آگاه، یعنی آنها که بطور روزمره در معرض جنایات نیکتاتوری حاکم قرار نارند، مواجه گردید. بجزرات میتوان گفت که هیچ مدرک دیگری جز خود همین "گزارش" موفق نمیشد سند محکومیت طراحانش و همچنین ورشکستگی مدعیان سینه چاک رعایت حقوق بشر در سطح بین المللی و همدستی آنان با رژیم خون آشام جمهوری اسلامی را بنمایش بگذارد. بیپسوده نبود که این گزارش بیش از همه خود جلایان حاکم یعنی سران رژیم جمهوری اسلامی را خوب حال کرد. لیکن در میان نیروهای مخالف رژیم و گزارش هیات تحقیق با مضمون اساسا ساختگی اش، بنوبه خود به معیاری دیگر برای محک زدن بسیاری از تفاوتها بدل گشت. در تصادم با این واقعیت بود که خیلی از نیروها و جریانات مدعی آزادی بار دیگر نقاب از چهره برکشیدند و نشان دادند که "دمکراسی" و معیار رعایت حقوق بشر آنها از چه قما بی است و در برخورد با این مسائل در کجا ایستاده اند. اما پیش از ورود به این قسمت لازم است که یکبار دیگر در اینجا بطور اجمالی اهداف و ترازنامه واقعی سفر هیات تحقیق به ایران را مرور نموده و نشان دهیم که سفر این هیات و و رای تمامی تبلیغات گوناگون امپریالیستی بر راستی در خدمت حل و پاسخگویی به کدام ضرورتها و مصالح قرار گرفت.

سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران در شرایطی طرح و سپس از سوی رژیم مورد قبول قرار گرفت که در طول این سالها نام رژیم جمهوری اسلامی، بدلیل ارتکاب به جنایات و فجایع ندگین در حق توده های ستم دیده ایران، بعنوان يك

و کوران تبلیغات امپریالیستی حول آن، در پشت پرده در خدمت تحقق منافع ضد خلقی قرار گرفته است که در توضیح آن چریکهای فدائی خلق اظهار داشتند: «پنجم، سفرهای تحقیق حقوق بشر به ایران از طرف رژیم دقیقاً در خدمت برنامه‌های قرار دارد که در جهت بااصلاح عاصی سازی روابط رژیم با اربابان امپریالیستش، می‌کوشد در بین محافل بین‌المللی برای این رژیم کسب وجهه نموده و در بین افکار عمومی جهان او را بعنوان رژیمی که دیگر از اعمال تروریستی دست برداشته است، معرفی نماید.»

و بالاخره تنها با ترک صحیح و جمع‌بندی و تحلیل زوایای مختلف مسئله در این چهارچوب درست و انقلابی بود که این امر بندهی مشخص می‌گیرید که: «پخش و سمع این اکاذیب باطل در مورد نتایج شگرف دیدار این هیات از ایران و قبول و ترویج آن از سوی برخی نیروهای سازشکار و ابله و مغرضین متفاوت، جز بمعنای خاک پاشیدن بهم توده‌های تحت ستم و تطهیر چهره* سیاہ رژیم جلا جمهوری اسلامی* نیست و اساساً این هیات با توجه به ترکیب نیرو و ماهیت ضد خلقی گردانندگان خویش، هرگز قادر به بررسی واقعی نقض حقوق بشر در ایران نبوده و گزارشی آن حتی در بهترین حالت باز «نمی‌تواند بازگو کننده تمام حقایق مربوط به جنایات و فجایع زندگی رژیم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی باشد.» (۱۰)

اینها برخی از رئوس اساسی حقایقی بود که چریکهای فدائی خلق ایران از زمان سفرهای تحقیق حقوق بشر به ایران تا انتشار «گزارش» این هیات، آنها را صراحتاً با توده‌های دربند میهنمان در میان گذاردند و سرانجام، فرجام کار هیات تحقیق بر صحت این مواضع و اصولی بودن آنها مهر تأیید زد. در گزارشی ساختگی «هیات تحقیق» بنحویت باری واقعیت موحش بسیاری از عملکردهای جنایتبار جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و انقلابیون، انکار شده و با بر آنها آب تطهیر ریخته شده است. «گزارش» منحون از تلاشهای بی‌شائبه‌ایست تا چهره* خونخوار این رژیم با پرده ساتری از جعل و ریاکاری

ضمن آنکه ما نور ریاکارانه* رژیم جمهوری اسلامی را یک* شگرد تبلیغاتی جدید* خواندند، با تکیه بر تجربه پیش از یازده سال دیکتاتور امپریالیستی جمهوری اسلامی و سابقه خونریزیهای بی‌رحمانه* جلالت این رژیم، متذکر شدند که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی خویش هیچگاه بر خلاف اوها م ابلهانه ساده‌اندیشان حاضر نیست که حتی گوشه‌ای از واقعات دیکتاتوری سیاہ خویش در ساهمالها را صادقانه به معرض قضاوت عموم بگذارد و بر اساس شناخت صحیح و انقلابی خویش نسبت به ماهیت سرسپرده جمهوری اسلامی، از آنجا که در پشت این تاکتیک ریاکارانه رژیم، چهره منحوس امپریالیستهای را تدهیص میدادند که به موفیانه‌ترین شکلی مفسول سازماندهی مروج نوین دیگری از یک کارزار مسموم تبلیغاتی برای تحمیل توده‌های آگاه ما میباشد، سرسختانه به افشای این ترفند پرداخته و در همان زمان به توده‌های مبارز خاطر نشان ساختند که سفر هیات مزبور به «یکی از ناخوشترین سوره‌های رسانه‌های امپریالیستی تبدیل شده تا آنها بار دیگر در جهت منافع خویش و رژیم مزدورشان یعنی جمهوری اسلامی به بهره‌برناریهای ضد خلقی معینی دست بزنند.»

مضمون این تبلیغات منحرف کننده نشان میداد که: «در اغلب تبلیغاتی که حول و حوش ورود این هیات به ایران در جریان است، رسانه‌های تبلیغاتی امپریالیستی کوشیده‌اند تا سفر هیات تحقیق سازمان ملل برای دیدار از ایران را چنان وانمود نمایند که گویا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با اعلام توافقی خویش با ورود این هیات به ایران، بر این عقیده است که دیگر نمیتواند با فشار، زندان، شکنجه و دیکتاتوری به حاکمیت منحوس ادامه دهد و میبایست از تر «سازش و گفتگو» با توده‌ها و سازمانهای بین‌المللی وارد شود. در این تبلیغات، امپریالیستها به دلیل آنکه بهیچ رو قادر نیستند نشان کثیف سران رژیم جمهوری اسلامی را که تا مرفق بخون نهها هزار تن از انقلابیون و مبارزان دربند آغشته است در جنایات یکدعه* اخیر بر علیه خلقهای محروم ما بیپوشانند، با زیرکی خاصی میکوشند اینگونه القا کنند که رژیم جمهوری اسلامی با قبول آئین هیات مزبور، دیگر در مورد سرکوب و قلع و قمع توده‌ها تغییر رویه ناده و قهر و سرکوب لجام گسیخته را به کنار نهاده است.»

مجموعه شواهد عینی مبین آن بود که قبول غیر مترقبه* سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی

(۱۰) - تمامی مطالبی که در این قسمت در گپومه آورده شده یا از مقاله رانوشی «اوج وریکستگی جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر در ایران» و با از «هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر و تجمع خانواده‌های رزمنده زندانیان سیاسی در برابر دفتر سازمان ملل در تهران» مندرج در پیام فدائی شماره ۳۰ نقل شده است.

اکنون زحمت "تحقیق" در باره آنها را به این هیات ناده باشد؟ بالطبع جواب این سئوالات واضح و روشن است. اگر هیات تحقیق میخواست درباره "گوشه‌ای از واقعیت عملکردهای نهدتنك ديكتاتورى سپاه رژیم جمهوری اسلامی و متجمله قتل عام زندانیان سیاسی قهرمان صریحا اظهار نظر کننده آنگاه میبایست رسماً تایید کند که نژیخیمان رژیم حداقل از زمان آتش بس کر جنگ ارتجاعی ایران و عراق تاکنون هزاران تن از رشیدترین فرزندان مردم ایران را بجرم پایداری به اعتقادات سترگ خویش و حبیانه اعدام و آنها را بیجان و نیمه جان در گورهای مستجمعی مدفون ساخته‌اند و این واقعیتی است که اصولاً نمیتواند با روح "گزارش" هیات تحقیق همگن باشد. و درست بهمین دلیل است که تنظیم کنندگان "گزارش" با دیپلماسی فریبکارانه خویش تنها به گفتن این نوع ظاهر پسنداکتفا میکنند که "در طول ۵ ماه گذشته در ایران اعدام علنی ای انجام نگرفته است. اما احتمالاً صدها نفر کماکان در انتظار اعدام بسر میبرند".

اما "گزارش" در یاوه‌سراشهای خویش، تنها در این نقطه متوقف نمیشود. وظیفه "گزارش" این است که بگوید تا "اتهامات" نهدتنكی مبنی بر اینکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی انقلابیون و نیروهای مخالف خود را با بیشرمی تمام تحت عنوان "قاچاقچی" و غیره اعدام میکند را هم از چهره سپاه این رژیم پاک کند. این کوشش رذیلتانه نیز در گزارش مذکور بدینصورت تجلی مییابد که: "هیات تحقیق هنوز به مدرکی که اتهامات مخالفان را در مورد اعدام زندانیان سیاسی به بهانه "قاچاق مواد مخدر تایید کند دست نیافته است" و با "هیات تحقیق پیرامون این اتهام ایزویسیون که حکومت اسلامی برخی مخالفین خود را بعنوان قاچاقچی اعدام میکند، بهیچ دلیل قانع کننده‌ای دست نیافته است و تا هنگامی که این امر اثبات نشود نمیتوان چنان اتهامی را باور کرد".

البته "گزارش" در مورد چگونگی "اثبات" این امر نیز هیچ معیاری را ارائه نمینمهد و همین نکته بخوبی "اثبات" میکند که در این اظهار نظر عوامفریبانه "هیات تحقیق" هم، هدف اساسی، حتی الامکان زدودن بار مکافات و رسوائی سنگین اعدام انقلابیون زیر لوای "قاچاقچی بین المللی"

لایوشانی گردد. و بالاخره "گزارش" در مجموع خود سند نفرت انگیزی است برای قانوتیت بخشیدن به جنایات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بر علیه توده‌های ستمدیده ما. رجوع به برخی از بندهای این گزارش ساختگی و مرور کوتاهی بر آنها بیش از هر دلیل دیگری حقیقت فوق را آشکار میگرداند.

"هیات تحقیق" ادعا میکند که ۵ ماه است که اعدام علنی ای در ایران صورت نگرفته. اما احتمالاً صدها نفر کماکان در انتظار اعدام بسر میبرند.

اگر از لحن دیپلماتیک و ریاکارانه‌ای که گزارش در بیان این مطلب از خود بخرج میدهد بگذریم، خود این ادعا کذب محض بیش نیست. چرا که بنا به اعتراف خود بوقهای تبلیغاتی رژیم از تاریخ ۱۱ بهمن ۶۸ الی ۲۱ اسفند همان سال تنها ۱۱۰ تن تحت عنوان قاچاق مواد مخدر، حمل سلاح و مهمات و غیره در ملاء عام اعدام شده‌اند. در ثانی "گزارش" با این بیان سالوسانه در واقع میکوشد تا از اظهار نظر و اعتراف به اعدامهای متعددی که طی این مدت توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بشکل مخفیانه صورت گرفته است شانه خالی کند. تنظیم کنندگان "گزارش" اگر قصد بررسی واقعیات این جنایات ددمنشانه را نداشتند مسلماً دسترسی به گزارشات متعددی مبنی بر اعدام و حلق آویز کردن انقلابیون و مبارزین دریند طی مدت یاد شده برایشان دشوار نبود. محض نمونه تنها در فاصله آذرماه در سیاهچال تبریز ۶ تن از اسرای انقلابی توسط نژیخیمان رژیم مخفیانه اعدام شدند که نام و تاریخ اعدام آنها توسط نیروهای ایزویسیون انتشار یافته است. بهمین اعتبار گزارش اگر میخواست با واقعیات نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران برخورد کند، میتواندست و میبایست نظایر این موارد را نیز بررسی کند. ثالثاً پرسیدنی است که مگر وظیفه "هیات تحقیق" صرفاً بررسی موارد "اعدامهای علنی" در ایران بوده است که اکنون گزارش این هیات با زیرکی خاصی تنها در این مورد آنهم بدروغ، اظهار نظر میکند؟ و آیا مگر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در طول سالها از ۱۵۰۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌ای که هیات تحقیق ادعا میکند لیست آنها را از قبل در دست داشته، چند مورد را "علناً" از دم تیغ گذرانده که

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

این زندان قرون وسطائی و واقعتاً شکنجه‌های دمدندانه‌ایکه بطور روزمره در قسمتهای مختلف آن بر علیه انقلابیون و مبارزین اسیر اعمال میشود را مخدوم سازد. در این زمینه در "گزارش" آمده است که رئیس هیات هنگام بازنید از سیاه‌جال اوین از مدیر سیاه‌جال میخواهد که "محوطه زیر زمین" اوین را برای بازنید به او نشان دهد. مزدور مزبور در جواب وقیحانه مدعی میشود که "در اوین محوطه" زیر زمینی وجود ندارد" و تنظیم کنندگان گزارش نیز برای "اطمینان خاطر" دادن به عموم از عدم وجود جایگاهی جهت شکنجه در زندان اوین و وهم و تصور خام قلمداد کردن شکنجه‌های وحشیانه درخیمان رژیم بهرمانه خوفناکترین ابزار و سیستمهای مربوطه در این شکنجه‌گاه، مینویسند: "بنای زندان اوین در شیب يك محوطه" کوهستانی قرار دارد و هنگامی که از بالا به آن نگاه میشود طبقه اول پائین‌تر مینماید و بهمین جهت مردم اغلب از طبقه اول بعنوان طبقه زیر زمینی یاد میکنند" (۹۱)

براستی که "هنر" ضد خلقی "هیات تحقیق" هنگام زیر پا گذاردن بدیهی‌ترین واقعات بمنظور تزیین چهره جلالان حاکم در تنظیم "گزارش" غاری المعانه است. و درست بدلیل وجود همین عنصر است که "هیات تحقیق" میکوشد با انکار قسمتها و بناهای مخصوص شکنجه در سیاه‌جال اوین که درخیمان جمهوری اسلامی بطور روزمره شنیع‌ترین جنایات و شکنجه‌های خویش را در آنجا بر جسم و جان انقلابیون اعمال میکنند، در واقع سیمای کریه دستگاه شکنجه و انگیزاسیون جمهوری اسلامی ضد خلقی را حتی الامکان در گزارش جعلی خویش تظہیر نماید.

اما "شاهکار" گزارش در خویش خدمتی به منافع و اهداف رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیست‌ها هنگامی عیان میشود که تنظیم کنندگان آن به تحلیل و اظهار نظر در باره مبارزات عادلانه مردم بر علیه جلالان حاکم میپردازند و به عبارت صحیحتر چهره آنها آگاهانه مخدوم میسازند. اگر قرار است که طرح‌ریزی و اجرای سفر "هیات تحقیق" و "گزارش" آن در خدمت تظہیر سیمای کریه دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد و اگر قرار بر این است که سالها دمدندیه‌های آشکار رژیم در نقض بدیهی‌ترین حقوق بشر در ایران توجیه گردد، پس قاعدتاً باید سالها مبارزه و مقاومت دلیرانه‌ای که از سوی توده‌های تحت ستم بر علیه این مظالم و بیعدالتیها در جریان است حتی الامکان مخدوم گردیده و انغان عمومی را نسبت به ماهیت عادلانه آن منحرف گردانید.

توسط جلالان آبرویاخته رژیم جمهوری اسلامی است. اما برای آنکه این ادعای کذب هیات تحقیق نیز بهیچ وجه روشن گردد لازم است یکبار دیگر چند مورد از اینگونه ادعاهای وحشیانه را برای "باور" تنظیم کنندگان "گزارش" ذکر کنیم. مواردی که اگر براساس هیات تحقیق قصد "باور" و با تحقیق جدی در مورد حقایق جنایات بیکران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را داشتند تصدیق آنها برایشان بهیچ رو تا اینحد "دست نیافتنی" نبود.

در فروردین ماه ۶۸ در منطقه هفت چنار تهران درخیمان رژیم ۳ زندانی را که یکی از آنها فریاد میزد من قاجاقچی هستم و دیگری نیز هویت سیاسی خود را فریاد میزد تحت عنوان قاجاقچی با جرشکیل بنادر آویختند. در آبانماه ۶۸ نیز در میدان بهروزی تهران مزدوران، يك زندانی سیاسی را که میگفت من حتی رنگ تریاک را هم ندیده‌ام، من زندانی سیاسی هستم به اتهام قاجاقچی‌گری حلق آویز نمودند.

در بهمن ماه ۶۸ جلالان جمهوری اسلامی ۳ زندانی دیگر را بنام قاجاقچی مواد مخدر در ملا عام بنادر آویختند. پدر یکی از آنها فریاد میزد پسر من قاجاقچی نیست، پسر من زندانی سیاسی است. عین همین صحنه دلخراش در ۲۲ بهمن در شهر آمل به هنگام بنادر آویختن ۲ زندانی به اتهام ساختگی قاجاق مواد مخدر تکرار شد.

اما گویا این موارد کفتار وحشیانه انقلابیون تحت نام قاجاقچی مواد مخدر توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که اخبار آن در تاریخهای نامبرده از سوی نیروهای انقلابی منتشر شده برای تنظیم کنندگان "گزارش" "مترک" قانع کننده "مسوب نمیشوند.

"مجاهدات" هیات تحقیق از سیاه‌جالهای قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی و بالاضافه از شکنجه‌گاه اوین نیز حاوی نکات جالبی است که بنویسه خود رقالت تنظیم کنندگان "گزارش" مزبور را هر چه بیشتر در همدستی با رژیم وابسته جمهوری اسلامی و بر علیه خلقهای تحت ستم ما بنمایش میگذارد.

از آنجا که در طول سالها حاکمیت جبارانه رژیم جمهوری اسلامی، هر از چندگاه حقایق نهفتناکی از شکنجه‌گاههای این رژیم و بویژه سیاه‌جال اوین به بهرون درز کرده و تصویر کریه حکومت خونخوار آنها را در افکار عمومی و انظار بین المللی بنمایش گذارده است. "گزارش" کوشش مفتضحانه دیگری را نیز در این قسمت بفرج مینهد تا تصویر وحشتناک مربوط به

ستم در برابر تعدیات رژیم جمهوری اسلامی را "مقابله گروههای تروریستی" با این رژیم خطاب میکنند، این امر بدان جهت است که ایشان تلویحا با این تحریف آشکار میخواهند اینگونه جلوه دهند که رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با "تروریسم" است که به چنین جنایاتی در حق توده‌های تحت ستم متوسل شده و در طول سالها هزاران تن از زندانیان سیاسی قهرمان و مبارزین و انقلابیون را از دم تیغ گذرانده است. این "نتیجه" گیری است که گزارش با خطاب عبارت "مقابله گروههای تروریستی" با رژیم جمهوری اسلامی میکوشد آنها را به خورد توده‌های آگاه و مبارز بدهد. (۱۱) تفحص در این جمل آشکار "گزارش" دو نکته مهم را پدیدار میسازد.

نخست آنکه ترتیب دهندگان "گزارش" با غرض ورزی عامدانه‌ای، مطلقا به تاریخچه آغاز "تروریسم" که از نظر آنها جریان‌ات انقلابی و ایضا رژیم جمهوری اسلامی برچمدار آن هستند و "گزارش" ظاهرا علم "مخالفت" با هر دوی آنها را برافراخته است اشاره‌ای نمیکند. چه این امر مسلما به طور اولی چهره کریمه رژیم جمهوری اسلامی در سازماندهی و آغاز وسیعترین موج کشت و کفتار و بگیر و ببند خلقهای تحت ستم و انقلابیون را طی چند سال اخیر با برجستگی رسوا میسازد.

همه میدانند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با وجود اینکه چند ماه بیشتر از حاکمیت ننگین سپهری نمیگفت، در اولین فرصت ممکنه با رذالت تمام ضمن پورش نظامی سبعانه‌ای، جنگ غیرعادلانه‌ای را بر خلقهای ترکمن و عرب و کرد تحمیل کرده، خانه و کاشانه آنها را ویران نمود و خون بسیاری از توده‌های بیگناه و بی دفاع را توسط ارتش امپریالیستی و سپاه پاسداران و غیره بر زمین ریخت و از کشته‌های آنها پشته‌ها ساخت. همه میدانند که جمهوری اسلامی ضد خلقی علاوه بر همه اقدامات جنایتکارانه - از دستگیری و به گرد و شکار انقلابیون و توده‌ها توسط باندهای سپاه و اراذل و شکجه آنها در خانه‌های امن گرفته، تا ضرب و ستم و کفتار مبارزین توسط حزب اللهی‌ها و مزدوران حرفه‌ای خویش در کنار بساط نشریات مخالف و غیره و غیره - که بطور پراکنده ولی با شدت و رذالت تمام در حق توده‌های مبارز ما مرتکب شده بوده در ۳۰ خرداد ۶۰ پورش و حقیقتا دیگر و اینبار بطور سیستماتیک و گسترده‌ای را بر علیه توده‌های ستم‌دیده سازمان داد. پورش خونین و سراسری‌ای که دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی طی آن

بنا بر این هر قدر که تنظیم کنندگان گزارش "هیات تحقیق" سعی میکنند حتی الامکان از بار جنایات و رسوائیهای رژیم در قتل و سرکوب توده‌ها در گزارش جملی خود بکاهند، بهمان اندازه کوشش بخرج میدهند تا مقاومت و مبارزه گروههای مبارز مخالف رژیم را مبارزه "تروریستی" و "مقابله" یک مفت "تروریست" با جمهوری اسلامی جلوه دهند. با این سفسطه آشکار است که "گزارش" بشکل زیرکانه‌ای میکوشد کثرت اعدای و حقیقتا نه انقلابیون توسط رژیم جمهوری اسلامی را ناشی از "مبارزه مسلحانه" و "تروریسم" گروههای مخالف قلمداد نماید. و این درست همان حربه‌ای است که امپریالیستها و جمهوری اسلامی ضد خلقی سالهاست در مجامع بین المللی آنها بدست گرفته و فریبکارانه اعدا میکنند که اعدای و حقیقتا مخالفین در ایران از آن روست که گروهکهای "ضد انقلاب" بر علیه این رژیم دست به اسلحه برده و "قیام مسلحانه" کرده‌اند. با این توصیف است که "هیات تحقیق" نیز در "گزارش" خود ضمن "تروریست" خواندن رژیم جمهوری اسلامی - چه "گزارش" خوب مینهد که ادعای دیگری خلاف این واقعیت آشکار، فعلا بهیچ رو ممکن نیست. - تاکید میکند که اما "گروههای تروریستی" هم هستند که با این رژیم "مقابله" میکنند.

البته منظور گزارش از "گروههای تروریستی" روشن است. عبارت "گروههای تروریستی" واژه قلب شده‌ای است که مصالح تنظیم کنندگان گزارش ایجاب میکند آنها را به انقلابیون جان بر کف و شجاعت نسبت دهند که بمثابه رعب‌نازترین فرزندان خلقهای تحت ستم ما، در شرایط حساس تاریخی از هارترین بیکناتورهای امپریالیستی حاکم بر ایران، با هر گرفتن سلاح، قد برافراشته و بر علیه رژیم جنایت پیمده جمهوری اسلامی که جز بزبان گلوله و سرکوب با توده‌ها سخن نمیگوید، به مبارزه‌ای عادلانه اما خونین برخاستند و خون آنها در چهار گوشه مملکت از سیاهالیا و شکجه گاهها گرفته تا میانین اعدامه از کردستان گرفته تا بلوچستان و از جنگلهای عمال گرفته تا خیابانهای تهران و بندرعباس و غیره در یکی از تاریکترین دورانهای سلطه جبارانه قداره‌بندان حاکم و وثیقه آزادی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستم‌دیده و تحقق حقوق عادلانه آنها شده و برگهای سبز دیگری در تاریخ جنبش انقلابی مسلحانه خلقهای محروم ایران بر علیه دشمنان خویش را ورق زده است. بنا بر این اگر تنظیم کنندگان گزارش مفرضانه این واقعیت بدیسی را زیر پا میگذارند و مقاومت انقلابی توده‌های تحت

(۱۱) - متأسفانه کم نیستند ابلهان و ساده اندیشانی که با تئوری بردازهای بی محتوا با این غافله همساز میشوند.

نبوده نیز "مقابله" با تروریسم بوده است؟ قطعا خیر .
اینها برخی از آن حقایق میرهنی است که "گزارش" با
سفسطه جوئی تمام بر آن نام "مقابله گروههای تروریستی" بر
علیه رژیم جمهوری اسلامی میگذارد تا بدینترتیب زمینه را
برای مویه جلوه دادن جنایات رژیم جمهوری اسلامی در نقض
حقوق بشر در ایران آماده سازد .

و اما نکته دوم اینکه تاریخ ننگین سلطه امپریالیستی
در میهن ما همچون سایر جوامع تحت سلطه با فصلهای درخشان
از مبارزات مسلحانه و عادلانه تودههای بیباخته و فرزندان
انقلابیشان درهم تنیده شده است . بهمین دلیل صرف نظر از
تلاش گسترده و شدید برای سرکوب و نابودی این شکل از
مبارزه توسط دشمن در طول تاریخ یکی از دگرگهای رسوای
تبلیغات امپریالیستی کوششی رقت بار برای لجن پراکنی و
مخدوش کردن سیمای عادلانه مبارزه مسلحانه بر حق انقلابیون
مسلح جان برکف بر علیه سیستم امپریالیستی موجود بوده
است .

براین اساس ما شاهدیم که همانطور که در زمان زمانمندی
حکومت آمریکائی شاه وی و اربابان همواره مبارزات مسلحانه
جریکها و مجاهدین را ستیزه جوئی مفتی "تروریست" و "خرابکار"
و غیره مینامیدند امروز نیز رژیم جمهوری اسلامی همچون
سلف برحق خویش یعنی رژیم شاه ، بیماری تبلیغات گسترده
و کاذب امپریالیستی مساعی خود را مصروف این امر میکنند که
چه در داخل و چه در سطح بین المللی مبارزه مسلحانه انقلابی
بر علیه دیکتاتوری امپریالیستی خویش را مبارزه "عدهای
" اشرار" و "مفاسد" و "ضد دین و خدا" و "تروریست" جا
بزند .

با آگاهی و در راستای این ترفند شناخته شده است که
گزارش هیات تحقیق در این زمینه شاهکار خود برای خدمتگزاری
به منافع جمهوری اسلامی را رو کرده و وقیحانه مدعی میشود که
مقاومت مسلحانه ای که در طول سالها بر علیه حاکمیت
امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی تداوم یافته است هم
"مقابله" گروههای تروریستی " با این رژیم بوده است .

با توجه به آنچه که مختصرا در فوق بررسی شد روشن میگردد
که هیات تحقیق با وارونه کردن حقیقانه حقایق ، با جعل
آشکار ماهیت مبارزه عادلانه تودهها بر علیه رژیم جنایتکار

هزاران تن از مبارزین و انقلابیون و مردم بیگناه را ترسراسر
میهن تحت سلطه ، بجرم شرکت در تظاهرات بر علیه رژیم ،
دستگیر و آنها را یا در همان خوابانها به گلوله بست و یا در
بهدا دگاھهای چند دقیقه ای به مرگ محکوم و به جوخه اعدام
سپرد . و در نمایش این همه رذالت رژیم سرسپرده ، گیلانی
جلاد را به صحنه فرستاد و وی با وقاحت بی نظیری اعتراف کرد
که دیکتاتوری حاکم در وقایع خونین این ایام بسیاری از مردم
و از جمله کودکان نابالغ را فقط بجرم به همراه داشتن قیچی ،
فلنگ و غیره از دم تیغ گذرانده است .

و بالاخره همه میدانند که در پی تمامی این جنایات و
اعدامها و شکنجهها و خونریزیهای رژیم جمهوری اسلامی بود که
طیفی از دلیرترین فرزندان انقلابی و مبارز خلق برای دفاع
از حیات و حقوق پایمال عده خلق خویش و مقاومت در برابر
دشمن خونخواری که جز زبان قهر و گلوله را نمیفهمید و
برای ریختن خون تودهها عزم جزم کرده بوده به سلاح متوسل شده
و بعنوان واکنش و حق طبیعی یک خلق تحت ستم ، برای پاسخ
به قهر ضد انقلابی و سرکوب انجام گسیخته جانان حاکم بمبارزه
مسلحانه اجتناب ناپذیری برای دفاع از حقوق پایمال عده
خویش برداشتند . بنا براین تا آنجا که منظور "گزارش" از
"گروههای تروریستی" این طیف از مبارزین میباشد ، باید
گفت القاء این تصور که گویا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در
حق خلقهای ستمدیده ما در واکنش به اعمال "گروههای
تروریستی" صورت گرفت کذب محض و ریاکاری سالوسانه ای بیش
نیست .

از اینها گذشته آنها مگر تنظیم کنندگان این گزارش در
نقض نمایندگان سازمان ملل در گذشته بکرات اعتراف نکرده اند
که از مقطع پنجم آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق
رژیم خون آشام جمهوری اسلامی هزاران تن از انقلابیون و
مبارزانی که سالها در چنگال شکنجه گران اسیر بوده اند را
از دم تیغ گذرانده و کشتار خونین دیگری را بر علیه تودهها
براه انداخته است ؟ و آنها مگر این کشتار وحشیانه بارها مورد
"اعتراض" دولتها و مجامع بین المللی قرار نگرفته است ؟
آنها این موج عظیم قنات و بیرحمی و کشتار منقول وار رژیم
جمهوری اسلامی در شرایطی که بای مبارزه مسلحانه در میان

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد

این "گزارش" آنقدر به مذاق سردمداران جلاذ جمهوری اسلامی خوش آمد که آنها با بزی بسیار "دمکراتیک" از زبان مرتضی موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم، طی يك مصاحبه رادیویی اعلام کردند "نصرتین نهاد آقای گالین دوپل بسیار کوتاه بود و غایب است که وی دوباره به تهران بیاید تا با قوانین اسلامی بهتر آشنا شود" (۹۱) و رفسنجانی نیز با "رضایت خاطر" در تاریخ ۱۶ اسفند ماه عنوان کرد "گزارش نماینده ویژه سازمان ملل در مورد وضع حقوق بشر در ایران آب سردی بود که بر سر "ضد انقلاب" و دشمنان ماریخته عد و تبلیغات دشمنان را که اعلام میکردند عرايط در جمهوری اسلامی مطابق منشور حقوق بشر نیست نقش بر آب کرد.

آنچه گفته شد گویای این حقیقت است که قبول سفر این هیات و تبلیغات جهنمی حول آن اساسا در چارچوب يك برنامه از پیش طرحریزی شده میگنجد که مضمون اصلی آنرا تلاش در جهت تطهیر چهره دشمنان دیکتاتوری امپریالیستی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تشکیل میدهد.



ادامه دارد

حاکم، اینچنین واقعیتهای وحشتناک نقض حقوق بشر توسط رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در حق کارگران و خلقهای تحت ستم ما را تعریف میکند. با این توصیف پرسیدنی است که آیا قبول سفر هیچ "هیات تحقیقی" تا این درجه میتواندست بروشنی به رژیم ورعکسته جمهوری اسلامی خدمت کند؟

اگر لحن دیپلماتیک، بیان مؤلفانه و دروغهای ناغیانه و کاملاً عیان را از گزارش هیات تحقیق بزدانیم، آنگاه در زیر آن سند متمغنی را خواهیم یافت که اساسا برای تقویت مواضع ضد خلقی جمهوری اسلامی ساخته و پرداخته شده است. "گزارش" بنحو بارزی تا آنجا که مقدر و امکانپذیر بوده سعی در انکار خوارها جنایت رژیم جمهوری اسلامی در حق تودههای تحت ستم و نقض بدیهیترین حقوق شناخته شده برای "انسان" نموده است. و آنجا هم که بغاظر ابعاد رسوائیهایی این رژیم در سطح بین المللی امکان تحریرهای دلخواه وجود نداشته، حتی الامکان کوشیده است تا جنایات جمهوری اسلامی را کم رنگ و آنرا تطهیر کند. بر چنین اساسی بود که

تظاهرات دلیرانه توده های مبارز ایران و ...

از صفحه ۱۶

وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جامعه و همراست و وحدت روزافزون ایادی حکومت از رشد نفرت عمومی و جنبش توده های تحت ستم را نشان میدهد. از جمله این نکات اینک، در طول اسفند ماه و به موازات تسلاوم تظاهرات و درگیریهای پراکنده توده های معترض با رژیم جمهوری اسلامی، مطابق اخبار دریافتی، بسیاری از آخوندها و سایر ستاندنکاران وحشتزده و متلور رژیم، در مسدد خروج از کشور بوده اند که چندین تن از آنها به همراه خانواده هایمان با مقادیر زیادی زبور آلات گرانبها، در نرودگاههای مهم کشور و منجمله مهرآباد دستگیر میشوند.

همچنین موج تمايل به خروج از دستگاههای سرکوبگر جمهوری اسلامی و منجمله سپاه پاسداران ضد خلقی که از مدتها قبل در میان مزدوران رژیم رواج داشت، در این مدت ابعاد فزاینده تری به خود گرفته و بر طبق گزارشات واصله ایادی رژیم بویژه در سپاه پاسداران با مراجعات

مکرر به مافوقهای خود تلاش کرده اند که به هر قیمتی و حتی با پرداخت مقادیر معتدایی پول از خدمت در این دستگاهها خارج شوند. اما ستاندنکاران رژیم بخت در مقابل این موج استاده اند. در همین رابطه سران رنگارنگ رژیم و منجمله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی طی ماه جاری با يك سری سخنرانیها و نمایشات دیگر به سخت به تکاپو افتادند که به مزدوران بسیجی و سپاهی ارتشی رژیم روحیه داده و این موج را کنترل کنند.

تظاهرات ماه جاری توده های نربند و مبارز مسا در تهران و شهرهای مختلف، بار دیگر نشانگر حدت یابی خشم و نفرت بی حد و حصر توده های به جان آمده بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و ورعکستگی و بی باکی تمام عیار دیکتاتوری آنها در نزد کارگران و توده های محروم مهبندان میباشد. واقعیتهایی که تحت رهبری راستین کمونیستی انرژی انقلابی توده های به پاهاسته را در مسیر نابودی قطعی دیکتاتوری امپریالیستی در مین ما کانالیزه خواهد نمود و سرانجام به نیروی تهران انقلابی خلقهای مسلح حکومتی نوین یعنی جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر جایگزین ویرانه های نظام سرمایه داری وابسته خواهد شد.



تظاهرات دلیرانه توده‌های مبارز ایران و واکنشهای رژیم در قبال آن

و ضمن اینکه حتی الامکان به صفوف تظاهرکنندگان نزدیک شده‌اند. بیشتر درصدد شناسائی سازماندهندگان و فعالین اصلی برآمده‌اند. مضافاً اینکه در برخی نقاط هم، مزدوران رژیم با وحشیگری تمام بر روی تظاهرکنندگان بنزین پاشیده‌اند. جدا از تظاهرات ۲۷ بهمن ماه در تهران و فشرده‌ای از اخبار مربوط به تداوم حرکات اعتراضی توده‌های برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف میهنمان و همچنین واکنشهای مختلف سران و حجتزده رژیم نسبت به این حرکات به قرار زیر است.

پس از تظاهرات قهرمانانه توده‌ها در ۲۷ بهمن در تهران و در فاصله روزهای اول تا پنجم اسفند ماه موجی از تظاهرات پراکنده برعلیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی بار دیگر پایتخت و شهرهای تبریز، اصفهان و شیراز همدان و ارومیه را فراگرفت. در این تظاهرات مردم به جان آمده ضمن باره کردن عکسهای رفسنجانی و خامنه‌ای در سواردی نیز به درگیری با پاسداران رژیم پرداخته و یک ماهیسن دولتی را نیز به آتش کشیدند.

پس از انتشار اخبار مربوط به این تظاهرات بود که رئیس لیوان عالی رژیم و آخوند مقتدائی در تاریخ ۱۸ اسفند ماه به صحنه آمد و خطاب به قضات بیدادگاهای رژیم تاکید کرد که " مجازات " افرامخل امنیت " را با سرعت بیشتری انجام داده و " اگر کسانی مخل امنیت شدند در محاکمه آنها هیچگونه کوتاهی نکنند."

چند روز پس از این تظاهرات و بار دیگر میدان ولی عصره تجرید و راه آهن در تهران و همچنین شهرهای اصفهان و تبریز و شیراز به صحنه تظاهرات پراکنده توده‌های معترض برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و درگیری بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر رژیم تبدیل شد. رژیم جمهوری اسلامی پس از این تظاهرات در عین حال که هیچ خبری

طرف ماه جاری موج نوینی از حرکات مبارزاتی و تظاهرات توده‌ای برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و شهرهای ایران را فراگرفت. دامنه این حرکات که از تظاهرات قهرمانانه توده‌ها در تاریخ ۲۷ بهمن ماه در ورزشگاه امجدیه و آزادی تهران برعلیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی آغاز شده بوده و سمت یافته و متعاقباً بسیاری دیگر از نقاط میهنمان به صحنه مساف بین توده‌های معترض و به باخاسته و سرکوبگران رژیم بدل گردیدند.

همانگونه که در شماره گذشته پیام فدائی به سمعتان رساندیم در تاریخ ۲۷ بهمن ماه توده‌های معترض و خشمگین پس از اطلاع از لغو مسابقه فوتبال باشگاههای تهران که قرار بود در ورزشگاههای امجدیه و آزادی انجام شود، این مساله را به مستمرکی برای اعتراض تبدیل کرده و شروع به شعار دادن برعلیه سردمداران مزدور رژیم می‌کنند. در ورزشگاه آزادی هزاران تن از مردم معترض به حرکت درآمدند و علاوه بر شعارهای مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر رفسنجانی، شعارهایی نیز در حمایت از زندانیان سیاسی قهرمان و برعلیه دیکتاتوری سیاه رژیم سر می‌نهند. باین مضمون که " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " و " ما آزادی می‌خواهیم " و همچنین تظاهرکنندگان عکسهای رهبر معسوم جمهوری اسلامی یعنی خمینی جلاد را باره می‌کنند و ترمسیرهای خود چندین ساختمان و ماهیسن دولتی را به آتش می‌کشند که از جمله آنها می‌توان آتش کشیدن یک هتل در خوالی پنج شهران را ذکر کرد.

گرچه پاسداران مزدور رژیم در بعضی نقاط با گسودن آتش به سوی توده‌های معترض و بی دفاع چندین تن از آنان و از جمله یک کودک خردسال را از پای نرمی آورده ولی گزارشات دریافتی حاکی از آن است که در چند نقطه دیگر که تظاهرات در آنها جریان داشته مزدوران رژیم و اکثراً از دور نظاره‌گر توده‌های معترض و به جان آمده‌بودند

به پاخاسته تحت عنوان " اغتشاشات تهران " اشاره شد و عنوان گردید " اغتشاشات تهران تامین امنیت ملی را تحت ضربه قرار می‌دهد " پس از این اظهار نظرها بود که دولتمردان مزدور حاکم و رسانه‌های تبلیغاتی‌شان در لفافه، به " تظاهرات توده‌های به جان آمده از مطالب رژیم " اشاره کرده و روزی نامه جمهوری اسلامی در یکی از شماره‌های نیمه اول اسفند خود اگر چه تظاهرات را " شایعه " خواند ولی جهت روحیه دادن به ایادی رژیم از آنها خواست که برای جلوگیری از " عملیات تخریبی دشمن " هوشیاری خود را حفظ کنند.

سرانجام با تداوم درگیریها و تظاهرات پراکنده توده‌ها بر علیه رژیم در تاریخ ۱۰ اسفند ماه رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی نوری وزیر کشور جلا خود را به صحنه فرستاد و او رسماً تظاهرات قهرمانه توده‌ها بر علیه سران حکومت در تاریخ ۲۷ بهمن ماه را تأیید کرد ولی بدست بر علیه اخبار مربوط به تداوم این حرکات موضعگیری نمود. نوری گفت " تظاهراتی که در روز ۲۷ بهمن ماه گذشته صورت گرفته پایان یافت و اینکه این تظاهرات ادامه یافته صرفاً تبلیغات میباشد " وزیر کشور درمانده رژیم ادامه داد: ناآرامی‌ای بعد از جریان فوتبال در ایران روی نداده است. در همین چارچوب رهبر جدید جمهوری اسلامی نیز به صحنه آمد و تلویحا تمامی اخبار مربوط به تظاهرات توده‌های بجان آمده بر علیه رژیم را " شایعه " خواند. خامنه‌ای گفت: در این روزها خدا میداند چقدر شایعه دروغ بدست دشمن در میان جامعه ما منتشر کردند. بنده در جریان این شایعات دائما قرار میگیرم. حتی در بعضی از شهرها، بعضی از شایعات بوده و دشمن منتظر بود بوسیله همین رادیوها. ولی علیرغم همه این باطلات مبارزات مردم مسیر خود را میبیمود. در هفته دوم اسفند ماه تظاهرات دهها هزار تن از مردم بجان آمده در مناطق متفاوت پایتخت بوقوع پیوست که طی آن توده‌هایی که سالهاست کمرشان زیر بار تعدیات اقتصادی و از جمله گرانی و بیکاری سرسام آور خم گشته است، با طرح شعارهایی در این زمینه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سران مزدور آن شعارهایی سردادند. در میدان ۲۴ اسفند سابق، پاسداران مزدور رژیم، وحشیانه با گشودن آتش، بروی جمعیت بی‌دفاع چندین نفر را زخمی کردند. همچنین در هفته دوم اسفند ماه در خیابان دکتر فاطمی

در این زمینه را در رسانه‌های خود منعکس نمی‌ساخت و سکوت همدانها را راجع به تظاهرات توده‌ها را حفظ میکرده، در بسیاری از نقاط حساس و میبادی ورودی و خروجی شهر تهران تدابیر امنیتی و ضد خلقی خود را افزایش داد و از جمله به ایجاد سنگرهایی در این نقاط و استقرار هرچه بیشتر مزدوران خود در سطح شهر مبارزت ورزیده. مطابق اخبار دریافتی در نیمه اول اسفند ماه نه تنها بر تعداد گشت‌های سرکوبگر رژیم در سطح پایتخت افزوده شد بلکه پاسداران رژیم در بسیاری از خیابانهای اصلی شهر تهران با استقرار خودروها و چادرهای شبانه روزی بر امر کنترل و تفتیش و اذیت و آزار توده‌های بیگناه و بویژه جوانان در معابر عمومی در ابعاد وسیعی افزودند.

در تاریخ ۵ اسفند " شورای امنیت " رژیم به مثابه ارگانی که از بالاترین مقامات ورده‌های امنیتی و سیاسی دولت بوجود آمده، تشکیل جلسه داد و راجع به " اوضاع کشور " به بحث و گفتگو پرداختند. به موازات این اقدامات درست در همین تاریخ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در یک تاکتیک سرکوبگرانه کاملاً آشکار به منظور بدست گرفتن کنترل هرچه بیشتر اوضاع در دست خود، زیر لوای تشدید مبارزه با قاچاق مواد مخدر لشرکتی دیگری را بر علیه توده‌های تحت ستم ما در تهران و سایر شهرستانها تحت عنوان مانور ظفر یک سازمان داده. در این مانور چند روزه که به نحو کاملاً آشکاری با هدف تشدید کنترل و تفتیش توده‌ها و همچنین پراکندن فضای رعب و وحشت در جامعه سازمان داده شده بوده، ۱۲۰ واحد متشکل از مزدوران رنگارنگ رژیم به صورت سوار و ثابت در قریب به ۱۲۰ نقطه پایتخت مستقر شدند. و در این فاصله اخبار دریافتی موبد تشدید بی سابقه فضای کنترل و سرکوب بویژه در تهران می‌باشد.

همچنین در همین ایام سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در حالیکه همچنان سکوت ترس‌آلود خویش را از تظاهرات ضد دولتی ادامه می‌دادند، جلسه دیگری را تحت عنوان " جلسه مشورتی " مرکب از سرکردگان قوه قضائیه و منجمله آیت‌الله پزندی، وزیر دادگستری و دادستان کل رژیم تشکیل داده و اظهار کردند که با کسانی که " امنیت ملی " را مورد مخاطره قرار نموده، قاطعانه برخورد خواهد شد. در این جلسه برای نخستین بار به تظاهرات توده‌های

قصد اعدام علنی ۴ تن از مبارزین و انقلابیون این شهر در انظار عمومی را باعث صورت پذیرفت. توده‌های معترضی که توسط مزدوران رژیم برای تظاره کردن نمایش وحشیانه اعدام چهار مبارز تربند به مراسم دعوت شده بودند، با فریاد اینکه "هیچکس نباید اعدام گردد" بندوخیمان رژیم حمله کرده و ضمن درگیری با آنان خودروی شان را نیز منهدم کرده و مزدوران وحشتزده رژیم را وادار به گریز می‌کنند. در تناوب این حرکت توده‌های خمگین و بجان آمده طی چند رشته درگیری که در تمام طول روز ادامه می‌یابد چندین بار نیروهای سرکوبگر رژیم که هر بار با تجدید قوا و سازماندهی دوباره به صفوف مردم معترض حمله می‌برند را تارومار ساخته و آنانرا مجبور به هزیمت می‌کنند. سرانجام رژیم مسزبور جمهوری اسلامی حوالی شب چندین نفر را دستگیر کرده و با خود به سیاهچالها می‌برد. مطابق اخبار حاصله در روزهای بعد مزدوران رژیم به طور پنهانی چند تن از توده‌های تظاهر کننده را در شهر اعدام می‌کنند.

همچنین در هفته دوم اسفند ماه چند تظاهرات ضد دولتی دیگر در شهرهای کردستان و منجمله سردشت و مهاباده سنندج، بهران شهر و بانه صورت پذیرفت و مطابق اخبار دریافتی رژیم جمهوری اسلامی در طول این ماه و بدنبال این ناآرامیها نیروهای سرکوبگر بسیاری را روانه شهرهای کردستان منجمله سردشت، نقده، سنندج کرده و فضای رعب و وحشت و کنترل را در این شهرها تشدید نمود.

نیروهای کمکی رژیم در اکثر مناطق حاس و خیابانهای اصلی این شهرها مستقر شده، تعداد گشتیهای خود را در حسد چمگیری افزایش داده و مرتباً به تفتیش و بازپرسی و بازرسی بدنی توده‌ها می‌پردازند. همچنین در اکثر شهرهای کردستان از زمان وقوع تظاهرات ضد دولتی، حکومت نظامی اعلام نشده‌ای از ساعت ۹ شب به بعد به اجرا گذاشته شده است. آنچه که شرح رفت فترده‌ای از تظاهرات دلیرانه و

درگیری‌های پراکنده توده‌های تحت ستم با رژیم مسزبور جمهوری اسلامی و واکنشهای متفاوت سردمداران رژیم نسبت به این حرکات بود. اما در حاشیه این حرکات بعضی نکات قابل توجه دیگر نیز وجود دارد که بخوبی بی‌بایگی رژیم

در صفحه ۱۳

میدان خرو میدان راه آهن تظاهرات پراکنده‌ای صورت گرفت که از جمله شعارهای آن "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه‌ای" و "مرگ بر رفسنجانی" بود. سران وحشتزده رژیم نیز بدون اینکه کوچکترین اشاره‌ای به این تظاهرات بکنند، با ورعکستگی تمام گزارشی دادند که در این تاریخ تظاهرات وسیعی از سوی معلولین و جانبازان در حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تهران صورت گرفته است. اما با وجود تمام مساعی سران رژیم در لاپوشانسی تظاهرات دلیرانه توده‌ها بر علیه حکومت، در نیمه دوم اسفند ماه نیز در شهرهای تبریز و ارومیه اعتراضات و حرکات دیگری بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی صورت گرفت.

در تبریز توده‌های معترض حتی به مسجدی در خیابان تربیت این شهر حمله برده و درو پنجره‌های این مسجد را شکستند و ختم و نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. همچنین در ارومیه نیز در حوالی ایمن تاریخ توده‌های خمگین و بجان آمده، طی تظاهراتی بر علیه رژیم و شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" سر داده و یک هتل را آتش زدند. مزدوران رژیم و منجمله پاسداران سرکوبگر با وحشیگری تمام با توده‌های معترض درگیر شده و به قلع و قمع این حرکت و بگیر و ببند مردم پرداختند.

در تهران نیز در این تاریخ گزارشات دیگری مبنی بر درگیریهای پراکنده مردم با مزدوران رژیم در خیابان کاخ و بیسی کولا انتشار یافته است. بجز موارد نسوق در طول اسفند ماه برخی گزارشات دیگر مبنی بر وقوع تظاهرات و درگیریهای پراکنده در شهرهای کرمانشاه، مراغه و نجف آباد انتشار یافته که برخی از رسانه‌های خبری در سطح بین‌المللی آنها را تأیید کرده‌اند.

"تظاهرات در کردستان"

بموازات تظاهرات متعددی که در اسفند ماه در شهرهای مختلف مهابان صورت گرفت، کردستان نیز شاهد وقوع چند رشته تظاهرات ضد دولتی توده‌های بجان آمده بر علیه مزدوران رژیم در این ماه بود. مطابق اخبار منتشره اولین تظاهرات در شهر سنقر در تاریخ ۲ اسفند و هنگامی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

برقرار بود اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

گفته‌ها و نکته‌ها

امام جمعه دزفول: شرکت‌های باصطلاح مضاربه‌ای از بازار ناسالم سوء استفاده و به مردم خیانت کرده‌اند

توضیحات وزیر کشور بیرامون شایعه تظاهرات ضد انقلاب

■ تعداد معدودی که شمار آنان از چند صد تن تجاوز نمی‌کند از عدم برگزاری مسابقات ورزشی سوء استفاده کرده و تظاهرات به تعطیلی مسابقات تماشایی علیه مسئولین فوتبال و مسئولین نظام سردادند.

■ بعد از مسابقه فوتبال در روز ۲۷ بهمن ۶۸ امروز ما هیچ گونه مساعی در تهران و در هیچ‌یک از شهرستانهای ایران نداشته‌ایم.

■ استکبار جهانی سعی می‌کند با سوءاستفاده از عظمت راهپیمایی ۲۲ بهمن و لوتی کند و بگوید که تظاهرات به معنی می‌باشد که چیزی وجود ندارد.

صفحه ۲

رسالت

صفحه ۱۱
پنجشنبه دوم اسفندماه ۱۳۶۸
شماره ۱۲۰۳ سوم شعبان

بدینال عدم تقیذ حکم در دیوان عالی کشور

پرونده سرپرست بنیاد نبوت برای سومین بار در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود

● صاحب شرکت باصطلاح مضاربه‌ای گشیرتشت خودکشی روز ۱۹

بنیاد فدائی
صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
مدیر عامل صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
مدیر عامل صندوق قرض الحسنه ابوالفضل العباسی
مدیر عامل صندوق قرض الحسنه یقیه الله اسلامشهر

صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
صندوق قرض الحسنه ابوالفضل العباسی
صندوق قرض الحسنه یقیه الله اسلامشهر

صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
صندوق قرض الحسنه ابوالفضل العباسی
صندوق قرض الحسنه یقیه الله اسلامشهر

صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
صندوق قرض الحسنه ابوالفضل العباسی
صندوق قرض الحسنه یقیه الله اسلامشهر

صندوق قرض الحسنه کوثر پروجود
صندوق قرض الحسنه ابوالفضل العباسی
صندوق قرض الحسنه یقیه الله اسلامشهر

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۸ - ۲۰ شعبان ۱۴۱۰
۱۰ ۱۹ مارس ۱۹۹۰ - شماره ۱۹۰۰۱

کوین پنیر برای اهالی استان تهران اعلام شد
سرویس اقتصادی - روابط عمومی ستاد بسیج اقتصادی کشور
اعلام کرد، کوین شماره ۴۴۴ شهری از سری کوین‌های مرحله هشتم
کالا‌های اساسی پروتئینی ۴۸ قطعه‌ای استان تهران برای دریافت
چشمه پنیر شهروندان استان تهران به میزان هر نفر ۲۵۰ گرم در نظر
گرفته شده و از ۲۸ اسفندماه دارای اعتبار است.
این کوین تا ۲۸ تیرماه ۶۹ معتبر بوده و عاملین فروش فرصت
دارند، کوین‌های دریافتی خود را تا تاریخ هفتم مردادماه ۶۹ به شعب
بانک صادرات تحویل داده و رسید دریافت کنند.

جدول کوین کالاها اساسی (شهری)

نوع کالا	شماره کوین‌های معتبر	مهلت اعتبار
روغن نباتی (میزان سهمیه ۲۵۰ گرم برای هر نفر)	۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶	۲۸ اسفند ۶۸ ۲۷ فروردین ۶۹ ۲۶ اردیبهشت ۶۹ ۲۸ تیر ۶۹ ۲۹ مرداد ۶۹
لبنه و شکر (میزان سهمیه ۱۲۰۰ گرم برای هر نفر)	۱۳۵ ۱۳۸ ۱۴۱ ۱۳۸	اول فروردین ۶۹ ۱۷ اردیبهشت ۶۹ ۱۲ خرداد ۶۹ ۱۹ مرداد ۶۹
صابون (میزان سهمیه ۱۰۰ گرم برای هر نفر)	۱۳۲ ۱۳۹	۱۲ فروردین ۶۹ ۱۵ مرداد ۶۹
پودر پاستا کهنه (میزان سهمیه ۱۸۰ گرم برای هر نفر)	۱۳۷ ۱۳۳	۲۸ فروردین ۶۹ ۱۰ خرداد ۶۹
گوشت (میزان سهمیه ۲۰۰ گرم برای هر نفر)	۲۲۵ ۲۲۶	۱۵ تیر ۶۹ ۱۶ فروردین ۶۹
مرغ (میزان سهمیه ۲۰۰ گرم برای هر نفر)	۲۲۵ (نقد) ۲۲۶ (تاریخ)	۱۲ فروردین ۶۹ ۲۶ تیر ۶۹
تخم مرغ (میزان سهمیه ۱۰۰ گرم برای هر نفر)	۴۲۱	۱۵ تیر ۶۹
پنیر (میزان سهمیه ۲۵۰ گرم برای هر نفر)	۲۲۸	۱۵ خرداد ۶۹
کره (میزان سهمیه ۱۵۰ گرم برای هر نفر)	۲۳۹ ۲۳۶	۱۹ خرداد ۶۹ ۱۵ فروردین ۶۹
برنج فقط در استان تهران (میزان سهمیه ۲ کیلوگرم برای هر نفر)	۱۹۵	نظر در روش‌های تعیین شده مصرف شهر و روستای تهران و حومه
	۱۹۲	۱۹ مرداد ۶۹

● سهمیه کره کوین شماره ۴۳۶ صرفاً در فروشگاه‌های قم، سبز، فروشگاه تعاونی نهیات کرج، فروشگاه خانقاز و دامپین و شهرستان‌ها توزیع می‌شود.
● سهمیه برنج کوین شماره ۱۹۵ نیز فقط تا پایان اسفند توزیع می‌شود.

حمایت از جنبش اعتراضی ایلی ریا

محل تجمع:

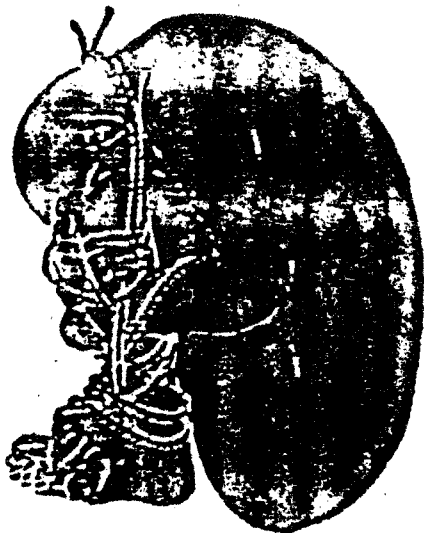
مقابل ساختمان مرکزی UNHCR

حبیان SKOUFA

تاریخ:

۹ صبح - روز چهارشنبه

۷ فوریه ۱۹۹۰



کمیته فوقت برگزار کننده اکسیون

۹۰، ۲، ۴

زنده باد اتحاد و همستگی مبارزاتی

پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان

پناهندگان و آوارگان و نیروهای انقلابی! نظریه تضییع حقوق پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان و با توجه به خطر جدی استرداد پناهندگان و آوارگان ایرانی از سوی دولت های ارتجاعی ترکیه و پاکستان که بی آمدن افتقاد قرار داد های شوال استرداد معرین، بین این رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران باشد و مضافاً بر اینها، اعمال میاستماعی منفعلا نه و ضد پناهندگی از سوی شعب UNHCR در این کشورها، مسئله عدم امنیت پناهندگان و آوارگان، هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد. طبق اخبار واصله ده تن از آوارگان ایرانی که به منظور اعتراض به میاستماعی دفتر سازمان ملل در امر مصلحت اقدام به قهمن و اعتصاب غذا در مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی نموده بودند، با پرداخت رشوه از سوی دفتر سازمان ملل، توسط پلیس فاشیست پاکستان دستگیر شده و روانه زندان و قیامرستان گردیده اند.

از سوی دیگر و با توجه به بیایه رسمی شعبه UNHCR آن که در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۸ وظایف خود را در مقابل متقاضیان پناهندگی در یونان صریحاً اعلام داشته، امنیت نسبی پناهندگان و آوارگان در یونان نیز بدون تردید مورد تعرض قرار خواهد گرفت. با این همه، مقابله با این گونه توطئه های ضد پناهندگی، بدون هوشتاری و اعتراض متعدانه و بی گمراهانه گان و آوارگان میسر نمی باشد.

بدین جهت ما تعدادی از پناهندگان و آوارگان ایرانی در یران در اعتراض به دستگیری پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان و همچنین در پاسخ به فراخوان دشمنای پناهندگان و آوارگان ایرانی، کراچی، پاکستان، مبنی بر تبدیل ۱۰ فوریه به یک کارزار وسیع قلبیغاتی بین البلی علییه توطئه استرداد پناهندگان و آوارگان پناهندگان و آوارگان آگاه، مبارزین خواهیم تا بر اساس اتحاد و همستگی مبارزاتی و به خاطر جادگیری از استرداد پناهندگان و آوارگان ایرانی توسط دولت ارتجاعی پاکستان در مقابل دفتر مرکزی شعبه UNHCR آن، مصمم و یکپارچه به دفاع از جان آنان برخیزیم

گزیده‌هایی از صدای چریکها:

بنیاد جانبازان یا بنیان غارتگران

۳۸/۱۲/۶۹

بنیاد جانبازان یکی از نهادهای غارتگر شناخته شده‌ای است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آنرا بتدریج و در طول سالها برای بسط هرچه بیشتر سلطه بورژوازی پوروکرات لرشهر و روستا بر علیه توده‌های تحت ستم بوجود آورد و ضمیمه سایر ارگانهای غارت و سرکوبی کرد که از زمان رژیم شاه به ارث برده بود.

تجربه زندگی کارگران و زحمتکشان ماتحت حاکمیت شاه رژیم جمهوری اسلامی بعبوی نشان می‌دهد که بنیاد جانبازان و نهادهائی از قماش آن نظیر کمیته امداد امام و جهاد سازندگی و غیره بر خلاف اسم بر مطراق و فریبکارانه‌شان نه تنها در طول سالها کمترین گامی در جهت رفع نیازهای جانبازان و مستضعفان برنداشته اند بلکه برعکس، این نهادهای غارتگر همواره ابزارهای بوده‌اند در دست طبقه حاکم و رژیم

جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب‌زنان

۳۸/۱۲/۶۹

در طول یازده سال حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی، زنان قهرمان میهن ما همواره آماج یکسای از وحشیانه‌ترین تعرضات دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر حیات و هستی شان قرار داشته‌اند. آنچه که جمهوری اسلامی در اینصددت بر سر زنان ما آورده، در تاریخ کمتر رژیم ضد خلقی‌ای سابقه داشته است.

در طول تاریخ معاصر، زن ایرانی هیچگاه تا بدین درجه زیر سرنیزه‌های خونین رژیم جمهوری اسلامی، در معرض توهین و تحقیر و بی‌حقوقی کامل قرار نداشته است. امپریالیستها که پتانسیل عظیم انقلابی و شور مبارزاتی زنان جامعه ما برای رهائی و آزادی را در حماسه‌های ۱۷ شهریورها و در جریان سرنگونی رژیم مزدور شاه بعینه دیده بودند، بعد از روی کار آوردن سگان زنجیری جدید خویش از هیچ تعدی و ظلم و ستمی برای درهم شکستن این نیروی

در صفحه ۲۲

بنیهای کارگری یا تشدید غارت کارگران

۳۸/۱۲/۶۸

بنیهای کارگری، یکی از ترفندهای شناخته شده‌ای است که سالهاست بورژوازی وابسته و رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم منافع منافع طبقه غارتگر، آن را در جهت تشدید تعرض به سفره تنی کارگران محروم ما به کار گرفته‌اند.

مطابق این ترفند، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی همواره مبالغه‌ای از سترنج ناچیز کارگران را به جیب زده و در مقابل آنها می‌کند که برای دفاع از قدرت خرید کارگران معادل مبلغ به تاراج برده شده، به آنها محتاج اساسی زندگی تحویل خواهد داد.

ولی تجربه سالها حیات مسقت بار کارگران ما زیر دستگاه غارت و استثمار سرمایه‌داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی، به عینه نشان داده که بنیهای کارگری نه تنها گرهی از مشکلات اقتصادی بیکران زندگی آنان را باز نمی‌کند، نه تنها قدرت خرید آنها را

در صفحه ۲۵

جمهوری اسلامی برای تعدید استثمار و غارت توده‌ها و بسط هرچه بیشتر حیطه نفوذ ضد خلقی بورژوازی وابسته زبرلوی دفاع از مملولین جنگ امپریالیستی و با مستضعمان و غیره. در واقعیت امر بنیاد جانبازان جمهوری اسلامی ارگانی از جنس و ساخت نهادها و بنیادهایی نظیر بنیاد پهلوی زمان شاه و البته در اشکال متفاوت و برای ضرورت‌های امروزی حکومت سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم در مین ما می‌باشند. با این تفاوت که از ۱۱ سال پیش و پس از سرنگونی رژیم شاه رژیم جمهوری اسلامی بمثابه تجلی جدید حاکمیت امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته، تنها با کمی تغییرات ظاهری و نه این یک نام اسلامی بر همان بنیادهای غارت به‌ارث برده شده از زمان شاه کوشیده است به آنها رنگ و لعاب اسلامی زند و گرده آنچه که در عملکرد این گونه بنیادها زبر حاکمیت نهاده جمهوری اسلامی هویت است و کسب درآمدهای نجومی است که از بابت کار صدها هتل، سینما، کارخانه و کارگاه و املاک در سراسر کشور سالانه به جیب صاحبان به اصطلاح مستضعف و جانبازان بنیاد جانبازان که کسانی جز سران نزد و فاسد جمهوری اسلامی نظیر موسوی اردبیلی‌ها، رفسنجانی‌ها و غیره نیستند، ریخته می‌شود. بدون آنکه از عواید سرشار اینگونه منابع درآمدها حتی کمترین گام جدی هم در رفع استضعاف میلیونها کارگر و زحمتکش که جمهوری اسلامی با سازماندهی این ارگان غارتگر سنگ حمایت از آنها را بر سر نهاده و بار سیدیگی به اوضاع و عیش زندگی صدها هزارتن از مملولین و آسیب دیدگان

جنگ امپریالیستی برداشته خود.

آنچه که در نروی مختصراً شرح رفت و توضیح کوتاهی برای آشنائی بیشتر توده‌های مستعبد ما با ماهیت نهاد ضد خلقی بنیاد جانبازان می‌باشد. اما برای آشنائی دقیقتر با ماهیت و عملکرد این نهاد رجوع به اعترافات خود گردانندگان آن هم بی فایده نیست. در همین رابطه بره‌روز حبیبی قائم مقام بنیاد جانبازان، طی سخنانی از راهوی چیره خوار دولتی و یکبار دیگر برده کوچکی از ماهیت غارتگرانه بنیاد جانبازان پرداخت. از جناب حبیبی سؤال شد که چرا هتل‌های تحت اداره بنیاد ایمان در چالیوس اخیراً افزایش نرخ زیادی داشته و مثلاً کرایه یک اتاق دو تخته به ۴۳۰۰ تومان رسیده است؟ چون در این شرایط تنها سرمایه‌داران میتوانند از این امکانات استفاده کنند و افراد کم درآمدتر محروم می‌باشند؟

جناب حبیبی نیز به‌عنوان یکی از

گردانندگان بنیاد غارت جانبازان با وقاحت تمام جواب داد که: "نرخ هتل‌ها رو قاعدتاً برانرا تا بایستی با نرخ هتل‌های مشابه در کشورهای دیگر مقایسه بکنیم. ما متعقد نیستیم از هتل‌های مثل استقلال و آزادی نرخ کمتری بگذاریم یا احتمالاً ضرر بکنیم و بعد یک اعتباری هم از چیزی که باید برای جانبازها بگذاریم، بگذاریم برای اداره هتل‌ها. اصولاً راجع به سرمایه‌های بنیاد منجمده هتل‌ها اعتقاد ما بر اینست که ما حداکثر مجاز رویه عنوان نرخ اونجا قائلیم. درآمد این هتل‌ها رو صرف امور جانبازان بکنیم. ما اگر فرض کنیم که در اون هتل‌ها بگیم بعضی از جانبازهای عزیز ما هم برن استفاده

بکنیم یک درصد بهار جزئی از جامعه عظیم جانبازان می‌تونن استفاده بکنن نتیجه چندان هم به نظر من نخواهد شد. یکسری تبعات سوء هم بنظر مثل اینکه ناعته باشد. بنا بر این هتل‌ها رو ما معتقدیم که باید سون‌آورانه بکنیم و سون‌رو صرف جانبازان بکنیم. بله! بزعم مزدوران فریبکاری نظیر حبیبی اگر هتل‌هایی که تحت اداره بنیاد غارت جانبازان در چالیوس قرار دارند و ظاهر هم باید در خدمت آنها قرار ناعته باشن با کرایه‌های سرسام آوری معادل عیب ۴۳۰۰ تومان در اختیار "یک درصد بهار جزئی" از سرمایه‌داران ز الوصفت قرار گیرند و جانبازان رژیم کمترین استفاده‌ای هم از آنها نکنند این امر برای به اصطلاح بنیاد جانبازان نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه جلوی یک سری "تبعات سوء" راهم خواهد گرفت و اساساً بنیاد جانبازان این هتل‌ها را با حداکثر سود اداره می‌کنند تا هم جلوی ضرر جانبازان را بگیرد و هم عواید حاصل از آن را برای مسوور جانبازان مصرف گردانند!؟ حبیبی با این فریبکاری می‌کوشد که اولاً ماهیت کثیف و غارتگرانه بنیاد جانبازان به مثابه لرگانی در خدمت سرمایه‌داران ز الوصفت وابسته را بی‌پوشاند و ثانیاً این فریبکاری را در نیلانه خود را تحت لوای دفاع از منافع صدها هزار تن از جوانان مملول و از کار افتاده‌ای که در جریان جنگ دهشتناک امپریالیستی قربانی سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی گفته‌اند و در مقابل از طرف این رژیم نام پرطنطرای جانبازان گرفته‌اند به پیش ببرد. اما این ریاکاری

رسواتر از آن است که حتی مزدورانی نظیر حبیبی و سایر کارگرانسان بنیاد جانبازان نیز قادر به پیگیری آن باشند. چرا که نگاه کوچکی به اوضاع وخیم کار و حیات صدها هزار معلول جنگ امپریالیستی و خواستها و اعتراضات عادلانه آنها و حتی بدتر از آن آمار خودکشیهای همسین قربانیانی که بنیاد غارت جانبازان رژیم ناعیه رسیدگی و حمایت از آنها را نارد بخوبی پرده از چهره به غایت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و بنیاد هائسی نظیر بنیاد جانبازان کنسار میزنند امریکه حتی خود رفسنجانی نیز چندی پیش در بهار با «جانبازان کمزورانه بر آن مهر تأیید زد و اعتراف کرد که جمهوری اسلامی برخلاف تمام تبلیغاتش به اوضاع معلولین و ازکار افتادگان جنگ امپریالیستی رسیدگی نکرده است. همین واقعیت را بروشنی میتوان در اراجیف جناب حبیبی نیز مشاهده کرد. نراین رابطه یکی از معلولین از او توضیح میخواهد که چرا با وجود اینکه ۵۰ درصد از کار افتادگی نارم که

بیشتر در ارتباط با رفت و آمد است و بنیاد جانبازان مناسفانه تا بحال با توجه به نیازم خود رو به من ندانند و همینطور تقاضای جواز کسب کسرم که ترتیب اثری ناده شد؟ حبیبی رباکار در پست قائم مقام بنیاد غارت جانبازان رژیم وقیحانه جواب میدهد: " راجع به خودروی او ن براندره من خدمت شما عرض میکنم که در بنیاد تصویب شده که جانبازان بالاتر از ۷۰ درصد کلا حواله اتومبیل دریافت کنند! بله این اعترافات بهخمرمانسه صریحتر از آن هستند که احتیاجی به تفسیر و توضیح بیشتر داشته باشند.

بله بنیاد جانبازان رژیم که هر ساله از بابت سود نایی از درآمد هتلهای شبی ۴۳۰۰ تومانی و میلیونها تومان به جیب میزنند حتی حاضر نیست به کسانی که نرجریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق نمسی از توانا تپهای بدنی خود را از دست ناده و از کار افتاده و عللیل شده اند و حتی قدرت حرکت ندارند حتی حواله يك خودرو را هم بدهد نرحالیکه همه امورات بر درآمد و غارتگرانه خویش راه اسانا بانام جانبازان و بدنام دفاع

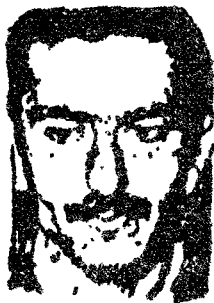
از آنها انجام می نهد. این اعترافات رنیلانسه تنها یکبار دیگر بوضوح بیشتر ماسکهای فریب و نیرنگ را از چهره کتیسف و وابسته به امپریالیسم سردستانان رژیم جمهوری اسلامی و نهانها و بنیادهائی نظیر بنیاد جانبازان و امثالهم کنار میزند و نشان میدهد که این بنیادها و نهانها بانام مستضعفان برعلیه کارگران و زحمتکشان و بانام جانباز برعلیه معلولین جنگ ارتجاعی ایران و عراق و الی آخر مشغول انجام وظیفه ضد انقلابی و پیگیری سیاستهای ضد خلقی طبقه حاکم یمنی سرمایه داران وابسته و تامین منافع غارتگرانه آنها بوده و می باشند. این واقعیت آشکاری است که سالیانست در پشت پرده های بنیادها و نهادهای غارت رژیم جمهوری اسلامی نظیر بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی کمیته اعناده امام و بالخره بنیاد - جانبازان جریان نارد و افغای آن برای عموم و طبقه مریک از توده های آگاه و مبارز ماست.



جمهوری اسلامی و تهدید...

از صفحه ۲۴

و طولانی، راهی که زنان انقلابی ما باید با صفوی هرچه فشرده تر و وسیعتر در آن گام گذارند و نر راه تحقق شرایط رهائی و آزادی خویش که به امر پیروزی جنگ انقلابی و آزاد بخش کارگران و سایر توده های تحت ستم ما برعلیه امپریالیستها و سگان زنجیریشان گره خورده است، سلاح برکف گیرند و بپزمند.



چریک فدائی خلق
رفیق بهمن آژنگ



چریک فدائی خلق
رفیق عبدالکریم حاجیان سه پله

جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب زنان

از صفحه ۱۹

مبارزاتی و خارج کردن آن از صحنه مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران خودداری نورزیدند. به اعتبار همین هدف شوم هم بود که ما شاهدیم با استقرار حکومت جمهوری اسلامی به مثابه رژیم جدید منافع سرمایه داران وابسته، این حکومت منفور برای سرکوب زنان مبارز ایران آنچه از وقاحت تر چفته داشته را بکار برده تا این نیروی انقلابی را از صحنه مبارزه خلق با امپریالیزم خارج کرده و پیوند مبارزاتی آنان با نهضت کارگران و زحمتکشان را بگسلد. جمهوری اسلامی از ابتدای حاکمیت منفورش با تمسک به لفافه‌های مذهبی و ارتجاعی و در چارچوب تامین منافع بورژوازی وابسته در شرایط بحران به جنگ زنان آزاده ما شتافت. صد هزار تن از زنان ما از کارخانجات و ادارات تحت لفافه ضد انقلاب و زیسر پوعفر مبارزه با فرهنگ غربی، بی بندوباری و فحشاء اخراج شدند و جمهوری اسلامی هیچگونه تمهیدی را در قبال تامین زندگی آنان بسمه نگرفت. این رژیم کبسه - های بیقواره‌ای را به زور سرنیزه تحت نام حجاب اسلامی بر زنان تحمیل کرد و با تصویب قوانین ارتجاعی‌ای که جز

در خدمت تامین الزامات نظام بحران زده سرمایه داری وابسته نبوده با هزارویک ترفند سرکوبگرانه و کثیف کوشید تا بهر نحو از حرکت زنان در امور اجتماعی جلوگیری نماید. زیر سایه شوم حاکمیت امپریالیستها جمهوری اسلامی یکروز حق تفاوت را از زنان والای ما سلب کرد و روز دیگر آنها را همردیف هموانگان و ناقص‌العقلها قرار داد. در یک کلام جمهوری اسلامی در طول این مدت همواره کوشیده است که از زنان آزاده ایرانی، بجای یک موجود فعال دارای شخصیت مستقل اجتماعی، بجای یک عنصر آزاده و انقلابی، موجودی تحقیر شده و بی هویت و مهمتر از آن بدون آزار برای نظام موجود بسازد که حداکثر وظیفه او پرورش روحیه تسلیم و تمکین، نستتن در کنج آشپزخانه و تربیت اطفال و مهمتر از آن عبادت در راه خدا باشد. بله! جمهوری اسلامی برای ساختن چنین شخصیتی از زنان مبارز ما از هیچ رذالت و عمل سرکوبگرانه‌ای خودداری نکرده است.

با توجه به این واقعیت است که اخیرا بار دیگر سران رژیم تحت لفافه مبارزه با بی حجابی و بدحجابی برصدد تدارک پرورش جدید تری به حقوق زنان

آزاده و مبارز ما هستند. در این چارچوب نمایشات نماز جمعه دیروز تهران بار دیگر به صحنه فحاشی و تهدید سگان زنجیری امپریالیسم بر علیه زنان مبارز و آزاده ما تبدیل گردید. البته همانگونه که اشاره رفت در طول بازه سال گذشته نوهین و تحقیر زنان با بستن اتهام فساد و فحشاء به آنان و نهایتا نیز تهدید و تشدید تعرض به آنان همواره یکی از اساسی ترین مسئولیتهای رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب خلقهای تحت ستم تشکیل داده است.

اما طرف‌ماهای اخیر حمله به زنان و فحاشی بر علیه آنها از سوی سران جمهوری اسلامی یعنی از سوی کسانی که خود در فساد و فحشاء و تبهکاری شهره عالمده بویژه ابعاد گسترده تری یافته است. به موازات این تلاشها آیت الله اردبیلی جلد روز گذشته بار دیگر در مضحکه نماز جمعه تهران بخشی از اراجیف خطبه‌های خود را به تاختن به زنان مبارز اختصاص داد. وی گفت: مسئله حجاب، اون خانمی که حجاب اسلامی خود را حفظ می‌کند، عفت عمومی را خدشه دار نمی‌کند، وضع را به هم نمی‌زنند، زبان طعنه زنان، اشخاص طعنه زن را

خود مختاری خواست برحق خلق کرد است

به سوی ماها تراز نمی‌کنده اونهایی که ناموس خون رو مثل جانان حفظ میکنند، اونهایی که رلهای کج نمبرن، اینها بر حال عبادتن ...»

اردبیلی فاسد و ریاکار پس از آنکه الگوی زن مطلوب و بی خطر را در فرهنگ ارتجاعی جمهوری اسلامی ترسیم کرد به سیاق همبستگی همالگی‌ها پس شروع به عربده‌کشی بر علیه زنان آزاده و مبارز مانموده و گفت: من همدار می‌نم به اینهایی که فکر می‌کنند که می‌توانند این مسائل را زیر پا بگذارند. امام جمعه برای آنکه با مثالی مفهوم ایده‌آل سرکوبگرانه مدنظر جمهوری اسلامی را در برخورد با زنان بهتر به تماشا جهان خویش حالی کنده به جلانان حاکم بر عربستان سعودی تمسک جست و ادانه داد: «ببینید آنا ما یازده سال از انقلابمون گذشته، سعودی با اینکه اسلامیه به عقیده ما اسلام امریکایی است و هنوز زن‌هاشون جرات نمی‌کنن سافرات و علریات بهان بیرون. این همه شهید داده شده و زن نمی‌تونه بی آرایش بهساد بیرون؟ نمی‌تونه لباس درست بپوشه؟»

وبالاهره اردبیلی تمهیکار با خط و نشان کشیدن برای زنان آزاده ما، نشان داد که جمهوری اسلامی از زنان جامعه ما انتظار نارد تا در يك کلام موجودی عزلت نشین و منفعل باشند و در کنج خانه محبوس شوند و حق کوچکترین انتقابی را در خصوصی ترین امور خود نداشته باشند. این الگوی زن مطلوب مورد نظر سران مسزبور جمهوری اسلامی است. یعنی همان زنی که بطور مثال هم اکنون زیر یکی از سهاترین

دیکتاتوری های امپریالیستی موجود در منطقه یعنی در عربستان و زیر دیدترین فشارها و سرکوبها بزعم اردبیلی حتی جرات نمی‌کنند نوع پوشش خود را انتخاب کنند. و هر کس که از این الگو قصد تخطی هم داشته باشد در زمره آنان است که به زعم اردبیلی «راه کج» رفته‌اند. امام جمعه تهران با این دندان نشان دادن به زنهای آزاده ماسرانجام اخطار کرد «حتما با اینها مقابله خواهد شد» وی با وقاحت انامه داد که «شخصیت انسان، کرامت انسان، عزت انسان تقاضا می‌کند انسان در رفتن راه مستقیم منتظر مسایق نباشد» (۱؟)

البته تهدیدات رنیلانه امام جمعه تهران در به شلاق بستن زنان و مقابله با آنها در واقع تهدیدات رئیس توه قضائیه رژیم بر علیه زنان در هفته گذشته را تکمیل کرد. آیت الله یزدی نیز در جلسه پرسش و پاسخ روحانیون حوزه علمیه قم گفته بود: «گرمورد بدحجابی و مبارزه با منکرات رسیدگی به این موارد از وظایف مساف نادگاههای انقلاب است که با روشهای مختلف و طبق توانیسن موجوده با کسانی که ظواهر و شعائر اسلامی را رعایت نمی‌کنند، عدیدنا برخورد میکنند. همانگونه که ما بارها برای زنان آزاده و مبارز میهنمان توضیح داده‌ایم و عربده کشی‌های اردبیلی نیز نشان میدهد واقعیت این است که سرمدلاران رژیم جمهوری اسلامی در طول یازده سال گذشته کوشیده‌اند تا تعرض خود به حقوق زنان را ناشی از اعتقادات مذهبی خویش نشان دهند. به این ترتیب سگان زنجیری حاکم تسلای

می‌ورزند تا با ساختن توجیبهات فریبنده مذهبی و دینی به پورش خویش بر علیه زنان، هرگونه مخالفت و مقاومت زنان مبارز ما بر علیه این تعدیات را نیز حداکثر متوجه عوامل فرعی‌تری نظیر دین و مذهب سازند.

به این ترتیب جمهوری اسلامی قصد نارد تا عامل اصلی ادبپارو بدبختی و بی حقوقی زنان یعنی سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه‌داری وابسته را از آماج خصم و نفیست مبارزاتی زنان بر حذر نگاهدارد. اما زنان مبارز ما به هیچ رو نباید فریب این ریاکاریهای حاکمان وقت را بخورند و اعمال جنایت‌بار رژیم را در مورد زنان به حساب ادعاهای سران رژیم جمهوری اسلامی در مورد پای بندی به لفاظیهای ارتجاعی و مذهبی و اسلامی بگذارند.

دفعن اصلی زنان و عامل اسارت و بی حقوقی آنان در درجه اول نظام اقتصادی - اجتماعی موجود یعنی نظام امپریالیستی است که توسط رژیم جمهوری اسلامی و قوای سرکوب نظام بالفاظیهای مذهبی از آن حراست و حفاظت میشود. بنابراین اینکه چرا جمهوری اسلامی تا این حد به سرکوب زنان ما اهمیت می‌دهد و چنین وحشیانه به سفت کردن زنجیرهای دست و پایی آنان مشغول است، نه از اعتقاد به اسلام و مذهب بلکه از ماهیت ضد خلقی و اعتقاد راسخ این رژیم به دفاع از منافع امپریالیستها و نظام سرمایه‌داری وابسته ناشی می‌گردد. همان منافی که از ابتدای استقرار حاکمیت جدید و در شرایط تعدیدرکود و بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری وابسته باعث شده

است که صدها هزار کارگر و کارمند زن که سرمایه‌داران وابسته به خاطر شرایط اقتصاد بحرانی خود به آنان نیازی ندارند، به آسانی با توجیهات منهای و خرافی از کار اخراج شده و روانه گوشه آپرخانه‌ها گردند، از سوی دیگر در حقیقت امر زنان نیمی از جمعیت جامعه تحت سلطه ما هستند. پس هرگونه یورش و تعدی حاکمیت در حق آنان به معنای سرکوب نیمی از جمعیت فعال جامعه و به همین اعتبار به معنی سرکوب نیمی از تسوان مبارزاتی جنبش خلقهای ما بر علیه امپریالیستها و سگان زنجیرش میباشد پس جمهوری اسلامی به موازات سرکوب لجام گسیخته تمامی طبقات و اقشار خلق با سرکوب زنان تحت لفافه‌های بی‌حجابی و بدحجابی نه تنها میکوشد سرکوب نیمی از آحاد جامعه را در این‌گونه کانالها به پیش پیبرد، بلکه با تمام توان تلاش می‌ورزد در وحدت مبارزاتی پرتوان زنان و مردان جامعه شکاف‌ها ندارد. چنین ضروریات ارتجاعی است که امثال اردبیلی‌ها و یزدی‌ها را وادار می‌کند تا بار دیگر در نماز جمعه و سایر تریبون‌های تبلیغاتی رژیم بر علیه زنان وزیرلوی مبارزه با بدحجابی عربده‌کشی کرده و آنان را تهدید به تعدید سرکوب و علق نمایند.

اما از سوی دیگر لشکر کفی‌های اخیر جمهوری اسلامی بر ضد زنان در ندرجه اول گویای يك واقعیت عربیان مبارزاتی است. تناوم این عربده کفی‌ها و تهدیدات آنها به قول اردبیلی یازده سال پس از استقرار حاکمیت قوم جمهوری اسلامی و استفاده از تمامی

ترفندهای سرکوبگرانه، در ندرجه اول نشان میدهد که جمهوری اسلامی ضد خلقی با وجود تمامی جنایات و اعمال ففاراها و اذیت و آزارهای خود بر علیه زنان قادر به نیل به اهداف شوم خود در مورد درهم شکستن روحیه مقاومت و مبارزه آنان بر علیه نظام امپریالیستی موجود نشده است. بویژه اینکه باید توجه داشت که سگان زنجیری حاکم با این تهدیدات در حالی مفعول تعدید هجوم خویش به بهانه بی‌حجابی و بدحجابی بر علیه زنان آزاده ما هستند که در تظاهرات اخیر ضد دولتی در تهران و سایر شهرها مطابق اخبار منتشره، زنان آزاده ما نقش شایسته و فعالی را بر عهده داشته‌اند.

این واقعیت را در عین حال می‌توان از لابلای اظهارات زیبوانه نمایندگان مزدور مجلس یافت که همین چندی پیش اعتراف کردند که حل مسئله بدحجابی و یا بد عبارت محیتر حل مسئله مقاومت زنان مبارز ما در برابر تعدیات رژیم حاکم به مسئله غیر قابل حل بدل شده است.

با این وصف بردوسر زنان آگاه و مبارز ما وظیفه پس خطیری قرار می‌گیرد زنان آزاده ضمن آنکه باید به هر طریق ممکن مقاومت و مبارزه عادلانه خویش برای آزادی و حقوق حقه شان را گسترش دهند، در عین حال باید بکوشند تا آگاهی انقلابی خود را در جریان این مبارزه هر چه بیشتر صیقل داده و جهت جنبش و مقاومت انقلابیشان را به طرف دشمنان و عاملان اصلی اذبار و سیه روزی خود سازمان دهند. تازمانه که جامعه به طبقات تقسیم می‌شود و تا زمانی که مالکیت خصوصی وجود دارد ستم بر زنان بیشتر از سایر آحاد

تحت ستم وجود خواهد داشت. همچنانکه در جامعه تحت سلطه ما به خصوص امروز که سربای نظام حاکم بر آن را بحران فرا گرفته است جدا از ستمی که از سوی امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته بر تمامی اقشار خلق وارد می‌شود، به زنان به خاطر ساختار و مناسبات ضد خلقی این جامعه بی حقوقی و ستمی بیشتر یعنی ستم مضاعف اعمال می‌گردد.

طبقه حاکم از یکسو با استثمار و غارت نیروی کار زنان زحمتکش به آنها ستم روا می‌نارد و از سوی دیگر نیز می‌کوشد در چارچوب فرهنگ و قیودات ارتجاعی فئودالی و عقب مانده موجود و با تمسک به منهب از آنها بردگان خانگی ای که مجبور به فعالیتی مستمر و خسته کننده در محیط کار و آپرخانه می‌باشند بسازد.

پس زنان آگاه و مبارز ما باید بدانند تازمانی که این مناسبات ضد خلقی وجود دارد، تازمانی که سلطه امپریالیسم و رژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی از میهن ما برکنده نشده باشد و بالاخره تازمانی که پایه های حاکمیتی انقلابی و نوین یعنی جمهوری دمکراتیک خلق برای گذار به سوسیالیسم و کمونیسم در جامعه ما مستحکم نشده باشد، امکان هیچگونه آزادی و رهائی واقعی و انقلابی برای زنان ما متصور نخواهد بود. تنها با استقرار سوسیالیسم در جامعه است که زنان همچون مردان از حقوق کامل خویش برخوردار شده

و قادر خواهند بود که با تمام توان در راه تکامل و پیشرفت جامعه و رهائی بشریت از کلیه قید و بندهای طبقاتی دوش به دوش مردان قدم برنارند. این راهی است بسیار دشوار

بنهای کارگری یا تشدید غارت کارگران

از صفحه ۱۹

افزایش نمی‌دهد، بلکه بالعکس ارائه این بنها به کارگران کانالی است که از طریق آن هر سال رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران زالو صفت مقادیر معتناهی از حداقل وجهی که بایست استثمار و حشانه کارگران تحت عنوان دستمزد به آنان پرداخته‌اند را بار دیگر به جیبهای گفاد خود برگردانند؛ ضمن آنکه ما فعلا وارد این امر نمی‌شویم که حتی همین بنهای کنایمی مورد ابعای رژیم در اکثر مواقع ماههای مدید روی دست کارگران محروم مانده و کالایی به آنها تحویل داده نمی‌شود. در حقیقت امره بنهای کارگری جلوه‌ای دیگر از ددمنشی سرمایه‌داران زالو صفت وابسته و سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارند برای اینکه مفهوم عملی این واقعات را وسیعتر ترك کنیم بهتر است به خود بوقهای تبلیغاتی رژیم رجوع نمائیم. بوقهایی که هراز چندگاه یکبار بخاطر حدت بی سابقه معضلات کارگران محروم در حالیکه با فریبکاری تمام سنگ دفاع از کارگران را به سینه می‌زنند جلوه کوچکی از دردها و مشکلات بیگران آنها را بخش می‌کنند.

در تاریخ چهارم دیماه در برنامه کاروکارگر شخصی تلفنی اعتراض میکند

که "برجی ۳۰۰ تومان از ما کم میکنند. این ۳۰۰ تومان که برای يك بن کم می‌کنند ۱ کیلو پنیر میدهند. يك بن ۲ کیلو غیر می‌دهند. اینها قیمتشان به آن ۳۰۰ تومان که از ما کم می‌کنند. همیشه ۱ کیلو پنیر، ۳۰۰ تومان تمام میشه. ما می‌خواهیم بگوئیم یا مسئولین اینکار این ۳۰۰ تومان را کم نکنند یا اگر کم می‌کنند چیزی بدهند که به درد ما بخورد".

این جلوه کوچکی از واکنش کارگران در مقابل بنهای کارگری است که رژیم فریبکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی آنرا رحمتی از سوی سرمایه‌داران وابسته برای کارگران جلوه می‌دهد، بله معلوم می‌شود قیمت اجناسی که گویا قرار است با بنها، ارزان به کارگران داده شود بسیار گرانتر از بازار آزاد است. مطابق آنچه از زبان کارگری در برنامه رادیوئی بخش شد با بنهای کارگری جمهوری اسلامی خرید پنیر کیلویی ۳۰۰ تومان و یا شیر برای کارگران کیلویی ۱۵۰ تومان تمام میشود. این است جلوه‌ای از عملکرد بنهای کارگری رژیم جمهوری اسلامی که تحت عنوان کمک به هزینه زندگی کارگران با منت تمام به آنها داده میشود. نمونه‌هایی از قبیل آنچه گفته شد بسیار است، از جمله کارگر دیگری

طی نامه‌ای به برنامه کاروکارگر رادیوی رژیم که در تاریخ سیزدهم دیماه بخش شد می‌نویسد "عنا حتماً از وضع زندگی کارگران مطلع هستید و میدانید برای اینکه کمک به بهبود زندگی ما بشه و تورم ایجاد نشود بن کارگری را بعنوان قسمتی از مزد کارگر پرداخت می‌کنند و نمی‌دانیم اینرا چه کسی مطرح کرده و آیا واقعا نظری بهبودی طبقه کارگر بود یا نظردیگری داشت. اما اگر نظری به نفع ما بود بایست بگویم نه تنها کمکی نیست بلکه مسئله بن و خودش درد سر هم شده است. حتما می‌پرسید چرا؟ شما نگاه کنید ماهی ۲۰۰ تومان کارفرما باید برای بنهای کارگری بدهد و فکر میکند که بیشتر مواد زندگی ما را تامین میکند که با این بنها، ما احتیاجی به خرید نداریم. ولی واقعا اینطور نیست ببینید برای نمونه بنهای شماره ۶ و ۷ و ۱۲، ششماه اول سال، شامل ۲ کیلو نخود، ۵ کیلو برنج و ارداتی، ۱ حلب روغن نباتی بود. تمام قیمت این کالاها همه اش ۱۵۰ تومان می‌باشد در حالیکه در ازای آن ۱۸۰۰ تومان از این بایست گرفته‌اند. حالا ببینید کارگران حق ندارند بگویند مزد ما کجاست؟ در اینجا ذکر يك نکته در رابطه با صحبت کارگر مزبور لازم است، منظور از

اینکه کارفرما ماهی ۲۰۰ تومان بابت بدهد اینست که کارفرما پول را از حقوق کارگران کم نموده و تحویل دولت می‌دهد تا دولت بن بر اختیار کارگران قرار دهد. کارگر زحمتکش در ادامه نامه اش مینویسد: "در یکی از روزنامه‌های هفته گذشته نوشته بود از این پولها ما برای کارگران تاسیسات ورزشی خواهیم ساخت. از قول من و همه کارگران بگوئید ما راضی نیستیم مزدی که باید صرف زندگی ما بشود صرف ساختن امکانات ورزشی خود. چه کسی این حرف را قبول دارد. ضمنا برای فریاد این کالاهای که نام برده روزها و روزها را باید در صفتسیر ببریم." وی در انتهای نامه با التماس می‌گوید که: "بپائید ترا خدا نامه مرا بخوانید و ضمنا بگوئید این پول را به خودمان بدهند. ما بن نخواستیم"

کارگر دیگری در تماس با برنامه کنایه کارو کارگر به آشکارا ضمن به تمسخر گرفتن دولت ضد خلقی و بنهای کارگری آن می‌گوید: "والله می‌خواستم بگم که از دولت خیلی متشکرم که به فکر ماست و با دادن دو کیلو نود با قیمت ۲۰۰ تومان توسط بن و کلی ما و خانواده رو مشغول کرد و ما توانستیم پس از ساعتها مشغول بودن به ۴۰۰ گرم آت و اشغال و سنگ از نود بدست بیاریم."

سپس اعتراضات نسبت به بنهای کارگری رژیم و افشای ناهیت آن توسط کارگران به جان آمده همچنان ادامه دارد.

در تاریخ بیست و نهم آذرماه در تلفنهایی که به راهروی رژیم و به بعضی برنامه کار و کارگر می‌خورد بعضی با

اعتراض به مجری این برنامه می‌گوید "مگه نگفتی سری ۵ می‌خواد امکان کارگر زیاد بشه، امکان خودمون زیاد تر عدد ۲/۵ کیلو برنج دادن ۲۰۰ تومان ازمن و کارفرما پول گرفته. در صورتیکه ۲/۵ کیلو برنج نمیشه ۲۰۰ تومان از اسال هم می‌خواد ۲۰۰ تومان بگیره."

دادن بن به کارگران و کارمندان در ازای غارت مبلغی از مزد آنان و ترفند پست که سالها رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بکار بسته تا بدینوسیله بتواند هرچه بیشتر خلقهای زحمتکش و بویژه کارگران محروم مہمنان را سرکوب نماید. رژیم مزدور جمهوری اسلامی که از هر وسیله‌ای برای به یغما بردن حاصل دسترنج زحمتکشان استفاده میکند، به برکت توزیع اجباری بن در بین کارگران و زحمتکشان و حذف مبلغ دیگری از دستمزدهای نازل آنان تاکنون مبالغ هنگفتی را نصیب سرمایه‌داران وابسته ز الوصفت و دست اندرکاران ریز و درشت خود نموده است. اما این رژیم در ابتدای کار برای اینکه بتواند پوره غارتگرانه خود زیر لاف و توزیع بنهای کارگری را در جامعه جا بهان سازد و به نیت پلید خود یعنی غارت بیشتر کارگران و زحمتکشان بنام بن ادامه دهد بشود همیشه خود به فریب و ربا متوسل گردید.

رژیم اعلام نمود که دادن بن به جای مقداری از دستمزده فواید بسیاری دارد. از جمله اینکه کسانی که از این بن استفاده می‌کنند می‌توانند مقداری از اجناس را که می‌بایست از بازار خریداری نمایند از حرکتهای تعاونی به قیمت ارزانه‌تری توسط بن خریداری کنند و اینکار هم کمکی

است به کارگران در جهت کاهش مشکلات زندگی خود رژیم همچنین وقیحانه مدعی شد که توزیع بن در بین کارگران و زحمتکشان باعث می‌شود که از رشد تورم جلوگیری بعمل آید. ولی سپس از گذشت مدت زمان کمی استفاده کنندگان بن متوجه شدند که اولابسیاری از این بنهای کذابی در حالیکه وجوه آنها از جیب زحمتکشان به یغما رفته پس از ملها سرگردانی، بلا استفاده باقی می‌ماند و ثانیا اجناسی که توسط بن به آنها تحویل داده می‌شود بسیار گرانتر از قیمت معمولی است و ثالثا بن از "بن یعنی در از" حذف مبلغی از حقوق بخور و نهمشان و رژیم اجناسی که مورد نیازشان نیست با کیفیت بسیار پائین به آنان میدهد. این واقعیات باعث گردید که ترفند جدید رژیم زهر نام ارائه بنهای کارگری و کارمندی خیلی زود رسوا شد و چهره غارتگر سرمایه‌داران ز الوصفت و سران رژیم جمهوری اسلامی از زیر آن هویدا خود بر این اساس اعتراضات بر علیه رژیم نیز شدت گرفت تا جائیکه امروزه دیگر هیچ کارگر و زحمتکش نیست که از بنهای فریبکارانه رژیم راضی باشد و همه خواهان حذف بن هستند.

اینها جلوه‌های کوچکی از عملکردهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و تاثیراتی است که بنهای کارگری این رژیم در زندگی کارگران محروم ما بجای گذشته است. این واقعیات به مثابه مشتق از خروار نشان میدهند که چگونه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با ترفند بنهای کارگری و کارمندی و زهرلسوی کمک به قدرت خرید کارگران و زحمتکشان

به غارت دسترنج ناچیز آنان شدت میبخشد. این واقعیات نشان می دهند که چگونه رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی با به جیب زدن دسترنج کارگران تحت عنوان پرباخت بین کالاهای اساسی و چند قلم کالاهای بنجل را با کیفیت بسیار بائین و با چند برابر قیمت بازار آزاد به آنها قالب میکند. وبالآخره این واقعیات نشان می دهند که چگونه جمهوری اسلامی در شرایطی که ماهیت این عملکرد غارتگرانه او در انظار توده ها رو شده است، برای خواباندن اعتراض کارگران و زحمتکشان و قبحانیه مدعی می شود که قصد دارد مبالغسی را که از کارگران و توده های ستمدیده غارت کرده صرف ساختن تاسیسات ورزشی برای کارگرانی کند که مهمترین معضل آنها فقر و گرسنگی نائم التزاید خود و خانواده هایشان است. این چهره واقعی بنهای کارگری و کارمندی جمهوری اسلامی و یا به عبارت صحیحتر موجدیدی برای اخاذی و چپاول فزونتر توده های زحمتکش می باشد.

حال که بهتر با این طرفدو رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی آشنا شدیم، بهتر است مختصری هم درباره لفافه بافیها و توجیهات مسخره رژیم جمهوری اسلامی برای مقبول نشان دادن غارتگری خویش زهرلغوی تا مهن بنهای کارگری بپزند. همانطور که از نامه های اعتراض آمیز کارگران هم برمی آید رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات کرکننده ادعا می کند که تحویل بن بجای بخشی از دستمزد باعث جلوگیری از تورم

و رشد آن خواهد شد. به عبارت دیگر سرمداران زالو مفت جمهوری اسلامی بدان پایه دلسوزتر از مادر برای کارگران محروم و غارت شده ما تبلیغ می کنند که هرچه میزان دستمزد کارگران کمتر شده و یا ثابت بماند این امر به نفع طبقه کارگر است. جمهوری اسلامی اتفاقا با نظایر چنین عوام فریبی مسخره ای هم بود که در تمام مدت سال جاری از افزون بر میزان دسترنج نازل کارگران خودداری کرد و ایسن دمنفی خویش در حق کارگران گرسنه و بی خانمان را ردیلا نه به حساب دفاع از آنان گذارد. در واقع رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی برای آنکه سرمایه داران وابسته اسکان یا بند تا بر عدت استثمار نیروی کار کارگران محروم بیا فزایند و اندک دستمزد پرباختی به آنان راهم با حیللهائی نظیر بین و غیره از آنان باز ستانند، در تبلیغات عوام فریبانه خویش اولا رشد تورم در جامعه را وقبحانه ناشی از بالا رفتن دستمزد کارگران جا میزند و در ثانی مطابق همیسن اهداف غارتگرانه است که رژیم خونخوار جمهوری اسلامی قسمتی از حداقل مزد کارگران راهم تحت عنوان پس کارگری حذف می کند تا ضمن به اصطلاح "دفاع از قدرت خرید آنان" مواظب باشد تا میان تورم در جامعه رشد کند! در حالی که بوج بودن این تاکتیک لطائف الحیل را بیش از هر چیز خود واقعیتهای جاری نظام ستگرانه سرمایه داری وابسته و حاکمیت سواه این رژیم روشن تر از هر ادله دیگری به اثبات میرسانند با وجود آنکه طی ۱۰ سال

حاکمیت جبارانه رژیم جمهوری اسلامی درصد ناچیزی معادل ۱۵/۵ تومان تا قابل به حداقل دستمزد کارگران اضافه شده، در عوض تورم لحام گسخته با چنان شتاب سرسام آوری زندگی سی محقر مایهونیا کارگر را زیر پهنه های خونین خویش به سوی نابودی سوق داده که امروز بارسیدن به مرز ۱۰۰ رکورد جدیدی را برای حاکمیت ستگرانه جمهوری اسلامی به ثبت رسانده است.

مقایسه ساده این دو درصد بخوبی نشان میدهد که رشد تورم اساسا حصول مناسبات ظالمانه نظام موجود بوده است نه ناشی از رشد ناچیز دستمزد کارگران محروم. این واقعیت یکبار دیگر نشان میدهد که چگونه رژیم فریبکار جمهوری اسلامی تحت عنوان پرباخت بین های کارگری به خاطر جلوگیری از رشد تورم و یا ثابت نگه داشتن میزان حداقل دستمزد کارگران می کوشد در خدمت به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته بار بحران نظام گنبدیده سرمایه داری وابسته ایران را بدوش کارگران بیا ندارد و چگونه با تاراج دسترنج کارگران به اصطلاح به جنگ تورم می رود و از جیب تنی کارگران برای این امر مایه می گذارد. اظهارات و اعترافات رژیم در این زمینه بهر از پیش چهره سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک رژیم وابسته به امپریالیسم در مقابل کارگران و زحمتکشان مایه نمایش می گذارد. حقیقت این است که امروز طبقه کارگر ایران در زیر سلطه یکی از وحشیانه ترین دیکتاتورهای بورژوازی وابسته

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

به حیات فلاکتبار خویش ادامه میدهد و روزی نیست که سرمایه داران زالوصفت وابسته به بهانه جدیدی، همورس خویش به حیات وهستی منقذت بار کارگران ما را عدت نبخشند. بنهای کارگری یکی از کائنالهای تعدید است این یسورس غارتگرانه است که ترکسار بهکاری سرسام آورده گران و تورم به سابقه فقر و فلاکت ناشم التزائد و دهها مهیت دیگر این نظام بردوس کارگران زحمتکش ما سنگینی می کنند. بن های کارگری نه تنها هیچگونه نردی از نرد های

بی درمان و بیگران گریها نگیر زندگی فلاکتبار کارگران ما را حل نکرده است بلکه گرسنگی و فقر بیشتر را بر حیات آنان حاکم گردانده و به غارت و استثمار آنها توسط طبقه سرمایه داران وابسته حاکم ابعاد عدیدتری بخشیده است. به اعتبار همین واقعیت عریسان نیز هست که امروز کارگران ما اساسا بنهای کارگری رژیم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و به تعدیات ضد کارگری اش در این باره معترضند. ولی سرانجام دیر نیست روزی که رژیم جمهوری اسلامی به همراه تمامی

بساط دیکتاتسوری سرمایه داران زالوصفت وابسته در جبهسان رشد و شکوفائی جنبش طبقه کارگر و تاسمین رهبری آن بر جنگ انقلابی و رهائی بخش بوده های تحت ستم، بدست توانسای ارتد کارگران و زحمتکشان مسلح بر افکنده شود و نظامی نوین و دمکراتیک که در آن کارگران به حقوق عادلانه و وابسته خویش دست یابند برقرار گردد.



مناطق اطراف تهران میباشند. علیرغم اینکه در طی دو سال گذشته مبلغ ۴۰ هزار تومان از طرف کارگران به حساب شرکت تعاونی مسکن ریخته شده ولی تاکنون هیچ اقدامی از طرف این شرکت برای حل مشکل مسکن کارگران بعمل نیامده است. در پایان باید به این موضوع نیز اشاره کنیم که مدیریت کارخانه "تولید دارو" در خدمت به سرمایه داران زالوصفتی که انگل وار از قبل سترنج کارگران زندگی می کنند مدت مدیدی است که از دادن مرخصی سالانه به کارگران خودداری می کنند.

آنچه که شرح رفت تصویر بسیار کوچکی از شرایط کار و معضت کارگران محروم کارخانه "تولید دارو" تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را نشان میدهد. وضعیت اسفبار کارگران زحمتکش "تولید دارو" نمادی از شرایط وخیمی است که سرمایه داران زالوصفت وابسته و امیرالهیستها بر کارگران ایران تحمیل نموده و تحت نظام سرمایه داری وابسته ایران به غارت و استثمار شدید آنان می پرنازند، بدلیل چنین حقیقتی است که کارگران ما برای اینکه زنجیرهای گران سالها اسارت و بردگی را از پای خود بگسلند، راهی جز نابودی این نظام پوسیده و جایگزین ساختن آن با نظامی نوین و دمکراتیک برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم در پیش پای خود ندارند. هدف والایی که تاریخ رسالت تحقق آنرا به عهده طبقه کارگر قهرمان مسافر قرار داده است.



نگاهی به اوضاع مسکن بار...

از صفحه ۴۸

ندارد و با فصل گرما یا سرما نیز متناسب نمیباشند. از اینرو اکثرا آنها مجبور می شوند با تحمل هزینه ای وسائل مورد نیاز کل راه خود، راسا از بیرون تهیه نمایند. بی میلائی در ارائه ارقام یاد شده تاکنون موجب حوادث ناگواری نیز گشته است. ذکر نمونه زیر این مورد را روشن می کند. یکبار کفشهایی در اختیار کارگران قرار داده شد که کف آنها پلاستیکی بوده پوشیدن این کفشها در بخش مایعات که کسف سالن بدلیل ریخته شدن مایعات مختلف لیز و لغزنده می باشد باعث زمین خوردن منام کارگران می گردید. حتی مواردی پیش می آمد که بهنگام زمین خوردن، خرده شیشه هائی به دست و صورت و چشم کارگران برود. بالاخره چنین لاقیدی در انتخاب کفش مناسب برای کارگران، خاندان ناگسوار زمین خوردن یک کارگر زن را که باردار بود بدنبال آورد. حال وی پس از افتادن روی زمین بسیار وخیم شد و هنگامی که او را به بیمارستان رسانند، سقط چنین کرد و بجده اش را از دست داد.

از مسائل دیگر مربوط به کارخانه "تولید دارو" باید به مشکل کارگران در رابطه به تهیه مسکن اشاره کرد. کارگران این کارخانه نیز همانند دیگر کارگران ستم دیده ایسران اجاره نمین بوده و ماهانه مجبور به پرداخت حدود ۴ هزار تومان اجاره خانه آنها در نقاطی چون شهرری و یا دیگر

” پیاد شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند “

آگاهی هر آینده با صداقت انقلابی توأم شود، منشا ایمانی تزلزل ناپذیر میگردد

تامل دستور ریختن خون آنها را صادر کند؛ به این گمان که با نابودی آنها راه آنها یعنی راه والای جریکهای فدائی خلق نیز نابود خواهد شد و این ” شیخ سرخ “ رخت بر خواهد بست .

اما دیگر بسیار دیر شده بود . نسیمی که از مدتها پیش و با شلیک گلوله های آتشین رزمندگان سیاهکسل در بهمن ۴۹ ” جزیره ثبات و آرامش “ امپریالیستها در ایران را به لسزه در آورده بوده برغم تمامی تهیدات و قدرقترتیهای رژیم سرسپرده شاه ، بتدریج باعث به طوفانی بنیان برافکن تبدیل میشد و دشمن را با هیچ ترفندی یارای ممانعت از این جبر تاریخی که شهدای یازده اسفند نیز خونشان را وثیقه آن کردند نبود .

رفیق مسعود و یارانش مرگ را بی هیچ تریخی و با این آگاهی والا پذیرا شدند که ” مهم این است که اسلحه ای که از دست رزمندسده ای می افتد ، رزمندسده ای دیگر باشد که آنرا بردارد ”

اما با شهادت رفقا موجی از ند به وزاری های سالوسانه اپورتونیستها و در راس آنها حزب خائن توده برای

به همت و فداکاری آنها آرام آرام در بطن جامعه رشد می یافت ، وارد کنند . بویژه اینکه دشمن ضد خلقی این جنایت رذیلاانه را در شرایطی مرتکب شد که بخوبی می دانست در راس این رفقا عنصر برجسته ای همچون رفیق مسعود احمدزاده یکی از بنیانگذاران کبیر سازمان قرار دارد . رفیق کبیری که به خاطر درایت انقلابی و نبوغ بی نظیر خویش و با اتکاء به سلاح دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم ، موفق شده بود در شرایط سلطه منید ” هیولای سنگین سرنیزه “ و حکومت ” انبوه کهنسال “ خفت و ترس و تسلیم طلبی ، سرانجام با اتکاء به واقعیات جامعه تحت سلطه مارا صحیح و عملی مبارزه با دشمن را کشف و تئوری انقلاب رهائی بخد کارگران و توده های ستمدیده ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک را تدوین کرده و خود در راس تمامی یاران صدیق در مسیر تحقق آن گام برداشته و در میدان بی بازگشت آن ، آگاهانه قدم بگذارد . بنا بر این وجود چنین تئوریسین بزرگ انقلابی و رفیق کبیر دیگره عباس مفتاحی ، به مثابه سازماندهی کم نظیر در راس شهدای یازده اسفند کافی بود تا دشمن بدون

در تاریخ سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران ، یازده اسفند هر سال یاد آور جانبازی جمعی از آگاهترین و دلیرترین فرزندان خلقهای مبارز میهنمان در راه آرمانهای رهائیبخش طبقه کارگر و توده های تحت ستم ماست .

۱۸ سال پیش در این روز سینه ستبر رفقای کبیر مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی به همراه ۴ تن دیگر از پاکباخته ترین جریکهای فدائی خلق ایران ، رفقا مجید احمدزاده ، اسدالله مفتاحی ، حمید توکلی و غلامرضا گلوی ، در میدان چیتگر تهران توسط سلاحهای آمریکائی مزدوران شاه مشك شد و خون سرخ این رهبران بیشتاز و کمونیستهای اصیل و انقلابی ، داغ ننگ دیگری را بر سیمای کریم حاکمیت امپریالیستها و سگان زنجیریشان در میهن ما حك نمود .

رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با اعدام و حبس این رفقا ، ضمن آنکه ترس و وحشت بی حد و حصر خود از جریکهای فدائی خلق و راه سرخ آنها را به نمایش گذارده در عین حال کوشید تا ضربه سنگینی را بر بیکر جنبش نوین و جریان بالندسده ای که

کار عظیم انقلابیشان مهم نبود و برای آنها مهم این بود که این راه پس از آنها توسط انقلابیون دیگر ادامه یابد. بر این مبنا بود که آنها می گفتند: ما به خلق خود و فرزندان پیشاهنگر ایمان داریم و ضامن این ایمان خون ماست. ما جان خود را بر سر این ایمان گذاشته ایم. سیر رویدادها به سرعت اعجاب - آوری تجلیات درخشان این "ایمان" و "آگاهی" انقلابی را در صحنه پراتیک

و رشد جنبش نوین سلحانه - انقلابی خلقهای ایران " دادن قربانیهای چنین گزاف اجتناب ناپذیر است " چراکه در شرایط یاس و رکود و خمود عمیقی که در اثر سالها دیکتاتوری رژیم شاه و خیانتهای بیکران حزب توده به مثابه کاریکاتوزی از پیک حزب پیشاهنگ و مارکسیسته در جامعه به وجود آمده بوده جلب باور تودهها به پیشاهنگان انقلابی اثر جز باریختن

کوبیدن و تخطئه مبارزه سلحانه بمثابه تنها راه انقلابی بسیج و سازماندهی تودهها و کسب قدرت سیاسی، آغاز عدد. حزب توده و شرکای ریز و درشتی که بنابه رسالت تاریخیشان در آن سالهای حساس سربر آوردن نخستین جوانه های جرات و مبارزه انقلابی برعلیه دیکتاتوری حاکم، جز اشاعه تسلیم طلبی و مناسبات جوئی با دشمن، وظیفه ای



چریک فدائی خلق
رفیق حسید توکلی



چریک فدائی خلق
رفیق سعید احمدزاده



چریک فدائی خلق
رفیق اسدالله مفتاحی



چریک فدائی خلق
رفیق غلامرضا گلوی

به بارنشانده تحولی که با این حرکت دوزناساز تار و بود جامعه را در تمام عرصهها درنور دیده بوده موجب رشد آنچنان جریان نوین مبارزه ای در میهن ما گشت که در طول سالها بسا وجود تمام ترفندهای دشمن و فرازونشیبهای يك دم قطع نگردید و بیماری از فرزندان پیشاهنگ و آگاه خلق با الهام از همان "ایمان" و "آگاهی" سلاح پرکشف گرفتند و خواب خویش را از امپریالیستها و -گان زنجیریشان سلب نمودند. از سوی دیگر اگر رفیق سعید و یارانانش ایمان داشتند که در آن سالهای سیاه "قربانیهای که داده می شوده شهادتی که دلیرانه تا پای مرگ در برابر دشمن

چنین خونهای پاک و شکرهمندی میسر نبود. بنابراین شهادت رفیق سعید و یاران. برغم خزعبلات اپورتونیستهای خائن و کنار گود نمینی ناهل حزب توده نه نمایی از "شور" و "احساس" بلکه پاسخ به يك ضرورت انقلابی جامعه و حامل پیام نویسی برای خلقهای دربند در جهت مبارزه ای سترگ و نوین بود. و براساسی هم که بن بست مبارزاتی آن روزگار جز بسا خون بی دریغ نسلی از پاکترین چریکهای فدائی خلق به هیچ رو گشوده نمی گشت. بر اساس ترك چنین ضرورت تاریخی ای هم بود که برای شهادی یازده اسفند زنده ماندن خود و بهره برداری از نقایح درخشان

برای خود قائل نبودند، با ژست دایه دلسوزتر از مادر برای رفیق سعید و یاران. اشك ریختند و آنان را " جوانان پرشور و احساساتی ای " خواندند که جانشان را بیهوده در راه مبارزه سلحانه از دست می دهند. و اگر این شکل از مبارزه نبود چه بسا که از آنان " انقلابیون کبیری " برای آینده برجای می ماند. اما برغم تمامی این تلاهای خائنانه حزب توده و همپالگی هاید که هدفی جز توجیه بی عملی مغرط خود و به اتلاف بسزین انرژی انقلابی جنبش تودهها نداشت، شهادی یازده اسفند می دانستند و از مدتها پیش شجاعانه اعلام کرده بودند که در مرحله حساس و شرنوشت ساز تکوین

مقاومت می‌کنند و اسرائیل که قهرمانانه در برابر شکنجه‌های قرون وسطانی سرخیزان شاه مقاومت می‌ورزیده قطعاً باعث خواهند شد که نهال انقلاب ایران شکوفا گردد، که فرزندان خلق به باغیزند و آنگاه جنگ توده‌ای دیر یا زود آغاز گردد" سرانجام سالها پس از ریخته شدن خون پاک آنها در پرتو راه سرخی که مسعود و باران در این عبارات واقع بهانه ترسیم کرده بودند توده‌های به پا خاسته با پژواک پیام چریکهای فدائی خلق در قیام دلاورانه خویش و با شعارهای "ایران را سراسر سياهگل می‌کنیم" و "تنها ره رهایی ره سرخ فدائی" طومار حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را در هم پیچیدند و بتدریج نخستین عمل‌های جنگی توده‌ای در سطوح مختلف افروزیدن گرفت. ولی افسوس که در این مدت فریبکاران با غضب نام پرافتخار چریکهای فدائی خلق و سنگر گرفتن در پشت ارزشهای والایی که بنیانگذاران کبیر سازمان و بارانشان با خون خود پی‌ریزی کرده بودند، میداندار شدند و نه تنها سازمان چریکهای فدائی خلق را از رهبری جنبش قدرتمند خلق در آن ایام و سازماندهی آن برای پیروفت جنگ توده‌ای و طولانی باز داشتند بلکه از هیچ تلاقی خائنانه‌ای هم در جهت انحراف مسیر انقلابی آن به نفع دشمنان قسم خورده کارگران و توده‌های محروم دریغ نورزیدند. حیانت سازشکاران نفوذ کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران عامل بس مهمی در تحکیم قدرت رژیم مزدور جمهوری

اسلامی و سلطه یکی از هارترین نیکتاتوری‌های امپریالیستی بر میهنمان بود. آنچه که در سالهای سیاه سلطه این نیکتاتوری بر کارگران و سایر اقشار تحت ستم ما رفت به نوبه خود بار دیگر بر درستی و الزام تداوم "راه" شهدای یازده اسفند مهر تأیید زد و صحت این آموزه انقلابی آنها را ثابت نمود که اگر ساله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی و نرم شکستن ماشین دولتی ست و ما نام که چهارچوب حاکمیت امپریالیسم که اساساً بر اعمال روز افزون قهر ضد انقلابی توسط ارتش امپریالیستی و سایر زوایا تدبیر متکی ست. در جامعه برقرار با عده هر رژیمی و با هر شکل و نمایی که بر سر کار بنیاید جز تجلی اراده ضد خلقی امپریالیستها بر علیه توده‌های مردم نیست. به همین اعتبار نیز راه انقلاب و راه نرم شکستن قدرت ضد خلقی حاکم، جز از مبارزه مسلحانه توده‌ای و تشکیل ارتش خلق برای نابودی ارتش ارتجاع امکان پذیر نخواهد بود. "واقعیت‌های سرخست زمینی" در طول سالها حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم علیرغم همه تبلیغات منحرف فرصت طلبان و تلافی‌های مذبحخانه آنان بر علیه تئوری مبارزه مسلحانه، این حقیقت را بار دیگر و با برجستگی هر چه بیشتری برای خلقهای مبارز ما آشکار ساخت. همان فرصت - طلبان رنگارنگی که با جایگزینی رژیم جمهوری اسلامی به جای رژیم شاه هریک با توشه نفرت انگیز از رده بانی بر علیه تئوری انقلابی جنبش کارگران و توده‌های محروم یعنی تئوری مبارزه مسلحانه به میدان آمده و با بلند کردن پرچم "کار آرام سیاسی" هریک به وسیله خود شروع به

فریب توده‌ها نموده و به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تحکیم پایه‌های ضد خلقی خویش کمک‌های حیاتی نمودند.

امروز ۱۸ سال پس از شهادت رفیق مسعود و باران در شرایطی که جنبش خلق مقاوم ما از هر سو زیر تازیانه‌های وحشیانه امپریالیستها و رژیم وابسته جمهوری اسلامی قرار دارد و در شرایطی که این جنبش از ترون نیز از سلطه درناک طیف رنگارنگی از اپورتونیستها و فرصت طلبان و دوستان نادان خلق رنج می‌برد، بر ماست که بگوئیم اندیشه‌های سترگ و جوهر انقلابی تفکر این شهدای پیشگام را هر چه بیشتر زنده نگاه داریم و ضمن مصون داشتن آنها از هجوم انواع تفکرات اپورتونیستی و تسلیم طلبانه، با تمام توان و وسیع خود در راستای تحقق شان تلاش ورزیم.

بر ماست که بگوئیم همچون شهدای پرافتخار یازده اسفند، با ایمان به پیروزی راه سرخ چریکهای فدائی خلق با تمامی توان و نیروی مبارزاتی خود در هر شرایطی که قرار داریم پیگیر و خستگی ناپذیر، در جهت آرمانهای رهایی بخش آنها حرکت کنیم. بر ماست که بگوئیم به هر شکل افق روشن پیروزی را برای توده‌های آگاه و مبارز ترسیم کرده و هندوش با آنها برای نابودی قطعی سلطه امپریالیسم و سگان زنجیریش و برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و نیل به سوسیالیسم و کمونیسم گام برداریم و راهی را که آنها با شاره‌های تابناک خون خود روشن کرده‌اند تداوم داده و



جاودان باد خاطره رفیق استالین تجسم اراده پولائین طبقه کارگر

بهرامون جنگ ایران و عراق ...

از صفحه ۶

دست اندرکار تلاش برای ایجاد امنیت در منطقه بحثا به عوامل سدکننده پیشرفت کوششهای صلح خواهانه قلمداد میشود . امری لازم و ضروری است .

در پایان باید با تکیه بر دلائل راستین و موانع واقعی که تاکنون سد راه پایان دادن به دوره آتش بس و اعلام صلح فیما بین دو دولت ایران و عراق بوده اند و ما فوقا بدانها اشاره نمودیم - یعنی در يك کلام و بطور اختصار مصالح و منافع امپریالیستی - بگوئیم که دوام وضعیت نه جنگ و نه صلح و با اتمام این دوره دقیقا به ایجاب مصالح و منافع امپریالیستی بستگی داشته و در گرو آن میباشد .



یوسف مصدق

که در راه ملی کردن صنعت نفت و مبارزه برعلیه امپریالیسم فعالیت های ارزنده ای نموده گرامسی باد!

نشرهای پلیسی رژیم ارتجاعی پاکستان علیه بناهندگان و آوارگان ایرانی محکوم است .

هزاران پناهند . و آواره ایرانی که به خاطر جنایات بی شمار رژیم صحتی حیدری اسلامی ایران مجبور به ترک میهن خود شده اند در کشورهای پاکستان و ... در اوضاعی بسیار سخت و پستی و بلندی با مشکلات واقعی مورد توجه و صرب و شمش و بارداشت پلیس ناشیست پاکستان قرار گرفته اند . طبق اخبار واصله در وقت آوارگان ایرانی که به منظور اعتراض به سیاستهای دستمزدزنان ملل در امر مهاجرت اقدام به تجمع و اعتصاب غذا در مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی شده بودند با پرواضحت رشوه از سوی دستمزدزنان ملل توسط پلیس ناشیست پاکستان دستگیر شده و روانه زندان و تبعارستان گردیده اند .

بدین جهت ما و نهادهای پناهندگان آوارگان ایرانی در ایران و در اعتراض به دستگیری پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان امروزه ۷ دویه به ۱۹۹۰ در مقابل دستمزدزنان ملل در وقت اقدامات منع نموده ایم .

رسد ، باد اتحاد و همبستگی سازمانی پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان

بمناسبت گرامیداشت روز جهانی زن

مطلب زیر که از زبان يك زن پناهنده در ترکیه نقل شده در حالیکه گوشه‌ای از زندگی زنان ستمدیده ایران در ترکیه که بدلیل قرار داشتن در زیر تحقیر و توهین و تحمل فشار و تضییقات فراوان از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از خانه و کاشانه شان آواره شده‌اند را نشان می‌دهد، در عین حال جنبه‌هایی از ستم و مطالبی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت حفظ و تحکیم نظام بحران زده سرمایه‌داری وابسته ایران در حق زنان تحت سلطه و مبارز ما روا می‌نارد را نیز آشکار می‌کند.

این مطلب را از جزوه‌ای تحت عنوان "فرهاد زنان ایرانی در ترکیه" که شامل مصاحبه‌های يك زن آلمانی با تعدادی از زنان آواره ایرانی در ترکیه می‌باشد، در سالروز گرامی داشت روز جهانی زن با حذف قسمت‌هایی از متن کامل مصاحبه، برای شما آورده‌ام.

تو خیابون‌ها جرات نفس کشیدن نیست .
در قانون ، قانونی که باید حمایت
کنه؟! قانونی وجود نداشته ، حمایتی
وجود نداره . همیشه توستری بوده .
توستری خوردن ، یا لاقل این چند
ساله این ساله بیشتر بوده . روحیه
من بخاطر اینکه فکر میکنم دارم مبارزه
میکم (بدن نیست) . هدفم اینه که دو
تا دختر موه دو تا بچه مو در حال حاضر
خیلی کوچیکند و زنای آینده دنیا
هستن لاقل موقعیتی ، نه مثل موقعیت
خودم براشون جور کنم . نمی‌دونم تا چه
قدر موفق می‌شم . ولی تلاشم را بعنوان
يك مادر بعنوان يك زن خواهم کرد و
آرزو میکنم ، کسانیکه صدای منو
می‌شنون کمک کنن . دسامو بگیرن
[گریه] نذارن توی منجلاپ ترکیه ناغون
بم [گریه] . من دارم دیونه میشم .
روحیه‌ام خراب و ناغونه . فشار

برسه . این وظیفه منه که با [بغض و
گریه] با فریاد با فریاد هام حال موبهمه
بگم . حالا زنان ایرانی مثل من توی
ایران زیاده . خیلی زیاده ، ولی امکان
نیست ، امکانی برای فرار از این
گرداب نیست . موقعیت من ، موقعیت
روانی من ، به حدی ناغونه که فکر
میکم ، هرکس دیگه هم در موقعیت
من بود همین حال ، همین روحیه و شاید
صد چندان بدتر برایش پیش می‌اومد . من
بخاطر تلاشی که در ایران بخاطر (حقوق)
زن ایرانی می‌کردم و با توجه به اینکه
در دو تا روزنامه عکس من بوده سعی
کردم همیشه حق زن بودنم را نسبت
بدیگران بدست بیاورم . زن یعنی
انسان . فرق نمی‌کنه زن یا مرد . وقتی
حقوق بشر هست زن و مرد یکی هستنند .
متأسفانه در ایران و کشورهای امثال
ایران زن معنی ای جز يك برده (ندارد) .
يك برده‌ای که فقط و فقط يك برده‌است .

" چند وقته اینجا هستم ؟ سه ماهه . سه ماه
خیلی بد . موقعیت مالی خیلی خرابه ،
طوری که از خواهرم خواهرم کردم که برام
به مقدار پول فرستاد و منم متشکرم .
اینجا امکان کار کردن [گریه] نیست ،
هیچی . پول درآوردن ، حتی اگر آرزوی
راهم داشته باشی که بغضای کار
غرافتمندانهای بکنی وجود نداره . بنا
نو تا بچه ، دو تا دختره ، دو تا زن آینده‌ای
که متأسفانه به هیچ عنوان آینده
خوبی [گریه] براشون در ایران نمی‌بینم .
اینجا هستم در کفوری که شاید از چند
سال پیش ایران عقب‌تره . متأسفانه
راهی را پیش گرفتم و از سر بالا می‌رم
که آخرش نامعلومه . نامعلومه ، خیلی
نامعلومه . نمی‌دونم صدای منو کسی
می‌شنوه؟ ولی آرزو می‌کنم بعنوان يك
زن ، يك زن ایرانی ، که در حال حاضر
مثل يك برده می‌مونه ، صدای منم به همه

مادی و فشار روحی وقتی بعقب نگاه میکنم میبینم هیچی نبوده، هیچی نداختم. آزادی نبوده، وقتی جرات اینو ندارم که حتی حرفتو بزنی جرات اینو ندارم که انتخاب لباس بکنی و این چه زندگیه؟ البته ساله لباس بهمی با افتاده است و ساله حجاب یک مسئله‌ای که وقتی در حد قانون قرار میگیره خیلی عادیه و ولی کدوم قانون؟ آیا بقیه قوانین درست هستند که آدم تعجب بکنه از این قانونمون؟! وقتی که در ایران، یک زن تارمویش بیرون باعه باعلاق روبرو می‌ده آیا با علاق و زور می‌ده زندگی کرد؟ حق هراسناپه که زندگی کنه، تلاش کنه، یک زندگی آروم داشته باعه و ولسی متاسفانه و متاسفانه، متاسفانه این زندگسی از مازنای ایرانی گرفته شده. من تلاش میکنم و سعی میکنم و قسم میخورم اگر قدرت داشته باشم زنائی مثل خودم و یعنی زنای ایرانی در حالت بردگسی نمونن. سعی میکنم که بیشتر (بناخت) بیشتری دنیا نسبت به ما زنها همسدا بکنه. بدونن که ما واقعا دلمون نمیخواد به این صورت برده باشیم. نمی‌خواهیم تو سری غور باشیم. نمی‌خواهیم بدبخت باشیم. روزی که از ایران می‌آئیم آخرین روز سال گذشته بود. دم مرز خانم عصمت ساله‌ای را دیدم که بلندگو اعلام میکرد بانو خانم پرتو (فامیلش را نمیدونم، خاطر من نیست) بعلت بد حجابی بیست بار به علق محکوم شده. ابتدا فکر کردم دختری باید باعه و زمانی که آمدند حکم را اجرا کنند این خانم با شهامتی [بفشن] واقعا ستایش آور باید ستایش میکردیم یعنی باید بودین و می‌دیدین که باچه شهامتی

و ایساد و گفت مدیون من هستید من دارم بی مورد شلاق میخورم و آیا کسی هست نفس بکنه؟ اعتراض کنه؟ واقعا کسی جرات نداعت. هیچکس. با تهنج اعصاب برگشتم به اتوبوس [گره] خودم. باور کنید به اندازه نو روز تمام اعصاب من ناراحت بود و هنوز فکر میکنم من مدیون او هستم. [گره] مدیونم. باید مدای اونو به جهان برسونم. بیست ضربه شلاق رایک زن عصمت ساله خورده فقط بخاطر اینکه تار موئی ازش بیرون بود. بخاطر اینکه در قانون اسلام زن پنجاه عصمت ساله ایرادی نداره مویش را نامحرم ببینه. دهن باید بسا دنیا بهمی بره. اگر بخوایم فقط روی دین حساب کنیم مثل برده‌های عهد وسطی خواهیم بود. عین غارتیه‌ها. این چه قانونیه؟ هیچی!! دلم نمیخواد صدامو ببنویسد. دلم نمیخواد واقعا تا آنجائیکه امکان داره، حتی اگر بمن کمک نمیکنید تلاشتون را بکنین. تلاش کنین، نگذارین زنائی مثل ما اینطور ناغسون بشن. برده‌وار اسیر باشن. و زنجیر بردگسی بکشن. دلم نمیخواد برگردم ایران (ولی) دلم نمیخواد تو اون موقعیت بچه هام را بزرگ کنم. من در موقعیتی بودم که حالت روحی خیلی بدی داشتم. بعلت راهبیمانی ضد حجاب و حرکت کردن من در آن، از اناره منتظر خدمت عدم، عوهرم آنموقع سرباز بود. دختر کوچکم را نه ماهه باردار بودم به اناره مراجعه کردم. متاسفانه فقط با یک چیز بر خورد کردم و به مسئولین اناره گفتم: من این راهبیمانی رو رفتم و کاری را که کردم قبول دارم و زهرش هم نمی‌زنم. این عقیده منس من بوده برای عقیده. تصمیم فعال نیست کردم و در حال حاضر شوهرم بالای

سر من نیست. دخترم یکسال و نیمه و من به عمر شیش محتاجم. شکم اونو نمی‌تونم سیر کنم. شوهرم در حال حاضر در جبهه داره بخاطر این دولت مجنگه. اگر شهید بشه من جوابگوی دوتا بچه هستم، جوابجون بمن این بود: شهید بشه چه ایرادی داره. این همه جوون شهید می‌شن و شوهر توهم روح. پول خونشو در خونه بیفت می‌دن. شما فکر میکنین اگر هرکس دیگری جای من بسود به چه حالی می‌افتاد؟ واقعا به جنون کفیده می‌هد من با پنج تومن و پنسج تاتک تومنی ایرانی او منم تو خیا بون و گره کتان سوار مانعین عدم. راننده فکر میکرد که من موقع زایمانم و فکر میکرد که منو باید به بیمارستان برسونه. ازش خواهر کردم که منو به منزلم برسونه، چون حال روحی خیلی بدی داشتم. باور کنین این ساله رو وقتی برای هر کس تعریف میکنم دیوونه هستم. آدم تا جای کسی نباشه نمی‌تونه موقعیتش را ترک بکنه. من به همسرش بچه یکسال و نیمه ام محتاج بودم بچه دیگه رانه ماه باردار بودم که هر لحظه امکان زایمان داشتم. شوهرم بسالای سرم نبود دلواپس او بودم که توی جبهه داره می‌جنگه ولی جواب او ناایمن بود: خوب شهید بشه چه ساله‌ای است؟ اینا پراغون زن و مرد فسری نمی‌کنه ولی بعلت اینکه زن از نظر قدرت ضعیف‌تره، سعی میکنم مساوی زور بیاورن. اونو زور و فشار ناغون کنن. در حال حاضر زنای ایران موقعیت خیلی بدی دارن. تو خیا بون با شوهرت نداری راه مبری. گفت کمته میرسه مدرکی نداخته باشی که ارائه کنی که شما زن و شوهر هستید باید

کردم، بغاظر همین هم تا اینجا خودسو
کشودم.

برسه، چون واقعا با استعداده، ارزش
اینو ناره و بغاظر همین هم من تلاش



کلی جاها برین تا بتونین مدرکی روه رو
کنین. تازه شاید از مخمه نجات
پیدا کنیند.

ما چیزی نمیخواهیم، ما فقط آزادی فردی
میخواهیم. ما فقط میخواهیم که دنیا
به امثال ما نگاهي بکنه. شاید بشه این
فریادهائی که در سینهها خفه شده بگوه
دنیا برسه. امیدوارم من بتونم با همین
چند دقیقه صحبت کردن حق زن بودنم را
اذا کرده باشم و صدای مویه آنجا ها بشکوه
باید برسه رساننده باعم.

من در حضور تو تا فرزندم قول میدهم
تا آنجا بشکوه بتونم و خون بزرگ داشته
باعم تلاش کنم، تلاش کنم و بهشون یاد
بدم که همچون يك زن واقعی، انسان
واقعی از حق خودمون دفاع کنند. این
حق هر کسی هست. مخصوصا حق يك زن
است که از حقش موقعیتش از شرایطش
دفاع کنه. حقیقه که نفس بشکوه و باید
این حق رو بدست بیاره. حتی در قانون
جنگل هم این حق وجود ناره که برای
نفس کشیدن تلاش می کنند. برای زنده
بودن تلاش می کنند.

من به تو تا دخترم یاد میدهم و باید
یاد بگیرند که خیلی بهروز مندانسه و
سر بلند و افتخار آمیز بگن که زن
هستن. شاید من نتونم بغاظر ضعف
مالیم، بموقعیت آنچنانی آنها را
برسانم ولی میدونم بالاخره روزی
خواهد رسید که آنها این تلاش مرا
بی ارج نخواهند گذاشت. مخصوصا دختر
بزرگم که با این همه استعدادی که
من در او می بینم باید روزی زنی بشه
جزو زنان نامدار دنیا. شاید خیال
خامی باشه، شاید بمن بخندیده. ولی
من تلاشم می کنم و حقیقه که به آن مراحل

«بیاد شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند»

از صفحه ۳۱

تا نیل به پیروزی ببیمانیم. این
یگانه راه اصولی و انقلابی بزرگداشت
شهدای پرافتخار یازده اسفند و تمامی
شهدای گرانقدر و به خون خفته خلق
است.

جاودان باد خاطره شهدای پرافتخار
یازده اسفند

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون
خفته خلق

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه
رسیدن به آزادی است

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
به رهبری طبقه کارگر



جاودان باد خاطره کارل مارکس
اندیمند کبیر پرولتاریا،
نابغهای که همه زندگی خود را
وقف رهائی کارگران از یوغ
سرمایه نمود.



گرامی باد ۱۷ اسفند (۸ مارس)

روز جهانی زن

زنان،

در شرایطی که رگسود اقتصادی حاکم
بر سیستم سرمایه داری وابسته ایران
باعث اخراج های دسته جمعی کارگران،
افزایش فقر و فلاکت و بستم و اجساد در
جامعه مانده، با توجیه اسلام خواهی
جمهوری اسلامی پیش از همه آماج حمله
قرار گرفتند.

پس

توجهات جمهوری اسلامی برای تحقیر
و توهین زنان و تحمیل قید و بندهای
فئودالی بردست و پای آنان در خدمت
امپریالیسم و سرمایه داران وابسته قرار
دارد.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۱۷/اسفند/۱۳۶۸ (۸ مارس)



گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند)

روز جهانی مبارزه با استبداد زنان

مبارزه و زخمی کش

در برابر جهان

درود به زنان مبارز ایران که
هرگز تسلیم زورگوشی های رژیم
وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
نشده و دوشادوش مردان برای رهائی
از قید امپریالیسم و سگان زنجیریش
مبارزه میکنند.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۱۷/اسفند/۱۳۶۸ (۸ مارس)



اخبار و

گزارشهای خبری

به اصطلاح نماینده مردم سرخس و فریمان در مجلس شورای اسلامی خطاب به همپالگهای خود گفت: " مردم سرخس به لقمه نان خشک قناعت کرده اند ولی بعضی از آقایان که فکر می کنند این مشکلات را می توانند با سرکوب کردن مردم و ایجاد رعب و وحشت حل کنند، سخت در اشتباهند" او در طوسی این سخنان آشکار نمود که عده ای از اهالی زحمتکش سرخس که بدلیل شرایط و خامت بار زندگی خود لب به اعتراض گشوده و گفته اند " ما گرسنه ایم زمین میخواهیم، ما گرسنه ایم نان می خواهیم" توسط دادستان عمومی مشهد دستگیر و زندانی شده اند.

- در نامه دعاوی مالی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و حرکت های امریکائی که خارج از نادگاه لاهه مورد بررسی قرار می گیرد، رژیم مجبور به پرتلاش ۹۲ میلیون دلار غرامت به حرکت امریکائی فیلپس شده است. - در تاریخ ۱۲/۱۶ در شرایطی که نرخ تورم بنا به آمار رسمی به ۱۰۰٪ رسیده و فریاد اعتراض کارگران نسبت به شرایط فلاکت بار زندگی خود در همه جا طنین انداخته است، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی روزانه ۱۷ تومان به حداقل دستمزد کارگران اضافه نمود و به این ترتیب حداقل دستمزد کارگران به جای ۸۳ تومان، ۱۰۰ تومان تعیین شد.

- ظرف روزهای اسفند ماه نخست وزیر ترکیه در راس یک هیأت بلند پایه وارد تهران شد. در طی ملاقات های هیأت مزبور با سردمندان رژیم جمهوری اسلامی طرفین خواهان گسترش روابط خود در همه زمینه ها شدند و در زمینه مبادلات اقتصادی، پروتکلی را به امضاء رساندند. براین اساس مبادلات اقتصادی بین ایران و ترکیه ۱/۵ تا ۲ میلیارد دلار افزایش می یابد.

- در تاریخ ۱۳ اسفند رفسنجانی در جمع عسدهای از فرماندهان نیروی زمینی ارتش تاکید کرد که " ارتش حتی باید در زمان صلح پایدار هم ناخما در آموزش و حفظ آمادگی بسر ببرد و کشوری می تواند از حق خود دفاع کند که دارای قدرت باشد" او در حالی که در طول سالها میلیاردها دلار از درآمد مملکتی به کام ماشین جنگی و سرکوب رژیم ریخته شده و قبحخانه از سخنان خود صرف مبالغ بازم بیشتر برای قوای سرکوب و قرار دادن امکانات مختلف در اختیار نیروهای نظامی را نتیجه گرفت و گفت " این امر مارا وادار می کند تا بخشی از امکانات مادی، اقتصادی و انسانی کشور را صرف کسب قدرت نظامی بکنیم"

- رئیس سازمان عفو بین الملل " بهته دانی" اخیرا اعلام نمود که رژیم جمهوری اسلامی تنها در سال میلادی گذشته ۱۵۰۰ نفر را بدون محاکمه اعدام نموده است. - در طی ماه جاری رژیم به اعدام ۶۹ نفر دیگر تحت عنوان اضرار و قاچاقچی اعتراف نمود. مطابق گزارش دادستانی کل کشور ۳۹ تن از این تعداد در شهرهای گنبد، ملایر، شاهرود، تربیت جام، شیراز، قم، نهابور، سمنان، بوشهر، بم، گرمسار و گرگان در ملا عام بنار کشیده شدند. لازم به یاد آوری است که در سه ماهه اخیر حدود ۱۶۰ نفر به عنوان مختلف و به شیخ ترین وجهی نظیر سنگسار کردن زدن با شمشیر و به نار کشیده شدن و غیره از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ملا عام اعدام شده اند.

- در اثر بارندگی شدید سیل مهیبی بخشها و روستاهای شهرستان میناب را فراگرفت و خسارات فراوانی به توده های محروم این منطقه وارد ساخت. در اثر این سیل بیش از ۲۰۰۰ هکتار از زمینهای مزروعی دهقانان محروم این منطقه، ۱۰۰ حلقه چاه آب، ۵ هزار راس دام، یکصد هکتار باغ مرکبات و همچنین بسیاری از منازل مسکونی اهالی محروم این منطقه از بین رفت. هنوز تعداد کسانی که بر اثر این سیل مهیب و بدلیل فقدان امکانات و موانع جلوگیری از خطرات سیل قربانی شده اند، معلوم نیست. رادیسوی رژیم خسارت وارده به مردم را ۵۷۰ میلیون ریال ذکر کرد.

- در اثر شدت فقر و تنگدستی در برخی از نقاط ایران خانواده های تهی دست برای ۲ فرزند مدرسه روی خود تنها یک کفن تهیه می کنند، فرزندی که دانش آموز هیفت میسج است باید ظهر با عجله به خانه برگردد و کفن خود را به برادر یا خواهرش بدهد تا او بتواند به هیفت بعد از ظهر مدرسه برسد.

را در اردن بر علیه رژیم حاکم بر این کشوره بوجود آورد.

- در طی روزهای نیمه اول اسفند ماه در جریان مانور ظفر يك، مزدوران رژیم اقدام به دستگیری صدها تن تحت عنوان معتاد در سطح شهرها نمودند. در ضمن اعلام شد که ۴۰۰ تن از معتادان به اردوگاهی در آستارا تبعید شدند.

- دیوان ناوری لاهه رسیدگی به يك پرونده دیگر از موارد اختلاف مالی بین جمهوری اسلامی و شرکت های غارتگر امریکائی را که ظاهراً به نفع ایران بوده به تعویق انداخت. در این پرونده مشخص شده است که شرکت امریکائی سازنده بی سیم های نظامی محکوم به پرداخت ۶۶۰۰۰۰۰ دلار خسارت به ایران شده است. دیوان عالی لاهه بدلیل امتناع حرکت امپریالیستی مذکور از پرداخت این مبلغ و طرح این ادعا که ایران با متوقف ساختن پرداخت بهای تجهیزات دریافتی خود، قرار داد را نقض کرده از رسیدگی به این پرونده خودداری کرد.

- طبق اخبار منتشره چندی پیش کارخانه لیفتراک سازی تبریز که کارگران و کارکنان آن به ۵۵۵ نفر می رسد، شاهد اعتصاب غذای کارگران مبارز این کارخانه بود.

اعتصاب غذای کارگران زحمتکش این کارخانه در اعتراض به سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و از جمله کمبود حقوق صورت گرفت. اعتصاب پس از آنکه مدبر عامل وعده رسیدگی به خواسته های کارگران را ناد بعد از ۲ روز پایان یافت.

- در شرایط رشد روزافزون مبارزات توده ها و کفشدن مدن مبارزات به پهنه خیابانها، بحث در مجلس ضد خلقی شورای اسلامی بهرامون اثرات سیاست اهازی از توده ها و سرکشی کردن آنان جهت تامین هزینه های دولتی و جبران کسری بودجه و همچنین "حفظ امنیت اقتصادی و حیثیتی مردم" بالا گرفت. در این رابطه در تاریخ ۱۶ اسفند یکی از نمایندگان گفت: "دولتمردان هرچه زودتر باید نسبت به کاستن فشاری که فعلاً بر نواحی قشر نارای درآمد ثابت است و تدبیری بیاندیشند" و با تأورد که "برفکم گرسنه و عالم فقر هیچ تبلیغی و هیچ کار فرهنگی نتیجه مطلوب نمی دهد. دولت نباید به بهانه تامین هزینه ها بر فشارهای صنایع و صنعتی مثل عوارض شهرناریها و صدها چیز دیگر مرتب بیافزاید"

- امسال نیز تهیه حداقل سوخت مورد نیاز توده ها

- پس از گذشت بیش از یکسال از قطع شدن جنگ ارتجاعی و جنایت بار ایران و عراق، اخبار منتشره یکبار دیگر از ماملات اسلحه فیما بین رژیم جمهوری اسلامی و شرکت های امپریالیستی که از قبل این جنگ سودهای سرشاری بردنده برده بر میدارند. در این رابطه اخیراً فاش شد که يك حرکت بزرگ در اتریش در سالهای جنگ بین ایران و عراق مرتباً ساز و برگ جنگی در اختیار مزدوران جمهوری اسلامی قرار میداده است. از جمله در طی سالهای ۶۵ و ۶۶ این شرکت دو محموله بزرگ به ایران فرستاده است.

- با تداوم تظاهرات و اعتراضات توده ها رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در هراس از تعدید و وسعت یابی مبارزات مردم به استقرار پاسداران در نقاط حساس و اصلی تهران پرداخت. در این نقاط پاسداران اقدام به برپائی چاهرهای نموده و واحدهای مسلح خود با خودروهای مربوطه اشان را به طور شبانه روزی در آنجا مستقر ساختند. آنها در تمام مدت به تفتیش و بازرسی پرداخته و بویژه جوانان را مورد بازرسی قرار میدهند.

- آقا زاده رئیس تشکیلات قضائیه استان آذربایجان شرقی در واکنش به تظاهرات بی باکانه اخیر مردم مبارز تبریز بر علیه رژیم با عربده کشی اعلام کرد "با کسانی که بخواهند امنیت جامعه را مختل سازند، بعثت برخورد خواهد شد" و در خطاب به زنان آزاده به بهانه تاکید بر لزوم مبارزه با به اصطلاح بد حجابی گفت "با اینگونه افراد بعثت برخورد شده و هیچگونه اغماضی در این زمینه صورت نخواهد گرفت"

- در تاریخ ۲۰ اسفند يك هیأت ۲۰ نفره تحت نام فدراسیون سازمانهای اقتصادی ژاپن وارد تهران شدند. رئیس این هیأت در دیدار با ولایتی وزیر امور خارجه و آمادگی شرکت های امپریالیستی ژاپنی را جهت مشارکت در بازسازی و اجرای برنامه پنجساله رژیم اعلام نمود.

- اخیراً فاش شد که هیأتی از کارشناسان، بانک جهانی برای انجام بررسی هایی جهت اعطای وام به رژیم جمهوری اسلامی در تهران به سر میبرد. بدنبال این امر رفسنجانی ضمن اعلام بعضی تصمیمات مربوط به برنامه پنجساله آشکار ساخت که سوبسید بعضی کالاهای اساسی لغو خواهد شد لازم به یاد آوری است که یکی از شروط اعطای وام بانک جهانی به اردن در اوایل سال جاری لغو سوبسید چند کالای اساسی بود که بدنبال خود اعتراضات و تظاهرات گسترده توده های

چندی را درجهت احیای پیمان سنتو آغاز نموده‌اند. پیمان سنتو بمثابه يك پیمان نظامی و «امنیتی» در زمان شاه مزدور برای ایجاد هماهنگی های ضد انقلابی هرچه بیشتر بین رژیم های وابسته به امپریالیسم در سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان برای مقابله با نیروهای سیاسی - انقلابی و در جهت سرکوب هرچه گسترده تر توده های مبارز سه کشور بوجود آمده «سازمان همکاری های منطقه ای اکو» در رابطه با این پیمان و ظاهراً برای گسترش همکاری های اقتصادی فیما بین سه کشور ایجاد شده است.

- در چهار چوب تحکیم روابط و مناسبات ضد خلقی بین دیکتاتوریهای امپریالیستی در منطقه، دو رژیم وابسته به امپریالیسم ایران و پاکستان تلاشهای ضد خلقی جدیدی را برای هماهنگ کردن اقدامات سرکوبگرانه خویش بر علیه انقلابیون و خلقهای مبارز منطقه آغاز کرده اند. بر این اساس در طی ماههای اخیر هیات هایی از مزدوران دو کشور به دیدار یکدیگر شتافته و موافقت نامه ها و قراردادهای چندی که محتوای آنها را همدستی در سرکوب توده های مبارز ایران و پاکستان و بالخصوص فشار به نیروهای سیاسی انقلابی و مبارزین پناهنده ایرانی در پاکستان تشکیل می دهد، امضاء نمودند. در چهار چوب اهداف ضد خلقی فوق در روزهای اول ماه جاری رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان به همراه هیاتی به ایران آمده و با رفسنجانی دیدار و گفتگو نمود. رفسنجانی مزدور در این دیدار به همپالگی پاکستانی خود در مورد آمادگی جمهوری اسلامی برای توسعه همکاریها «در همه ابعاد» اطمینان داد.

یکی از معضلات را تشکیل می داد. از جمله توده های ستم دیده خلخال با سرمائی به میزان ۲۰ درجه زیر صفر در بیستم ماه حتی قادر به دریافت به موقع و مکفی حداقل سوخت بیشتر بینی شده کوبنهای دولتی نیز نشدند. در شهرهای سردسیر مرزی نظیر سردشت نیز با توجه به برودت هوا مردم از کمبود مواد سوختی در عذاب بوده اند. در این شهر هر بشکه نفت و گازوئیل بین ۱۰۰ تا ۸۰۰ تومان فروخته می شود. آقا زاده وزیر نفت در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی به تاریخ ۱۷ اسفند علت بروز مشکل در توزیع نفت سفید و گازوئیل را ناشی تحولات رومانی و آنریایجان شوروی ذکر نمود و اعلام داشت که از آنجا که فرآورده های نفتی مورد نیاز مناطق شمال کشور از طریق شوروی و مناطق جنوب از رومانی به ایران وارد می شود، بدلیل بروز حوادثی در این دو کشور امکان ارسال این فرآورده ها به ایران وجود نداشته است ...

- در تاریخ ۲۷ اسفند مردم تهران در خیابان جمال زاده شاهد انفجار مهیبی بودند که منجر به کشته و زخمی شدن يك عده ویرانی چندین آپارتمان، آسیب دیدن بیش از ۱۵ آپارتمان دیگر، انهدام چندین اتومبیل و ایجاد حریق در نقاطی از این منطقه گردید. رادیوی رژیم علت این واقعه انفجار را انفجار لوله های گازی عنوان نمود که کارگرانی در حال تعمیر آنها بودند. تعداد قربانیان این حادثه طبق آمار رسمی ۱۳ نفر بوده است.

“کوشش برای احیای پیمان سنتو ضد انقلابی سنتو”

“نکاتی از سمینار بازسازی اقتصادی”

در این سمینار که بمدت سه روز (۱۹-۲۱ - در مهرماه) بمنظور بررسی و ارزیابی اوضاع اقتصادی کشور تشکیل شد، هر يك از شرکت کنندگان با ذکر گوشه هایی از اوضاع و احوال بار اقتصاد وابسته ایران، به ارائه راه حل های پرداختند. ما در اینجا جهت اطلاع خوانندگان پیام فدائیس به برج نکاتی از سخنان آنها میاوریم.

محمد نوربخش، وزیر دارائی و اقتصاد: تنها وسیله تامین منابع مالی دولت، منابع ارزی و استقرار از بانک است و این امر موجب افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم می شود.

در پی گسترش همکاری های ضد انقلابی بین رژیم مزدور جمهوری اسلامی و رژیم های وابسته به امپریالیسم ترکیه و پاکستان بر علیه توده های ستم دیده و نیروهای انقلابی در هر سه کشور اخیراً در دیدار نخست وزیر ترکیه با رفسنجانی، طرفین بر ضرورت احیای همکاری سه جانبه بین ایران و ترکیه و پاکستان پای فشرده. در این رابطه نخست وزیر ترکیه ضمن آنکه خواستار احیای سازمان همکاری های منطقه ای «اکو» شد، ابراز امیدواری نمود که مجلس شورای اسلامی ایران موافق حقوقی در این راه را بر طرف نماید. ولی همکاری «سه جانبه» به همکاری در سازمان اکو محدود نبوده و بهمانگونه که در دید و بازدیدهای فرماندهان ارتش ایران و پاکستان از این دو کشور مشخص شده مقامات مزدور زیربط کوشش های عملی

بیکاری و فقره عقب ماندگی بیشتر کیفی و کمی تولید میشود و تداوم آن مدار شوم توسعه نیافتگی را شدت میبخشد.
۲۲ میلیون نفر در سال ۶۵ در یک یا دو اتاق زندگی می کردند و ۲۱/۵ میلیون نفر زیر سقف ۱۷۰ ریال هزینه روزانه .

۳۰۰ ۰۰۰ سرمایه گذاری در خدمات و ۲۰٪ آن صرف معارف کلاسی می شود و این ساختار اولین ریشه تورم است . ۰۰۰ اگر همه درآمد را در تولید صرف کنیم چیزی جز شکست عاید ما نخواهد شد. زیرا با این میزان درآمد کم ، سرمایه گذاری مقداری تقاضا ایجاد می کند که جوابگوی عرضه نیست و موجب تورم می شود.

جنایت دولت ضد خلقی قبرس در حق اوارگان ایرانی

دولت ضد خلقی قبرس که در همکاری با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بد طولانی دارد و در تیرماه سال گذشته ۱۱۸ تن از ایرانیان پناهنده مرکب از زن و مرد و کودک را که به این کشور پناهنده شده بودند، تحویل رژیم جمهوری اسلامی داده اخیرا دست به عمل جنایت کارانه دیگری زده و بسک زوج ایرانی همراه با فرزندان سه ساله شان را که به قصد عزیمت به سوئد به آن کشور رفته بودند دست بسته تحویل رژیم خون آشام جمهوری اسلامی داد.

زوج نامبرده از جمله میلیونها تن از توده های رنجکیده ایران بودند که با توجه به شرایط ترور و اختناق و اوضاع بسیار وخامت بار اقتصادی و اجتماعی که تحت سطره رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر جامعه ما حاکم گشته با تحمل رنج و معقت زیاد از کشور خارج و موقتاً در قبرس بسر میبردند. ولی دولت جنایتکار قبرس ضمن آنکه اجازه اقامت به آنان نرساند کفوررانداد از اعزام آنها به کشورهای پناهنده پذیر که حداقل مأمنی برایشان باشد نیز خودداری نمود. این زن و مرد بیگناهی که متوجه مقصود دولت ضد خلقی قبرس در تحویل آنان به رژیم ددمنشی جمهوری اسلامی شدند اقدام به خودکشی نمودند. ولی نه این اقدام و نه حال نزار و مریض آنان در اثر خودکشی باعث انصراف مزدوران قبرسی از عمل جنایت کارانه خود نشد و بالاخره در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری

بها* الدین نجفی استاد دانشگاه شیراز : افزایش واردات موجب افزایش قیمت ها و کاهش مصرف سرانه بوده است و این امر هشدار میدهد که در صورت عدم اتخاذ سیاستهای مناسب در آینده ، میبایست تمام ارز حاصل از منابع نفتی را صرف تهیه مواد غذایی از کشورهای خارجی کنیم .

مرتضی الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس : کشاورزی به شدت عقب رفته و خدمات افزایش یافته به همین دلیل علاقه به کسب تحصیل نیز کاهش زیادی داشته است . وقتی احساس می شود که پس از ۱۲ ، ۱۶ ، ۲۰ سال تحصیل ، سبزی فروش سرکوجه از او بیشتر پول درمی آورد ، تحصیل را کنار می گذارد . ۰۰۰ در سال ۱۳۶۶ دو میلیون و سیصد هزار تن حقوق بگیر دولتی و خصوصی داشته ایم که این رقم نسبت به اول انقلاب هرسال ۶/۹٪ افزایش داشته است .

نعمت زاده وزیر صنایع : برجامه ما تولید و صنعت جای خود را به " تجارت " و دلال بازی داده است . زیرا بسا مقرراتی که همه ضد تولید است نمی توان تولید را در کشور محور برنامه ریزی قرار داد . ۲/۵ میلیارد دلار فقط برای ورود کاغذ در برنامه پنجساله در نظر گرفته شده است ، درحالی که فراهم آوردن تجهیزات کارخانه کاغذ سازی فقط به ۵۰۰ میلیون دلار نیازمند است .

عظیمی رئیس دفتر آموزش سازمان برنامه و بودجه : تولید ناخالص ما در سال ۱۳۶۷ معادل تولید ناخالص سالهای ۵۲ و ۵۳ است . یعنی ۱۶ سال به عقب رفته ایم . بازدهی سرانه تولید سال ۶۷ برابر سال ۴۷ است . در واقع ۲۱ سال به عقب رفته ایم بازدهی سرانه نیروی کار در سال ۶۷ برابر با بازدهی سرانه نیروی کار در سال ۱۳۴۸ یعنی ۲۰ سال پیش از این بوده است . ۰۰۰ مادوگونه وابستگی داریم . الف : وابستگی آشکار که با ارز خود کالاهای خارجی را میخریم ب : وابستگی پنهان که با خرید کالاهای خارجی تولید داخلی را از بین میبریم . بنا بر این هر مقدار ارز بیشتر داشته باشیم بیشتر وابسته می شویم . ۰۰۰ در کتاب برنامه در سال ۱۳۶۷ آمده است که ۴۳٪ از جمعیت ما بیکار و کم کار هستند و با نفتی در تولید ندارند و به مفهوم اقتصادی ۵/۸ میلیون نفر بیکار هستند و هر نفر شاغل باید ۶/۷ نفر را تأمین کند . در کشورهای پیشرفته این رقم برابر با ۲/۲ است . عدم تحرك در تولید موجب کاهش نسبی سرمایه ، افزایش

را مورد یورش و حمله قرار دادند و ضمن آزار و اذیت دکانداران و کاروانچیان، به تفتیش منازل و اموال روستائیان پرداختند.

- روستائیان مبارز روستای دهنه واقع در منطقه گله سین در يك اقدام مبارزاتی فرمانده ضد خلقی پایگاه مستقر در این روستا و همراهانش را در حین تفتیش منازل و اموال اهالی روستای دهنه مورد تعرض قرار داده و چند تن از این مزدوران را زخمی نمودند. این اقدام از طرف توده‌هایی صورت گرفت که جانان از مظالم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به لب رسیده و ناپام مسورد آزار و اذیت فرمانده پایگاه مستقر در این روستا قرار دارند. - امام جمعه منفور سردشت در مراسم نماز جمعه روز دهم اسفند ضمن ندخوار اراجیف دیگر سران و کارگزاران رژیم به هدف ایجاد تفرقه و جدائی فیما بین مردم ستمدیده کردستان با فرزندان انقلابیان، مومنان مردم را از همکاری با بقول وی "شادانقلاب" که در فرهنگ جمهوری اسلامی به نیروهای مبارز و انقلابی اطلاق می‌شود، برحذر داشته و در مورد گسترش مقاومت توده‌های خلق کرد در مقابل قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم و قبحانه اخطار کرد که "برپائی مجلس جشن و عروسی و عملی است ضد اسلامی و مردم کردستان نباید به این امور بپردازند."

- در روز ۱۲ اسفند ایادی رژیم در شهرناری مرسیون به بهانه اینکه زمین برخی از خانه‌های ساخته شده در این محل جز "راضی شهرست" مبادرت به تفت نمودن ۲ بساط خانه توده‌های ستمکشیده این شهر نمودند. ولی توده‌های آگاه این محله شب بعد از این واقعه سجدنا به ساختن خانه در آن محل اقدام کردند.

- مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در هراس از گسترش تظاهرات توده‌های رزمنده کردستان بر علیه رژیم و جهت تشدید فضای رعب و وحشت در شهرهای کردستان بر تعداد گشتیهای سرکوب خود افزوده‌اند. مطابق گزارشات دریافتی در شهرهای مهاباده، نقده و سنندج با افزایش تعداد پاسداران و دیگر نیروهای مسلح ضد خلقی، مسزودوران به تفتیش و بازرسی بدنی مردم می‌پردازند. بخصوص تمرکز نیروهای سرکوب در میدان‌ها و خیابانهای اصلی شهر و مناطقی که طی هفته‌های اخیر مکانهای برپائی تظاهرات اعتراضات متهورانه توده‌ها بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بوده است، بیشتر می‌باشد.



- در آستانه یازدهمین سال بقدرت رسیدن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، کارگزاران رژیم در شهر سردشت به تکاپو برای جمع آوری اهالی منطقه جهت شرکت در يك مراسم نمایشی نموده و به روستائیان این منطقه ضمن تهدید، اخطار کردند که باید در آن مراسم شرکت نمایند و ولی علمبرغم این تمهیدات توده‌های مبارز روستائی از شرکت در مراسم رژیم خودداری کرده و به این ترتیب تنفروانینجار خویش را نسبت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ابراز نمودند. - طی روزهای آخر بهمن ماه، بهمن سنگینی از کوههای رنگال دوال سردشت ریزش نموده و باعث آن شد که ۱۲۰ تن از اهالی روستاهای نرمان آوه، سورجام، سوئی بان و ناربی در زیر آوار مدفون شوند. آخرین خبر در این رابطه حاکی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هیچگونه کمتکی به اهالی این روستاها بوی بهرون آوردن مدفون شدگان در زیر بهمن، بمنظور نجات جان آنان بعمل نیاورده و روستائیان خود با کمترین امکانات و وسایل به این کار مبادرت نموده‌اند. - در تقاوم سیاست تسلیم اجباری مردم ستمکش کردستان و وادار کردن آنان به نگهبانی از پایگاههای رژیم مزدوران جمهوری اسلامی از اهالی زحمتکش روستاهای قارنجه بزرگ و قلاغ رسول سیده، حاجی لك سرچناره، ده کلا کوهان، قیای کندی خواسته‌اند که از هر روستا ۵ نفر به حراست شبانه از پایگاه رژیم در آن روستا بپردازند. مزدوران رژیم همین درخواست را از اهالی روستاهای تم قلعه، نارلك، لچ و ایخترقانی نیز منتها به تعداد ۱۲ نفر مطرح نموده و آنها را تهدید کرده‌اند که چنانچه به خواستمان گردن ننهیدند، آنها را وادار به کوچ اجباری به نقاط دیگر خواهند کرد.

- در چهارچوب سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان روز چهارم ماه جاری سرکوبگران گردان جوانی، مستقر در کانی زرد سردشت و اهالی زحمتکش روستاهای آخه دهنه، بانیره، مره، پسی ناره و پاش قبران





مکزیک - ۲ فوریه (۱۳ بهمن) فرمکزیکوستی ۸۰۰ کارگر کمپانی فورد برای ۱۲ درصد افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. کمپانی فورد پس از این اعتصاب اعلام کرد که چنانچه اعتصاب کارگران بیش از یک روز به طول انجامد، تمامی آنها را بیرون خواهد کرد.

آرژانتین - ۵ مارس (۱۴ اسفند) برای حل بحران اقتصادی موجود در آرژانتین دولت وابسته به امپریالیسم حاکم بر این کشور طرح جدیدی ارائه داده و مدعی حل بحران با اجرای این طرح شده است. طرح مزبور شامل موارد زیر می باشد.

- افزایش مالیات تا ۶۰۰ میلیون دلار

- حذف ۵۶ بخش از وزارت خانه ها

- کاهش بخش های کوچک وزارت خانه ها از ۱۱۲ به ۳۲

- افزایش قیمت بنزین تا ۱۲۴ درصد

لازم به یادآوری است که در ماه ژانویه قیمت اجناس ۸۰٪ و در ماه فوریه صد درصد افزایش یافته است.

السالوادور - ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن) در این روز نیروی هوایی دولت ضد خلقی السالوادور یکی از مناطق فقیرترین شهر سان سالوادور را بمباران کردند. طی این بمباران ۶ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند. دولت السالوادور علت این اقدام جنایتکارانه را وجود یکی از پایگاه های جریک های جبهه فارابوندمارتی در این منطقه ذکر نمود. اما طبق گزارشات خود دولت معلوم شد که چنان ادعائی کذب محض بوده و هیچ اثری از جریک ها در این محله نبوده است.

گواتمالا - روز یکشنبه ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) نیروهای مسلح دولت گواتمالا جسد به نار آورخته شده یک زمیندار بزرگ آمریکا را در مزرعه خویش در نزدیکی گواتمالایتی یافتند. نیروهای مسلح بلافاصله کارگران گواتمالائی را که برای این امریکائی کار می کردند، دستگیر و روانه زندان نمودند.

"گسترش مبارزات انقلابی در پرو و هراس امپریالیسم آمریکا از آن"

عملیات مسلحانه بر علیه مزدوران و سرسپردگان به رژیم وابسته به امپریالیسم گارسیا در پرو همچنان ادامه دارد. از جمله در روز ۲۶ ژانویه (۱ بهمن) جریک های حزب کمونیست

ونزوئلا - ۲۳ فوریه (۴ اسفند) - تورم بسیار بالا و شرایط وخامت باری که بدلیل وابستگی اقتصاد این کشور به امپریالیسم و غری بودن آن در بحرانی عمده بر زندگی توده ها مستولی گشته، باعث گردید که مردم مبارز نو شهر بارسلونا و پور تالاکروز تیر اعتراض به اوضاع وخیم زندگی خود به خیابانها بریزند. در این اقدام توده های معترض به مبارزه ها حمله کرده و اجناس مورد احتیاج خود را از آن مغازه ها مناسره نمودند. در ۹ شهر دیگر نیز تظاهراتی علیه دولت صورت گرفته که توسط کنفدراسیون کارگران ونزوئلا (آی سی) سازماندهی شده است. در ضمن لازم به یادآوری است که بنا به گزارش این کنفدراسیون در عرض ۲ ماه گذشته ۶۰ هزار کارگر در این کشور از کار خود اخراج و بیکار شده اند. خبر دیگری حاکی از تظاهرات دانشجویان در بزرگترین دانشگاه ونزوئلا است که طی آن پلیس به تظاهر کنندگانی که صورت خود را با ماسک پوشانده بودند حمله کرده و باعث مجروح شدن چندین نفر شد. پس از آن چند نفر از تظاهر کنندگان نیز که مسلح بودند به پلیس حمله نمودند.

شیلی - ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) ۴۹ جریک متعلق به یک گروه انقلابی بنام "جبهه میهن پرستان مائوئیست روبریگو" که از سال ۱۹۸۶ به اتهام وارد کردن ۳۰ تن اسلحه، موبک بازوکا و نارنجک به شیلی و سوء قصد به جان پنهوشه، دیکتا تورجلاد شیلی در زندان بسر می بردند، با حفر یک تونل ۲۵ متری در زیر بند خود از زندان گریختند. ساختن این تونل بمسدت یکسال توسط ۲ نفر صورت گرفت. این تونل حتی مجهز به سیستم تهویه مطبوع نیز بود.

شیلی - اول فوریه (۱۲ بهمن) بدنبال فرار ۴۹ جریک از زندانی در شیلی که بر محافظ ترین زندان این کشور شمرده میشود تضاد در کابینه جدید دولت مزدور تسازه روی کار آمده شیلی عدت گرفته و باعث استعفای رئیس زندانهای شیلی شد.

تجهیزات نظامی از جمله هواپیماها و جت‌ها، تپه شبکه رادار و فراهم آوردن ساز و برگ نظامی ۶ هنگ نیروهای مسلح پرو که در مناطق بلند کوه‌های هوالاگا (محل فعالیت مبارزاتی چریک‌ها راه‌درختان) بر علیه نیروهای انقلابی می‌جنگند را به عهده گرفته‌است. در عین حال از بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در امریکای جنوبی که تحت عنوان "رهبری جنوبی" در پاناما مستقر می‌باشد، متخصصینی به پرو آمده و به سربازان تعلیم می‌دهند. یک نیروی ویژه نیز بنام "نیروی ویژه جنگل" تعلیم داده خواهد شد.

در توجیه کمک‌های مالی و نظامی به تدریج دولت امپریالیستی آمریکا به رژیم مزدور دست نشانده خود نیروی یکی از مقامات امریکائی اظهار داشت که اگر آمریکا از پرو می‌خواهد که برای مبارزه با مواد مخدر به او کمک کند در عوض آمریکا باید برای مبارزه علیه چریک‌های حزب کمونیست پرو به دولت این کشور کمک کند. با اینحال دیگر مقامات دولت آمریکا در تبلیغات خود می‌گویند کمک‌های نظامی دولت آمریکا به رژیم مزدور گارسیا را صرفاً بدلیل کمک به مبارزه این رژیم با قاچاقچیان مواد مخدر جا بزنند. آنها می‌گویند از آنجا که هم قاچاق فروشان مواد مخدر و هم چریک‌های حزب کمونیست هر دو در مناطق بلند هوالاگا فعالیت دارند، حرکت اصلی ما نیز در این مناطق خواهد بود. ولی باید به دولت پرو قبولاند که از نیروهای آمریکا بعنوان کمک در زمینه مبارزه علیه مواد مخدر استفاده کند تا جای شبهه‌ای نباشد که آمریکا به جنگ ضد چریکی پرو کمک می‌کند. ولی اخیراً یک مقام پرویسی طی سخنانی پته این اظهارات ریاکارانه مزدوران امریکائی را روی آب ریخته و با تأکید به اینکه تنها در سال ۱۹۸۹ تا ۳۲۰۰ نفر در جنگ فیما بین چریک‌ها و نیروهای دولتی کشته شده‌اند، گفت: اینکه آمریکا حتی در مورد محافظت منطقه به ما کمک می‌کند، بواقع خیلی زیاد به مبارزه علیه چریک‌ها کمک کرده است. این امر حداقل باعث عدم تعادل به ضرر آنها می‌شود یکی از دلایلی که آمریکا کمک‌های نظامی خویش جهت تقویت رژیم دست نشانده‌اش در مقابل قدرت انقلابی مبارزین چریک را تحت عنوان کمک نظامی علیه مواد مخدر به دولت مزدور پرو تحویل می‌دهد، اینست که در این صورت از یکطرف دولت پرو مجبور به پرداخت ما به ازای ایمن کمک‌ها به دولت آمریکا نخواهد شد و از طرف دیگر برای کنگره آمریکا نیز جهت تصویب کمک‌های نظامی جدید

پرو (راه‌درختان) طی یک حمله غافلگیرانه به خانه مشول آزانی رسد و بازسازی، او را با دو گلوله در مغز به لاکست رساندند. در طی ۵ روز این تهمین مقام وابسته به رژیم پرو بود که توسط نیروهای مسلح راه‌درختان به سزای اعمال ضد خلقی خود رسید. همچنین باید از عملیات بمب‌گذاری چریک‌های راه‌درختان در سفارتخانه‌های پاناما و آمریکا نام برد که منجر به مجروح شدن چند تن از مزدوران مستقر در ایمن سفارتخانه‌ها شد. در عین حال نیروهای مسلح "راه‌درختان" در اوائل ماه جاری (۳ فوریه) به چند پایگاه نظامی دولتی واقع در بلندبهای کوه‌های اندی حمله کرده و طی نبرد عسکری که بین نیروهای مزدور دولتی و چریک‌های راه‌درختان پیش آمده چریک‌ها موفق به کشتن ۵۰ تن از نیروهای دشمن و مجروح کردن تعدادی از آنها شدند.

از طرف دیگر مبارزات توده‌ای به اشکال مختلف در پسر و جریان دارد. از نمونه برجسته این مبارزات مربوط به یک اعتصاب همگانی است که از روز ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) کارگران بسیاری از کارخانجات و همچنین کارمندان اداری به آن دست زدند. در این اعتصاب کارگران ساختمان و حتی کارگران مرده مورخانه‌ها نیز شرکت داشتند و همچنین از ملوانان گرفته تا کارکنان زندانها در این اعتصاب شرکت نمودند. در عین حال "کنفدراسیون کارپرو" از بزرگترین اتحادیه‌های کارگران معدن در تاریخ مذکور ۳ روز اعلام اعتصاب نمود.

غرق بودن اقتصاد وابسته به امپریالیسم پرو در بحرانی شدید در حالیکه تورم به ۲۷۷۵ درصد در این کشور رسیده است و تأثیرات این امر در رشد و اوج گیری مبارزات توده‌های تحت ستم پرو در شرایطی که یک جنبش مسلحانه که دارای پشتیبانی توده‌های ست در این کشور جریان دارد (جنبشی که در آن نیروهای انقلابی مسلح موفق به آزاد سازی مناطقی از کشور گشته‌اند) موجب وحدت و هراس روز افزون نه تنها رژیم مزدور گارسیا بلکه اربابان امپریالیست او شده است. بر این اساس اخیراً کنگره آمریکا اعطای کمک‌های نظامی هزینه بیشتری را به دولت مزدور پرو تصویب کرد و در ابتدا ۳۶/۵ میلیون دلار کمک نظامی در اختیار آن دولت قرار داد. ۳۵ میلیون دلار دیگر در اکتبر ۱۹۹۰ به پرو داده خواهد شد. همچنین دولت امپریالیستی آمریکا مسئولیت مالی نیرومندتر کردن نیروی دریائی (رودخانه‌ای) و تعمیر

رئیس جمهوری اسبق آمریکا که در دوران ریاست جمهوری وی مصر و اسرائیل به امضا * پیمان ننگین و خائنه کمپ دیوید مبارت نمودند به خاورمیانه سفر کرد و طی يك کنفرانس خبری در فاهره بیرامون تغییر و تحولات در هیئت حاکمه اسرائیل اعلام نمود که به باور وی يك دولت لیکود و يك دولت کارگر بمراتب بیشتر از يك دولت ائتلافی خواهد توانست روند صلح را در خاورمیانه میان فلسطینیان و اسرائیل پیش ببرد. جیمی کارتر همچنین طی دیدار با مبارک رئیس جمهور مصر که از طرفداران طرح صلح امیرالیم آمریکا و "حزب کارگر" اسرائیل می باشد اعلام داشت که نزاع در خاورمیانه نیمی از راه را طی کرده و باید اقدامات لازم برای بيمونن باقی این راه به عمل آید.

افریقای جنوبی - نلسون مندلایس از آزادی از زندان، در يك سخنرانی در رابطه با شرایط افریقای جنوبی گفت: "کنگره ملی افریقا" بدنبال راه حلی است که هم برای سیاهان و هم برای سفیدپوستان مفید باشد" وی از سفیدپوستان بخاطر اینکه "به آباد شدن کشور کمک کرده اند" قدر دانی نموده و از آنها خواست که احساس امنیت نمایند و تاکید نمود که ما حاضریم در رابطه با پیوستن کردن راه حلی صلح آمیز با سفیدپوستان برسر میز مذاکره بنشینیم.

گفته میشود در بین نیروهای "کنگره ملی" در رابطه با چگونگی برخورد به دولت نژاد پرست افریقای جنوبی دو نظر وجود دارد، گروهی که شامل مندلایس تمبو (رهبر اصلی "کنگره ملی") کمیته سه نفره (بدلیل مریضی تمبو در حال حاضر رهبری کنگره ملی افریقا را بدست گرفته اند) می شود خواهان مذاکره با دولت و "همزیستی مسالمت آمیز" با آن هستند و گروهی دیگر مخالفت مذاکره و طرفدار تداوم مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم آپارتاید می باشند. در خارج از "کنگره ملی افریقا"، "جنبش آگاهانه سیاهان زولو" و "کنگره بان افریقائی" نیز طرفدار مبارزه بر علیه دولت هستند.

اتیوپی - ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) "جبهه رهاییبخش خلق اریتره" اعلام کرد که طی يك درگیری گسترده با نیروهای دولتی مدعا تن از آنان را کشته و مدعا تن دیگر را مجروح ساخته است. از طرف دیگر "جبهه رهاییبخش خلق تیگره" نیز که در منطقه "وولو" (Wollo) علیه دولت ضد خلقی اتیوپی میجنگند، اعلام نمود که در طی نبردی مسلحانه ۱۸۰۰ نفر از

مشکلاتی بوجود نخواهد آمد. در این رابطه چند گواهی برای رعایت "حقوق بشر" و بهرفت در جنگ "علیه مواد مخدر" کافی خواهد بود!! * * *

فلسطین - در اوایل اسفند ماه، "سازمان آزادی بخش فلسطین" در چار چوب تدارک جهت دیدار مستقیم با مقامات دولت اسرائیل، با سران رژیم مصر، حول ترکیب هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در این دیدار، به توافق رسیدند. همچنین بیرامون دستور کار اجلاس صلح بین سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل نیز که قرار است بعد از مقدمات لازم در مصر برگزار گردد، توافق حاصل شد. در پی این امر یاسر عرفات برای اولین بار پیام ویژه ای را به کنفرانس سیاسی مرکب از مقامات اسرائیلی که در اورشلیم برگزار شده بوده ارسال داشت و طی آن ضمن برحق شمردن بازگشت فلسطینیان به موطن خویش پس از تشکیل يك کسور فلسطینی، از مقامات اسرائیل خواست که جهت هموار ساختن راه برای برگزاری کنفرانس بین المللی صلح در خاورمیانه و حل مسئله فلسطین بکوشند. یاسر عرفات در پیام خود به کنفرانس مزبور افزوده است که "طرفین باید در این راه در جهت ایجاد فضای اعتماد و ایمان به یکدیگر گام بردارند".

اسرائیل - در اوایل اسفند ماه اعلام شد که "حزب کارگر" اسرائیل، حزب رقیب خود در دولت ائتلافی اسرائیل را مورد تهدید قرار داده که اگر تا دو هفته آینده فرمول پیشنهادی آمریکا، مصر و "حزب کارگر" بیرامون گشودن باب گفتگو با نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین را نپذیرده از دولت ائتلافی اسرائیل استعفا خواهد داد. بدنبال شدت گیری اختلافات، سرانجام اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل که از سران حزب لیکود می باشد، در اجلاس روز بیست و نهم اسفند ماه کابینه اسرائیل، شیمون پسرز وزیر دارائی و معاون نخست وزیری و رهبر "حزب کارگر" را از کار برکنار نمود. در پی عزل شیمون پسرز سایر اعضای کابینه نیز که وابسته به "حزب کارگر" بودند از سمتهای خود استعفا دادند. همچنین در پارلمان اسرائیل (کنست) نمایندگان حزب کارگر که تعداد آنها برابر با نمایندگان حزب لیکود بوده، به دولت رای عدم اعتماد داد و بدین وسیله موجب سقوط آن شدند.

شایان توجه است که در همین اثناء جیمی کارتر

سازماندهندگان این تظاهرات، «جبهه متحد کارگران روسیه» (United Front of Workers of Russia) بود. تظاهرکنندگان ضمن اعلام این امر که «گورباچف طبقه کارگر را فراموش و به ثروتمندان توجه میکند» به سیاست گسترش موسیقی مبتذل غربی، توهین به انقلابیون و قهرمانان شوروی و بطور مشخص توهین به انقلابیون بلشویک و آنها که در جنگ جهانی دوم دست به بنای سوسیالیسم زدند، اعتراض نموده و اظهار داشتند که هر چه رابطه شوروی با آمریکا بهتر میشود، وضع مردم شوروی بیشتر رو به وخامت میرود. آنها گفتند که از گورباچف برای خرابی پاسخ میخواهیم.

- (۱۹ فوریه) دهها هزار نفر از مردم تاجیکستان در اعتراض به شرایط بد زندگی و افزایش قیمت اجناس دست به تظاهرات گستردهای زدند.

نیروهای مسلح دولت کشته و ۲۵۰۰ تن از آنها مجروح و ۱۰۰۰ نفر نیز توسط نیروهای این جبهه دستگیر شدند.

سومالی - دولت جنایتکار این کشور در طی اقدامات ضد خلقی خود بر علیه نیروهای چریکی در طی چند ماه اخیر ۵۰ هزار نفر از مردم را قتل عام نموده است.

یونان - ۲۶ ژانویه (۶ بهمن) در اثر یک اعتصاب ۲۴ ساعته که ۱/۲ میلیون کارگر یونانی بخاطر افزایش دستمزد در آن شرکت جستند، روال عادی بسیاری از امور در این کشور بحال تعلیق درآمد.

شوروی - مسکو، طبق گزارشی آسوشیتدپرس دهها هزار نفر از ملیتهای مختلف در شوروی در اعتراض به سیاستهای گورباچف و همکاری او با آمریکا دست به تظاهرات زدند. از زمره



کمکهای مالی

هلند

- فرهاد یک - اترخت ۱۰۰ فلورن
- پ موسی - رتردام ۱۰۰ فلورن
- رادبو چریکها - شیمخن ۵۰ فلورن
- پیام فدائی - آمستردام ۵۰ فلورن
- یویان - دلفت ۵۰ فلورن
- کژال - لاهه ۵۰ فلورن
- رفیق مادر - رتردام ۵۰ فلورن
- داداشی - رتردام ۵۰ فلورن
- صمدبهرنگی - آمستردام ۵۰ فلورن
- دانشیان - دلفت ۵۰ فلورن

آلمان

- ۱۹ بهمن ۲۵۰ مارک
- نامه ۱۰ مارک

سویز

- ح ۱۲۰ پوند
- ن ۲۰ پوند

دانمارک

- بهوش آذریان ۵۰۰ کرون

کردستان

- اکبر ۸۰۰۰ تومان

- در اول فوریه کنگره آمریکا پیشنهاد جرج بوش را که خواستار ۲ میلیون دلار برای ترمیم اتاقهای کاخ سفید گشته بود، پذیرفت. اختصاص این مبلغ کلان برای منظور فوق در شرایطی است که حدود ۶ میلیون نفر در سراسر آمریکا از داشتن خانه محروم بوده و ۲۵ میلیون نفر دیگر نیز در آستانه بیخانمان شدن قرار دارند.



دولت آمریکا پس از آزمایش کردن این آلونک هارسا آن را بعنوان منزل بی خانمانهای آمریکا تعیین کرده است.

The PortaSleeper is being tested in Phoenix, Ariz.

صنعتی و تولیدی بوده‌اند تحت عنوان "علم نیاز" از محل کار خود اخراج شده‌اند.

- رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع جمهوری اسلامی در يك صحابه رادیو - تلویزیونی برنامه جاری اعتراف کرد که: در طول ده سال گذشته يك میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار از جنگلهای کشور نابود شده است. لازم به یادآوری است که در سال جاری فقط در سطح ۲۸ هزار هکتار از اراضی کشور جنگل کاری شده که ۶ هزار هکتار آن با همکاری مردم بوده است. در ضمن طبق گفته این مزدور تهران به‌منوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان، نیاز به ۴۸ هزار هکتار فضای سبز دارد.

- تولید ناخالص داخلی سرانه کشور نسبت به ده سال قبل به قیمت ثابت به نصف تقلیل یافته.

همچنین تراش رعد و ترمیمی بحران اقتصادی سرمایه‌داری جهانی وانحکاسات بلاواسطه آن بر اقتصاد وابسته کشورها، اقسام سرمایه‌گذاریهایی ثابت در رشته‌های مختلف نسبت به ده سال قبل به کمتر از یک نزول کرده است. سرمایه‌گذاری در رشته‌هایی نظیر برق، صنعت و معدن و صنایع سنگین به یک تا یک‌پنجم سرمایه‌گذاریهایی ده سال پیش رسیده است. در همین حال قیمت رمال نیز تا یک‌پنجم و پیله‌های مختلف سقوط کرده است.

- روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ ۱۰ اسفند تعداد پاسداران کشته شده در جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ۸۰ هزار نفر قید نمود. مطابق آمار رژیم تعداد بسیجیان کشته شده نیز در جنگ ۶۰ هزار نفر بوده است.

جنایت دولت ضد خلقی قبرس ...

از صفحه ۴۰

اسلامی هر روز به اقدامات سرکوبگرانه خود در حق توده‌ها ابعاد تازه‌ای بخشد و کوس رسوائی فجایع ننگینی که بدست این رژیم آفریده شده در همه جاذبه‌ها انداز است. روح ایرانی و فرزندان سه ساله شان تحویل جلاخان جمهوری اسلامی داده شده. امری که ناخ‌تنگ دیگری بر پهنائی یکی دیگر از رژیمهای مزدور امپریالیسم یعنی رژیم قبرس می‌کوبد.

مرگ بر رژیمهای ضد خلقی حاکم بر ایران و قبرس و نابود باد همکاری جنایت‌بار این دو رژیم



ایران از دریچه آمار

- در حالیکه رژیم از اجزای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در روستاها و شهرهای میهنمان به هزینه دولت ناد سخن می‌دهد و در شرایط سطره فقر و فلاکت بیحد بر زندگی توده‌های زحمتکش روستائی در طی ماه جاری مزدوران جمهوری اسلامی، از مردم روستای "غدعه جان" از توابع تبریز ۳ میلیون تومان تحت عنوان مخارج احداث منبع آب و ۱/۵ میلیون تومان بعنوان هزینه انقباض و اغازی نمودند. همچنین مبلغ يك میلیون و ۲۰۰ هزار ریال از مردم روستای آقا قاسم از توابع مشکین شهر به جهت ساختن حمام اخذ کرده‌اند.

- مطابق آمار دولتی تعداد بیکاران در استان خوزستان به ۱۵۰ هزار نفر بالغ گفته است.

- اخیراً رژیم بهر از ۲۵۰۰ راس گاو از کانادا خریداری نموده است. بنا به اعتراف رئیس سازمان دامپروری در سال گذشته نیز رژیم ۱۵۰۰ راس گاو از دولت کانادا خریده بود. در حالیکه در برنامه رژیم جهت طرحهای عمرانی در سال ۶۹ فقط ۲۲۰ میلیون تومان اختصاص نده شده. رژیم سرکوبگر جهت تجهیز و مدرنیزه کردن ارگانهای مسلح خویش ۱۰ میلیارد دلار اختصاص داده است.

- بر طبق برخی از آمارهای ترونی رژیم، تعداد معتادین در شهر باختران از حدود ۶۰ هزار نفر در سال ۶۳ به ۸۲ هزار نفر در سال ۶۵ افزایش یافت. این رقم در سال ۶۸ یعنی حدود یکسال پس از آغاز دور جدید به اصطلاح مبارزه رژیم با قاچاق مواد مخدر و ریشه کن سازی اعتیاد به بیسی از ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. تنها تریکی از مدارس شهر بنام مدرسه جلال‌آل احمد بهی از ۲۰ نفر آموز معتاد وجود دارد. - در مدرسه فرهنگ و ادب هرسین از ۴۰۰ نفر دانش‌آموز ۱۰۰ نفر آنان معتاد به مواد مخدر می‌باشند.

- مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی خوزستان با اذعان به اعمال ضدکارگری سرمایه‌داران وابسته در اخراج بدون مسئولیت کارگران اعلام کرد که تنها در سه ماهه اول سال جاری ۱۲۲۸ نفر از کارگران که در استخدام رسمی واحدهای

نگاهی به اوضاع مشقت بار کارگران در "تولیدارو"

نگاهی به وضع کارگران و شرایط کارآنان در "تولیدارو" بمثابه يك موسسه سرمایه داری نشانگر گوشه کوچکی از بارستم و مطالبی است که در جامعه تحت سلطه ما به کارگران وارد می شود. جامعه ای که در آن هیچ قانون معتبری برای دفاع از حقوق کارگران وجود ندارد، جامعه ای که دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر آن مانع از تضمین کمترین حقی برای آنان می باشد. جامعه ای که بواقع باید گفت کارگران مادران در بی حقوقی کامل بسر می برند.

کارخانه "تولیدارو" واقع در جاده مخصوص کسرج سازنده انواع نارو نظیر قرص، غربت، قطره، کیسول، پودر و غیره می باشد. این کارخانه که در اساس توسط سرمایه داران آمریکائی تاسیس گشته و تا قبل از سال ۵۷ (مقطع قیام توده ها بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه) توسط آنان اداره می گشت، هم اکنون تحت نظارت "منابع ملی" قرار دارد. کارگران این کارخانه که اکثر آنان از زنان تشکیل شده (۱)، به دو گروه تقسیم می شوند. کارگران ساده و کارگران مابین کار. بخش های متفاوت کار عبارتست از: قسمت جامدات که تولید انواع پودر، کیسول، قرص و را در بر می گیرد. قسمت مایعات که شامل تولید انواع غربت و قطره های ناروئی است و بالاخره قسمت های چسک و بسته بندی و آزمایشگاه و کارگاه فنی. در این قسمت ها کارگران طبق برنامه مندرجیت بدلیلی که در زیر توضیح داده خواهد شد بطور چرخشی کار می کنند و هیچگاه در يك بخش بطور ثابت بکار نمی پردازند.

ساعت شروع کار ظاهراً هفت و سی دقیقه صبح می باشد ولی کارتها در ساعت هفت و بیست دقیقه ساعت زده می شوند. بنابراین کارگران عملاً از ساعت ۷:۱۰ شروع بکار می نمایند آنها معمولاً ساعت ۷ صبح وارد کارخانه می شوند. در فاصله

۲۰ دقیقه به آماده کردن خود و خوردن صبحانه که اغلب فقط يك چای تلخ می باشد می پردازند. در این میان زنان کارگری که دارای فرزند خردسال هستند و بالا جبار هر روز باید فرزند خود را به مهد کودک کارخانه ببرند همواره با مشکل کمبود وقت مواجه می باشند ولی صاحبان کارخانه بدون توجه به این امر و اختصاص زمانی برای تحویل کودکان به مهد کودک، هرماه به نسبت مدت زمانی که کارت مادران با تاخیر ساعت زده شده از حقوق آنان کسر می نمایند. حال نکته قابل توجه اینست که مکانی که کودکان کارگران در آنجا نگهداری می شوند هم، تنها اسما مهد کودک شمرده می شود و الا این مکان فاقد مربی کودک، امکانات تربیتی و حتی غذای مکفی برای کودکان می باشد. مادران در طی روز تنها یکبار فرصت می یابند که به کودکان خویش سر بزنند و آن فرصت ۴۵ دقیقه ای است که در واقع برای صرف نهار و استراحت می باشد. بواقع باید گفت که صاحبان کارخانه جهت دیدار کارگران مادر با عزیزان خردسال خود هیچ حقی برای آنان قائل نیستند و این کارگران باید از وقت نهار و استراحت خود به منظور فوق استفاده نمایند و تازه برای روشن شدن هرچه بیشتر ابعاد استثمار و ستمگری در حق کارگران باید به این واقعیت اشاره کرد که از ۴۵ دقیقه وقت برای صرف نهار و استراحت، تنها ۱۵ دقیقه آن جز ساعات کار محسوب می شود.

با توجه به نوع تولیدی که در این کارخانه صورت می گیرد و کارگران را بالا جبار با انواع مواد شیمیائی در تماس مستقیم قرار می دهد، برخورداری از امکانات بهداشتی و کننده از اثرات ناگوار این مواد و وسایل ایمنی و بهداشتی یکی از اساس ترین مسایل این کارخانه می باشد که فقدان آن سلامتی کارگران را بطور جدی در معرض خطر قرار می دهد. براین مبنا لازم است وضعیت کارخانه و کارگران را از این جنبه از مد نظر بگیرانیم.

۱ - بطور کلی عمده کارگران، سرپرست ها و کارمندان این کارخانه را زنان تشکیل می دهند.

عیری را که در هفته به آنها تعلق گرفته برای قوت
فرزندانشان به هانه می‌برند.

زمان استراحت نیز در کارخانه علی‌رغم نیاز شدید
کارگران به این امره بیشتر از ۱۵ دقیقه نمی‌باشد. بارها
کارگران، بخصوص با توجه به سختی شرایط کار در بخشی
ساختن پونره، به این امر اعتراض کرده و خواهان افزایش
مدت زمان استراحت حداقل از ۱۵ دقیقه به نیم ساعت
گردیده‌اند ولی این درخواست همانند دیگر درخواستهای آنان از
جمله قرار ندادن ماسک‌های نوع مرغوب و مکفی در اختیار کارگران
از طرف سرمایه‌داران زالو صفت کارخانه بی‌جواب مانده
است. چنین است که اغلب کارگران زخم‌تکر کارخانه "تولید
بارو" در حصار شرایط کار نامطلوب و طاقت‌فرسای کارخانه
به انواع بیماری‌های پوستی و تنفسی مبتلا بوده و از این
بیماریها در رنج و عذاب می‌باشند.

همانطور که اشاره شد مدیریت، کارگران رنجید را بصورت
چرخشی در بخش‌های مختلف کارخانه به کار می‌گمارد. دلیل
این اقدام ظاهراً اجتناب از کار مداوم کارگران در يك
بخش و تامین سلامتی آنان (!!) ذکر شده است ولی واقعیت
اینست که مدیریت ضدکارگر این اقدام را جهت محروم ساختن
کارگران از دریافت مزایای ناچیز کار در شرایط سخت
و پرداخت مزد بطور یکسان برای کار در بخش‌های متفاوت
و یا عبارت دیگر به منظور باز گذاشتن دست‌خود در پائین
نگاه داشتن سطح دستمزدها در جهت استثمار هرچه شدیدتر
کارگران انجام داده است.

در همین جا باید متذکر شد که حقوق و مزایای کارگران
ساده و ماهیین کار تقریباً یکسان بوده و سرمایه‌داران در
پرداختن مزد تفاوت چندانی بین آنها قائل نیستند.
حقوق کارگران بطور کلی بین ۴ تا ۶ هزار تومان در ماه
می‌باشد. البته ۶ هزار تومان به کارگرانی تعلق می‌گیرد که
دارای ۱۴ سال سابقه کار بوده و دارای دو فرزند باشند.
با توجه به نوع کار در این کارخانه در هر ۶ ماه يك عدد
روپوش، يك جفت کفش، يك مقنعه، هر دو ماه يكبار يك سهمیه
بهداشتی شامل ۲ عدد پونره شوماو دو عدد مایون برای
استفاده در محل کار به کارگران داده می‌شود ولی این اقلام
بهبوجه حداقل نیازهای ضروری کارگران را در محیط کار
برطرف نمی‌کند. بخصوص که گاه اقلای چون کفش یا روپوش
در اندازه و قد آنها تعیین نمی‌شوند. کفشیها یا کوچکند یا
بزرگ و روپوشها هم بهمین ترتیب با قد و سایز آنها هم خوانی
در صفحه ۲۸

اگر برای مصون ماندن از اثرات گازهای مختلف
شیمیائی که فضای کارخانه را آلوده می‌سازند استفاده از
ماسک‌های مناسب، امری حیاتی و بسیار ضروری است و
اگر برای اجتناب از تماس مست با مواد شیمیائی لازم است
دستکشهای مخصوص مواد استفاده قرار گیرند و غیره، هیچکس از
این وسایل ضروری در اختیار کارگران قرار ندارد. حتی
کارگران بخش‌های سازنده پونره قرص و کپسول که از دیگر
کارگران بیشتر نیازمند استفاده از این وسایل هستند از در
اختیار نداشتن آنها بطور کامل و مکفی محرومند. بواقع تنها
به کارگران پونرکسار نوعی وسیله بنام ماسک می‌دهند ولی
این ماسک‌های کنائی از کارائی لازم برخوردار نیستند.
اولاً این ماسکها همه صورت را محافظت نمی‌کنند. ثانیاً
بعلت آنکه جنس آنها کاغذی می‌باشد با يك بار تنفس پاره
می‌شوند. بقول یکی از کارگران این کارخانه خاصیت این
نوع ماسکها آنست که هوا را تصفیه میکند تا گرد و غبار
راحتتر به حنجره کارگران فرورود (!!).

جالب است بدانیم که در انبار کارخانه به تعداد
لازم ماسک‌هایی از نوع مرغوب و قابل استفاده وجود دارد
ولی از نظر مدیریت ضدکارگر کارخانه، مورد استفاده آنها
فقط بهنگام نعلی سفره یازدهم هر از چندگاه یکی از مقامات رژیم
از کارخانه می‌باشد. تاکنون بارها این نعلی سفره به مرحله
اجرا نرآمده و هر بار در روز بازدید این با آن مقام مزدور
رژیم و همپالگی صاحبان استثمارگر و زالوصفت کارخانه،
ماسکها از انبار بیرون کشیده شده و در اختیار کارگران
قرار گرفته است ولی بلافاصله روز بعد آنها را از کارگران
پس گرفته‌اند.

استحمام هرروزه، استراحت به حد کافی و خوردن شیر
بطور روزمره از دیگر نیازهای کارگران کارخانه "تولید
بارو" برای پیشگیری از ابتلا به انواع بیماری‌های
ریوی و تنفسی است. ولی در این کارخانه برای استحمام
کارگران در طی هفته فقط ۴۵ دقیقه وقت در نظر گرفته شده،
لاجرم کارگران حداکثر هفته‌ای یکبار امکان حمام کردن دارند.
شیر نه بطور روزمره بلکه تنها هفته‌ای یکبار آنها هم مقدار
اندک که تازه گاه شامل همه کارگران نیز نمی‌شود توزیع
می‌گردد و تاسف بار آنکه با توجه به شرایط معیشتی و خامتبار
کارگران و عدم تکافوی هزینه زندگی بدلیل پائین بودن
سطح دستمزدها در این کارخانه، کارگران مانده اغلب سهم



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"

(ماژتسه دون)

روز شمار
اسفند ماه

شهدای اسفند ماه

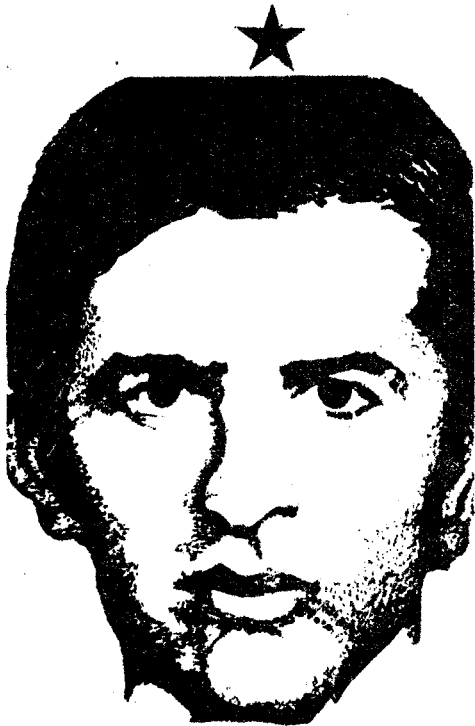
چریکهای فدائی خلق ایران

- ۱۲/۱۱ تشکیل کنگره موسس انترناسیونال سوم ۱۹۱۹
- ۱۳۵۰/۱۲/۱۱ شهادت چریکهای فدائی خلق رفقای کبیر: مسعود احمدزاده هروی و عباس مفتاحی (از بنیانگذاران سازمان)
- ۱۳۵۳/۱۲/۱۲ اعدام انقلابی سروان نوروزی رئیس گارد دانشگاه توسط چفا
- ۱۲/۱۳ درگذشت رفیق استالین ۱۹۵۳
- ۱۳۴۵/۱۲/۱۴ درگذشت دکتر محمد مصدق
- ۱۳۵۲/۱۲/۱۴ شکستن اعتصاب کارگران نفت
- ۱۲/۱۴ تولد روزالوگزا میبورگ ۱۸۲۱
- ۱۳۵۳/۱۲/۱۵ اعدام انقلابی عباس شهریاری خائن توسط چریکهای فدائی خلق ایران
- ۱۲/۱۷ روز جهانی زن (۸ مارس)
- ۱۲/۲۳ درگذشت کارل مارکس اندیشمند کبیر پرولتاریا ۱۸۸۳
- ۱۳۳۶/۱۲/۲۴ شهادت روزنامه نگار مردمی کریم پورشمیری
- ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ ملی شدن صنعت نفت
- ۱۳۲۹/۱۲/۱۳ کودتای رضاخان مزدور
- ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ ملی شدن صنعت نفت

رقبا:	تاریخ شهادت	عبدلکریم حاجیان سهله	۵۰/۱۲/۱۳
مهدی اسحاقی	۴۹/۱۲/۱	مهدی سوالونی	۵۰/۱۲/۱۳
محمد رحیم سمایی	۴۹/۱۲/۱	علیرضا نابدل	۵۰/۱۲/۲۲
علی اکبر فراهانی	۴۹/۱۲/۲۶	یحیی امین نیا	۵۰/۱۲/۲۲
(فرمانده دسته پارتیزان جنگل)		جعفر اردبیلی	۵۰/۱۲/۲۲
احمد فرهودی	۴۹/۱۲/۲۶	منان فلکی	۵۰/۱۲/۲۲
(معاون فرمانده)		محمد تقی زاده	۵۰/۱۲/۲۲
محمد علی محدث قندی	۴۹/۱۲/۲۶	اصغر عرب هرسی	۵۰/۱۲/۲۲
ناصر سیف دلیل صفائی	۴۹/۱۲/۲۶	اکبر موید	۵۰/۱۲/۲۲
فتوح حسن پورا صیقل شیرجویمتی	۴۹/۱۲/۲۶	علی نقی آرش	۵۰/۱۲/۲۲
محمد هادی فاضلی	۴۹/۱۲/۲۶	حسن سرکاری	۵۰/۱۲/۲۲
عباس نائین بهزادی	۴۹/۱۲/۲۶	مجتبی خرم آبادی	۵۲/۱۲/۱۲
هوشنگ نیری	۴۹/۱۲/۲۶	مبا بهژن زاده	۵۵/۱۲/۹
جلاله انفرادی	۴۹/۱۲/۲۶	بهنام امیری دیوان	۵۵/۱۲/۹
مجید احمدزاده هروی	۵۰/۱۲/۱۱	عبدالرضا کلاتر نمستانی	۵۵/۱۲/۱۸
اسدالله مفتاحی	۵۰/۱۲/۱۱	رضا حمت زاده	۵۵/۱۲/۱۶
غلامرضا گلوی	۵۰/۱۲/۱۱	حمید آقاوردی زاده	۶۴/۱۲/۱۹
حمید توکلی	۵۰/۱۲/۱۱	(کاک کا ووس) ترکردستان عراق	۵۰/۱۲/۱۱
بهمن آرزنگ	۵۰/۱۲/۱۳		۵۰/۱۲/۱۱
سعید آریان	۵۰/۱۲/۱۳		۵۰/۱۲/۱۳

هواچه برافراشته تریباد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

جاودان باد خاطره رهبران کبیر چریکهای فدائی خلق ایران



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید
عباس مفتاحی



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید
مسعود احمدزاده



بهاران خجسته باد

در آستانه سالی جدید قرار داریم. سرفصل نوئی در زندگی طبیعت شروع به آغازیدن کرده است. شبهای سیاه و طولانی زمستان و مغلوب انوار زرین خورشید فروزان میشود و بهار با طبیعت زیبا و طرب انگیزش از راه میرسد و سبزی و خرمی بهاره نسیم فرجبخش آن و طراوت گلهای نوره بهاری نوید پایان زمستان سرد و سخت را میدهند. در این بهار و در آغاز سال جدید برای خلقهای دریند ایران بخصوص برای کارگران و زحمتکشان که مبارزات سترگان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش نوید بخش پایان زمستان تاریک و خفقان آوری است که بدست این دشمنان بر سر زمین ما حاکم گشته، آرزوی موفقیت و پیروزی میکنیم.

باشد که سال نو سال پیشرفت و موفقیتهای مبارزاتی هرچه بیشتر خلقهای ستمدیده مان بر علیه امپریالیسم و سگ زنجیرش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
اسفند ماه ۶۸

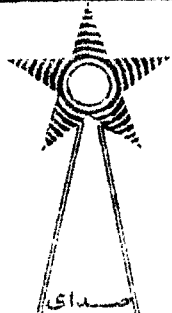
با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانیهای زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE
BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND



ساعات پخش:

۹ شب و

۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متری

چریکهای فدائی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!